



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



ایمان شکوہ

پار نظامی
تعلیم و تربیت

علی آقا جانی صاحب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین

نویسنده:

علی آقاجانی قناد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	قدردانی
۱۵	مقدمه
۱۹	پیش گفتار
۱۹	اشاره
۲۴	نقش ایرانیان در تمدن مسلمانان
۲۵	نسبت تمدن اسلام و تمدن مسلمانان
۲۸	بخش اول: تعریف فرهنگی تمدن
۲۸	اشاره
۲۹	تعریف فرهنگی تمدن
۲۹	اشاره
۲۹	الف _ تمدن در لغت
۳۰	ب _ تمدن در اصطلاح
۳۲	تفاوت فرهنگ و تمدن
۳۴	تعامل تمدن مسلمانان با تمدن های دیگر
۳۴	اشاره
۳۴	۱ _ دیدگاه خطی تاریخی
۳۵	۲ _ دیدگاه تقابل و ستیز
۳۵	۳ _ دیدگاه موج سوم:
۳۶	۴ _ دیدگاه گفتگوی تمدن ها:
۳۸	بخش دوم: اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

۳۸	اشاره
۳۹	اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام
۳۹	اشاره
۳۹	۱ _ یکتاپرستی
۴۶	۲ _ وحی الهی و نبوت
۵۳	۳ _ قرآن، سنت، حدیث و شریعت
۵۳	اشاره
۵۳	الف _ قرآن
۵۹	ب _ سنت
۶۰	ج _ حدیث
۶۱	د _ شریعت
۶۵	۴ _ روز رستاخیز
۶۹	۵ _ امامت، ولایت و خلافت
۷۴	بخش سوم: ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان
۷۴	اشاره
۷۵	ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان
۷۵	اشاره
۷۵	۱ _ جهان بینی
۸۰	۲ _ اخلاق
۸۷	۳ _ پیوند دین و دانش
۹۶	۴ _ پیوند عقل و دین
۱۰۱	۵ _ پیوند دین و دنیا
۱۰۴	۶ _ نخبگان
۱۰۵	۷ _ یکپارچگی اجتماعی
۱۰۸	بخش چهارم: قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان
۱۰۸	اشاره

۱۰۹	قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان
۱۰۹	اشاره
۱۰۹	الف _ علوم دینی
۱۰۹	اشاره
۱۰۹	۱ _ قرائت
۱۱۱	۲ - تفسیر
۱۱۲	۳ _ حدیث
۱۱۲	۴ _ رجال و درایه
۱۱۳	۵ _ فقه و حقوق
۱۱۴	۶ _ اصول فقه
۱۱۵	ب _ علوم ادبی
۱۱۷	ج _ علوم عقلی و عرفانی
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	۱ _ کلام
۱۱۹	۲ _ فلسفه
۱۲۲	۳ _ عرفان و تصوف
۱۲۳	د _ علوم آموزشی
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	۱ _ مدرسه ها
۱۲۴	۲ _ کتاب خانه ها
۱۲۴	اشاره
۱۲۶	عصر ترجمه
۱۲۶	تهمت کتاب سوزی مسلمانان
۱۲۸	ه _ علوم پزشکی
۱۲۸	اشاره
۱۲۸	۱ _ پزشکی

- ۲ _ داروشناسی و داروسازی ۱۳۱
- ۳ _ جراحی ۱۳۲
- ۴ _ گیاه شناسی ۱۳۲
- ۵ _ بیمارستان ها ۱۳۲
- ۶ _ نوآوری در پزشکی ۱۳۳
- و _ علوم طبیعی ۱۳۴
- اشاره ۱۳۴
- ۱ _ شیمی و کیمیا ۱۳۴
- ۲ _ فیزیک ۱۳۷
- ۳ _ ستاره شناسی ۱۳۹
- ۴ _ زمین شناسی و زیست شناسی ۱۴۰
- ۵ _ جغرافیا ۱۴۱
- ز _ علوم ریاضیات ۱۴۲
- ح _ علوم انسانی و اجتماعی ۱۴۳
- اشاره ۱۴۳
- ۱_ تاریخ: ۱۴۳
- ۲ _ اخلاق و حکمت عملی ۱۴۵
- ۳ _ روان شناسی ۱۴۵
- ۴ _ جامعه شناسی و انسان شناسی ۱۴۶
- ۵ _ اقتصاد ۱۴۷
- ط _ علوم هنری ۱۴۸
- اشاره ۱۴۸
- ۱ _ معماری ۱۴۹
- ۲ _ هنرهای تزئینی ۱۵۱
- ۳ _ خط و خوش نویسی ۱۵۱
- ۴ _ موسیقی ۱۵۲

- ی _ صنعت و فن آوری ۱۵۳
- اشاره ۱۵۳
- ۱ _ مهندسی مکانیک ۱۵۳
- ۲ _ مهندسی معماری ۱۵۳
- ۳ _ صنایع نظامی ۱۵۴
- ۴ _ کشتی سازی و کشتی رانی ۱۵۵
- ۵ _ صنایع شیمیایی ۱۵۶
- ۶ _ منسوجات، کاغذ و چرم ۱۵۶
- ۷ _ کشاورزی و صنایع غذایی ۱۵۷
- ۸ _ معدن و فلزکاری ۱۵۸
- ۹ _ مهندسان و صنعت گران ۱۵۹
- بخش پنجم: آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان ۱۶۱
- اشاره ۱۶۱
- آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان ۱۶۲
- اشاره ۱۶۲
- ۱ _ یورش بیگانگان (مغولان و تیموریان) ۱۶۲
- ۲ _ کج روی های فکری و اخلاقی ۱۶۴
- ۳ _ اختلاف های قومی، مذهبی و سیاسی ۱۶۷
- ۴ _ رهبران ناآگاه، خودکامه و فاسد ۱۶۹
- ۵ _ فعالیت های تخریبی اقلیت های مذهبی ۱۷۰
- ۶ _ خودباختگی در برابر غرب ۱۷۱
- بخش ششم: تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر ۱۷۳
- اشاره ۱۷۳
- تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر ۱۷۴
- اشاره ۱۷۴
- ۱ _ نقش تمدن مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب ۱۷۴

- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۶ الف _ جنگ های صلیبی
- ۱۷۷ ب _ اندلس
- ۱۸۰ ج _ صقلیه (سیسیل)
- ۱۸۲ د _ رابطه ی فرهنگی مسلمانان با اروپا
- ۱۸۸ ۲ _ اسلام، ایران و تمدن معاصر
- ۱۸۸ اشاره
- ۱۹۱ الف: اصلاح گران جهان اسلام
- ۱۹۱ اشاره
- ۱۹۱ سید جمال الدین اسدآبادی
- ۱۹۱ شیخ محمد عبده
- ۱۹۳ حسن البنا
- ۱۹۳ عبدالرحمان کواکبی
- ۱۹۳ اقبال لاهوری
- ۱۹۴ ب _ جنبش های اصلاحی و سیاسی شیعی
- ۱۹۴ اشاره
- ۱۹۴ جنبش تنباکو
- ۱۹۶ جنبش استقلال طلبانه ی میرزا محمدتقی شیرازی
- ۱۹۶ جنبش مشروطیت
- ۱۹۷ نهضت ملی شدن صنعت نفت
- ۱۹۸ انقلاب اسلامی ایران
- ۱۹۹ ج _ جایگاه تمدن مسلمانان در جهان معاصر
- ۲۰۱ د _ چالش های تمدن مسلمانان در جهان معاصر
- ۲۰۱ ۱ _ نگرش های افراطی و تفریطی به فرهنگ خودی و غرب
- ۲۰۲ ۲ _ پراکندگی فکری و عملی
- ۲۰۲ ۳ _ ناهم آهنگی نخبگان

- ۴ _ خودکامگی و وابستگی دولت های مسلمان ----- ۲۰۲
- ۵ _ نبود ساختار اندیشه سازی نوین ----- ۲۰۳
- ۶ _ دگرگونی های پر شتاب جهانی ----- ۲۰۳
- ه _ نقش انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن مسلمانان ----- ۲۰۴
- اشاره ----- ۲۰۴
- ۱ _ عدالت ----- ۲۰۶
- ۲ _ کرامت انسانی ----- ۲۰۷
- ۳ _ هم اندیشی نخبگان فکری و علمی ----- ۲۰۷
- ۴ _ دست یابی به هویت جمعی مسلمانان ----- ۲۰۷
- ۵ _ به دست آوردن ابزار مادی تمدن ----- ۲۰۷
- ۶ _ مسؤولیت پذیری نخبگان ----- ۲۰۸
- ۷ _ منطق جمعی ----- ۲۰۸
- ۸ _ آفرینندگی فرهنگی ----- ۲۰۸
- ۹ _ ارج گذاری دانش و اندیشمندان ----- ۲۰۹
- ۱۰ _ ترسیم چهره ی رحمانی دین ----- ۲۰۹
- ۱۱ _ معرفت دینی ----- ۲۰۹
- ۱۲ _ خردورزی اعتدالی ----- ۲۱۰
- ۱۳ _ پیوند عقل و وحی ----- ۲۱۰
- کتاب نامه ----- ۲۱۲
- درباره مرکز ----- ۲۲۳

شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین

مشخصات کتاب

شکوه ایمان (بازشناسی تمدن مسلمین)

کد: ۶۵۸

نویسنده: علی آقاجانی قناد

ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: نینوا

چاپ و صحافی: چاپخانه آرمان

نوبت چاپ: اول / مهر ۱۳۸۱

شمارگان: ۱۲۰۰

بها: ۸۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

اینترنت: <http://WWW.IRC.COM>

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ و ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۶۴-۷۸۰۸-۲۴-۰-۷۸۰۸-۲۴-۰ ISBN: ۹۶۴

ص: ۱

اشاره

قدردانی

قدردانی

با سپاس از همکارانی که در آفرینش این پژوهش نقش داشته اند:

ویراستار: محمدصادق دهقان

نمونه خوانی: محمدرضا پورفلاحتی و علی روحانی بیدگلی

حروف نگار: محمد میرابی، اکرم سادات بنی زهرا

صفحه آرا: اکرم سادات بنی زهرا

طراح جلد: ابوالحسن کوه کن

مسئول تولید: هادی نعمتی

هم آهنگی چاپ: علی اکبر مینایی

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تمدن اسلامی، بیان کننده ی فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمانان است. نقطه ی آغاز این تمدن به پیدایی اسلام باز می گردد و از آغاز تاکنون با فراز و نشیب هایی روبه رو بوده است. مایه ی شگفتی است که دین حیات بخش اسلام، انقلاب و تحول علمی و فرهنگی را از نقطه ای آغاز کرد که ساکنان آن در جاهلیت و خشونت وصف ناشدنی می زیستند. در چنین محیطی ندای «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» که از حلقوم پیامبر گرامی اسلام برآمد، به نهضتی فراگیر تبدیل شد که قافله ی دل ها را به سوی وحدانیت و معرفت حقیقی کشاند و کاروان اندیشه را به اوج شکوفایی و نقش آفرینی در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی رهنمون ساخت.

این نهضت در قرن سوم و چهارم هجری در جنبه های گوناگون علمی به پیشرفت چشم گیری دست یافت و فرزنانگان پرشماری در سراسر قلمرو جهان اسلام سربر آوردند. بی شک، سهم ایرانیان نیز در این میان قابل توجه بوده است. در آن دوران، مسلمانان مشعل علم و تمدن را که از مدت ها پیش در خاموشی فرو رفته بود، برافروختند و مشعل داران شایسته ی علم و تمدن شدند. مسلمانان با دریافت علوم معاصر و سازمان دهی این علوم بر اساس جهان بینی اسلامی، به اصلاح و تکمیل آن پرداختند.

در حقیقت، ظهور اسلام، ظهور جهان بینی جدید و بینش نو نسبت به هستی و قوانین حاکم بر آن بود. آموزه های اسلامی، انسان را خلیفه ی خدا بر روی زمین و جهان را مُسَخَّر او می دانند. بنابراین، از او می خواهد برای تحکیم حاکمیت خویش بر دنیا، به شناخت قانون مندی ها و رمز و راز موجود در آفرینش، همت گمارد و عقل خویش را به عنوان بزرگ ترین ودیعه ی الهی پرورش دهد.

با این حال باید دانست حرکت تکاملی این تمدن یک نواخت نبوده و با اوج و رکودهایی روبه رو شده است.

یکی از عوامل افول فرهنگ و تمدن مسلمانان، هجوم بی امان بیگانگان به جهان اسلام بود که از یورش مغولان، آغاز شد و اکنون نیز در قالب هجوم استعمار غرب ادامه دارد. زوال اندیشه ی سیاسی مسلمانان و در نهایت، چیرگی استبداد، ضربه های شدیدی بر پیکر تمدن اسلامی وارد آورده است.

با این وصف، در پایان قرن بیستم، نسیمی وزیدن گرفت و حضرت امام خمینی رحمه الله به عنوان احیاگر قرن، با تیزبینی و عزمی راسخ به رفع دو مانع یاد شده همت گماشت. ایشان با ید بیضا و عصای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی مسلمانان و محرومان را نجات داد و با بازسازی اندیشه ی سیاسی اسلام و طرح اصل متری و اساسی ولایت فقیه، زندگی سیاسی – اجتماعی مردم ایران اسلامی را از سلطه ی استکبار رهانید. انقلاب اسلامی ایران، فضای مناسب سیاسی و دینی را برای نجات بشریت از قید و بندهای دنیایی و احیای تمدن اسلامی فراهم ساخت.

اینک مهم ترین رسالتی که بر دوش ماست همانا ایجاد حرکت جهادی و تحول اساسی در صحنه های علمی برای اصلاح علوم و تمدن اسلامی است. آمادگی جامعه برای پذیرش تحول و تکامل از دیگر عوامل شکوفایی است. تمدن اسلامی را آنانی به اوج رسانند که با پای بندی به اصول، در قالبی تازه، حرفی نو ارایه دادند. هم چنین در میان عوامل اوج گیری و شکوفایی تمدن اسلامی از مسایل اقتصادی نباید غافل بود. نیروی انسانی کارآمد، امکانات طبیعی، فن آوری و تکنولوژی، مجموعه عواملی است که در اوج گیری این تمدن مؤثر است.

تمدن اسلامی آن گاه اوج می گیرد که به خودباوری برسد. امام امت روح خودباوری را در کالبد جامعه ی اسلامی دمید و جامعه را با رهبری، خلاقیت، تدبیر و استعدادهای تازه و کارگشا آشنا ساخت. البته ارایه و عرضه ی درست دین و مفاهیم دینی از سوی کارشناسان مسلمان برای اوج گیری تمدن لازم است و به عنوان یکی از عوامل فرهنگی، نقشی کلیدی دارد.

جامعه ی اسلامی از برخورد اندیشه ها نمی هراسد و تنها موانع روانی، سیاسی و فرهنگی مانند: تعصب کورکورانه، روحیه ی تقلید، غرور، نبود روح نقادی و ترس از نوآوری، ممکن است به این تمدن آسیب برساند. باید دنباله روی و تقلید از غرب از کشورهای اسلامی رخت برنهد و وحدت دینی پدید آید تا بتوان با انگیزه ی نیرومند در برابر فشارهای خارجی مقابله کرد. توطئه افکنی دشمنان اسلام در ایجاد درگیری های فرقه ای و مذهبی، قومی و قبیله ای و درگیری های مرزی از آسیب هایی است که بارها و بارها مسلمانان ضربه های جبران ناپذیری را از این رهگذر محتمل شده اند. در کنار همه ی این

عوامل، موانع اقتصادی نیز می تواند جامعه ی اسلامی را به فقر و ناداری بکشاند که تنها راه مهار آن، بازنگری جدی در ساختار اقتصادی است.

پژوهش گر ارجمند آقای علی آقاجانی قناد کوشیده است شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی را از زوایای گوناگون به تصویر بکشد. به امید این که روح عزّت و سربلندی بیش از پیش در تمدن اسلامی بدمد و با حکومت عدالت آفرین مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف شکوفایی، نشاط و بالندگی بی چون و چرای اسلام و مسلمانان را در سراسر گیتی شاهد باشیم.

انّه ولیّ التوفیق

مدیریت پژوهشی

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

اشاره

پیش‌گفتار

چگونه باید زیست؟ چگونه باید بود و چگونه باید بود خویش را به اثبات رساند؟ این‌ها پرسش‌هایی اساسی است که ذهن نسل جوان و کاوش‌گر را می‌آزارد؛ نسلی که دل در گرو آیین و اندیشه‌ی به‌یادگار مانده از گذشته‌ی ماندگار خویش دارد. اندیشه‌ی پیشرفت در دنیایی که غرب غیر دینی، سررشته‌ی همه‌ی امور را به دست گرفته و حتی خدا را نیز از صحنه‌ی زندگی به کناری نهاده است، چالشی ژرف را فرا روی مسلمانان پدید می‌آورد. هر مسلمان از خود می‌پرسد که: آیا پیشرفت ضرور است و آیا هم‌گام با پیشرفت باید دین و فکر دینی را کنار گذاشت؟ چالش اساسی در رویارویی بی‌امان سنت و مدرنیسم آن است که بسیاری از اندیشمندان مسلمان کوشیده‌اند اندیشه‌ی پیشرفت را به گونه‌ای با ایمان دینی آشتی دهند که گاهی این تلاش، به قربانی شدن ایمان دینی در پیشگاه پیشرفت انجامیده است.

از این میان، جریان اسلام‌مدار، سنت‌گرا و بومی‌گرا برای احیای سنت می‌کوشد. در مقابل، جریان روشن‌فکری یا سنت‌روشن‌گری که همان جریان غرب‌گرا یا غرب‌زده است، با کهنه و مرده‌پنداشتن سنت، به مدرنیته روی می‌آورد و خردسالاری (۱) و انسان‌سالاری (۲) را بر می‌گزیند. جریان غرب‌گرای

۱- Rationalism

۲- Omanism.

نوین یا به دیگر سخن، باز اندیش و عرفی گرا نیز با نفی ایدئولوژی، از علم گرایی، تجربه گرایی و سکولاریسم سخن به میان می آورد. (۱)

آن چه مسلم است این که راه اعتدال، تکیه بر سنت و فرهنگ اسلامی است. البته نه به معنای تقلید ظاهری از سنت که به معنای پایبندی به اصول و میراث تمدنی و بومی.

همه می دانیم «در آن زمان که اروپا در چنگ قرون وسطی، دست و پا می زد، تمدن اسلامی در عصر طلایی خود بود.» (۲) با این حال امروزه این طنز تلخ بر جان هر مسلمانی شرر می زند که «تیکو براهه»، هنگامی نخستین رصدخانه را در غرب بنا نهاد که واپس گرایان تاریک اندیش، واپسین رصدخانه را در جهان اسلام ویران می ساختند.

البته باید دانست برای بازگشت به دوران طلایی تمدن اسلامی نباید به نظریه پردازان تمدن غرب چشم امید بدوزیم؛ زیرا آنان راه کارهای خود را بر اساس شرایط اجتماعی جامعه خویش و بی توجه به بافت اجتماعی جامعه های توسعه نیافته یا در حال توسعه، پیشنهاد می کنند. پی آمد چنین درمانی نیز آن است که امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه با همان مشکلات پنجاه

۱- چالش های کنونی ایران، عماد افروغ، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۰۶.

۲- فرصت را دریابیم ریچارد نیکسون، برگردان: حسین وفسی نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۲۴۲.

سال پیش خود دست به گریبان اند. هم چنین در برخی از آن ها، اجرای نظریه های توسعه به دلیل تعارض با شرایط آن جامعه، به بحران های اجتماعی و سیاسی انجامیده است. افزون بر آن کشورهای توسعه یافته و صنعتی نیز خود به دامن مشکلات جدیدی فرو افتاده اند. (۱)

گفتنی است غرب به یک سرزمین خلاصه نمی شود، بلکه همانند واحد مرکب، جلوه گوناگونی از یک مجموعه فرهنگی و پدیده ی تمدنی و سحابی است که مرکز آن، همه جا و محیطش هیچ جا است. «امروزه غرب به ماشین اجتماعی گسترده ای بدل شده است که نقطه ی ثقل آن در مغزهای ماست.» (۲) اینک غرب در آغاز هزاره ی سوم میلادی برای فراگیر ساختن ارزش های فرهنگی، تمدنی، اقتصادی و سیاسی خود خیزهای بلند پروازانه ای برداشته است. «جهانی سازی» یکی از طرح های غرب است که در آن، کنش گران جهانی جانشین ساختار دولت محور بین المللی می شود و الگوی سرمایه داری - صنعت محوری در سراسر جهان گسترش می یابد. جهانی سازی، دولت - ملت ها را جهانی می کند و پی گیری حقوق بشر در درون مرز کشورها و مداخله در امور داخلی آن ها را آسان تر می سازد. با گسترش این فرهنگ، ارزش های فرهنگی، گفتار علمی و مردمی، پوشش های انسانی، فیلم های

۱- گذر از نوگرایی، حمید مولانا، برگردان: یونس شکرخواه، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۱، چ ۱، پیش گفتار.

۲- غربی سازی جهان، سرژلاتوش، برگردان: امیر رضایی، تهران نشر قصیده، ۱۳۷۲، چ ۱، صص ۸۸ و ۸۹.

تلویزیونی و سینمایی و مشکلاتی هم چون آلودگی محیط زیست و ایدز، جنبه‌ی جهانی به خود می‌گیرد. «شبکه‌ی جهانی اینترنت نه تنها به جهانی شدن، ابعاد جدیدی بخشیده بلکه در معنای زمان و مکان نیز تغییر به وجود آورده است. (۱)

به یقین، دیدگاه و عملکرد غرب در زمینه‌ی جهانی شدن، همان غربی‌سازی جهان است که اکنون چالش‌هایی هم چون: ناکامی توسعه، بحران نظم غربی در مفهوم ملیت اقتصادی، فرا فرهنگی‌سازی، تعارض نظام جهان گیر با نظم‌های قدیمی و جدید، چند جانبه‌گرایی، نظم نوین جهانی و تعارض تمدن‌ها (۲) را فراروی دارد. بنابراین، جهانی شدن، برای تمدن‌های دینی به ویژه اسلامی، تهدیدی اساسی به شمار می‌رود و در واقع «بازگشت به نوعی استعمار جدید است که از مشابه سنتی‌اش، ویران‌گرتر و پنهان‌تر است.» (۳) البته غرب باید بداند که هر گاه روابط خود را با شرق بر پایه‌ی برتری جویی و سلطه‌گری بنا کند و هر قدر هویت‌های تمدنی را نادیده انگارد، بر شمار مناطق بحران خیز در جهان افزوده خواهد شد.

۱- نظام جهانی سازی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، باری اکسفورد، برگردان: حمیرا مشیرزاده، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸، چ ۱، پیش‌گفتار، ص ۹ - ۱۰ با تلخیص.

۲- ر.ک: نظام جهانی سازی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، صص ۲۴۳ - ۲۵۸.

۳- پگاه حوزه، ش ۱۹، ص ۱۳، مقاله‌ی دکتر ابوالبراهیم ربیع.

در این زمینه، اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام برای رو به رو شدن با پدیده ی جهانی شدن و مدرنیسم و فرا مدرنیسم سه راه پیش رو دارند:

۱ _ نخست، تسلیم شدن و وادادگی یا همان مصرف کننده و تماشاگر بودن است.

۲ _ دومین واکنش، روی گردانی از این پدیده هاست که به شکل عزلت گرایی و گسستن از جهان و یا محال اندیشی و برهم زدن بازی نمود پیدا می کند.

۳ _ سومین راه کار، بازی گری نقادانه یا همان حضور فعال در عرصه جهانی، باز تولید اندیشه و واقع گرایی منتقدانه است. خوشبختانه تمدن اسلامی در این راه تنها نخواهد ماند زیرا در درون تمدن غرب نیز جریان پسامدرنیسم با به چالش کشاندن مدرنیته می تواند برای بازگشت انسان غربی به گرایش های معنوی، بسترسازی کند.

اینک نظریه پردازان غربی در کنار پدیده هایی هم چون نوسان های اقتصادی، نوزایی هنرها و گسترش سوسیالیسم، از تجدید حیات مذهب سخن می گویند (۱) تجدید حیات مذهب در غرب، مهر بطلانی است بر این اندیشه که دانش بشری می تواند همه ی مسایل جهان را حل کند. (۲) اگر مسلمانان با

۱- بر اساس آمارهای منتشر شده در سال ۱۹۸۷ م، ۹۴ درصد از آمریکاییان به خدا باور پیدا کرده بودند که این آمار نسبت به گذشته رشد چشمگیری را نشان می دهد. هم چنین بسیاری از آنان در سال های اخیر به مطالعه ی آیین های برگرفته از ادیان شرق روی آورده اند.

۲- دنیای ۲۰۰۰، جان نیتربیت و پاتریسا آبردین، برگردان: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۱۲.

بازشناسی هویت خویش برای بازسازی تمدن اسلامی بکوشند، جریان تجدید حیات مذهب در غرب نیز بدان خواهد پیوست و می توان شاهد پویایی اندیشه های الهی و باورهای دینی در جهان بود.

نقش ایرانیان در تمدن مسلمانان

در درون تمدن مسلمانان، حضور عنصر ایرانی کاملاً جلوه گر است، به ویژه آن جا که این عنصر با اندیشه ی شیعی گره می خورد. حضور اندیشه ی ایرانی و اندیشه ورزان ایران در گسترش و بالندگی ساختار تمدن مسلمانان چنان چشم گیر است که جدا کردن آن ها از یکدیگر، غیرممکن خواهد بود. از این رو، پافشاری های ناصواب و احساساتی بر ایران گرایی و کوچک شمردن زبان عربی یا دیگر جنبه های فرهنگ اسلامی چیزی بر فضیلت ایرانیان نمی افزاید.

برای نمونه، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری فرهمند امام خمینی رحمه الله، برجسته ترین رویداد جهان در قرن بیستم بود که در پهنه ی جهان اسلام و قلمرو سرزمین ایران رخ داد. افزون بر آن، پیوند یافتن حق و تکلیف، حقوق فردی و اجتماعی، حقوق انسانی و الهی، ویژگی های حکمران و چگونگی حکمرانی و حضور دوباره ی معنویت در عرصه ی روابط اجتماعی از پی آمدهای مهم انقلاب اسلامی ایران است که همه ی اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان را به اندیشه واداشته است. (۱)

بنابراین پرداختن به بحث تمدن مسلمانان از آن رو اهمیت و ضرورت دارد که مسأله‌ی امروز و فردای ماست و مسلمانان بدون پاسخ دادن به چالش‌های دنیای پیشرفته نمی‌توانند از پویایی تمدن خویش سخن برانند.

نسبت تمدن اسلام و تمدن مسلمانان

بسیاری از پژوهش‌گران و نویسندگانی که از تمدن اسلام و مسلمانان سخن گفته‌اند، بیشتر واژه‌ی «تمدن اسلامی» را به کار برده و از ترکیب «تمدن مسلمانان» کمتر بهره گرفته‌اند. رویکرد ما در این نوشتار آن است که واژه‌ی «تمدن مسلمانان» را به کار ببریم و میان تمدن اسلام با تمدن مسلمانان، تفاوت‌هایی در نظر بگیریم. هر چند در عرف جهانی، رسم بر آن است که تمدن‌های دینی را به نام همان دین می‌خوانند، با این حال، در این جداانگاری، حقیقت، ضرورت و مصلحت‌هایی نهفته است.

سید حسن تقی زاده در کتاب «تاریخ علوم در اسلام» به این موضوع، توجه نشان داده و میان «علوم اسلامی»، «علوم در اسلام» و «علوم مسلمانان» تفاوت قایل شده است. وی اصطلاح «علوم اسلامی» را به علوم دینی منحصر می‌داند و از علوم رایج میان مسلمانان که پدید آورندگان آن مسلمان هستند، به «علوم در اسلام» یاد می‌کند. هم‌چنین «علوم مسلمانان» را در دو دسته زیر می‌آورد:

نخست علوم برگردانده شده از زبان‌های یونانی، هندی، پهلوی و سریانی است که نگارندگان اصلی آن‌ها، مسلمان نبوده، ولی شرح نویسان و برگردان‌کنندگان آن مسلمان بوده‌اند.

دوم، آثاری است که نویسندگان یا برگردان‌کنندگان آن مسلمان نبوده، ولی

آن را به زبان عربی یا دیگر زبان های اسلامی نوشته اند. (۱)

همه می دانیم تمدنی که امروزه آن را «تمدن اسلام» می خوانیم، تمدنی ترکیبی است. با ورود علوم یونانی، هندی، و ایرانی به دنیای اسلام، همه ی عرصه های علوم اسلامی با این علوم در هم آمیخت، به گونه ای که حتی علوم محض دینی نیز از پی آمدهای این علوم برکنار نماند. باید دانست اسلام نه تنها مسلمانان را از آموختن و بهره مندی از علوم دیگران باز نمی دارد، بلکه بدان فرا می خواند، ولی ورود این علوم چنان بود که به تعبیر برخی اندیشوران، گونه ای «تهاجم فرهنگی» را در ذهن تداعی می کرد. بد نیست بدانیم افرادی به این روند، مجال گسترش می دادند که زمام دار امت اسلامی بودند، ولی دل بستگی چندانی به اسلام نداشتند. (۲) برای مثال، اسلام نه تنها به موسیقی سفارش نمی کند، بلکه گونه ی لهوی و غنایی آن را نیز ممنوع می شمارد. با وجود این، موسیقی به طور گسترده در میان مسلمانان به ویژه در دربار خلفا رایج گردید. افزون بر آن، آیا می توان عملکرد قدرت هایی هم چون بنی امیه، بنی عباس و دیگر حکمرانان مسلمان را به تمدن اسلامی نسبت داد؟

آیا می توان ریشه ی کمبودها و نارسایی های تمدن مسلمانان را در ناکارآمدی اسلام دانست؟

۱- تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوس، چاپ اول جدید، ۱۳۷۹، ص ۱۸.

۲- همشهری، آذر ۱۳۸۰، کتاب ضمیمه، عقل خود بنیاد دینی، محمد رضا حکیمی، ص ۴۷.

البته به طور حتم پیشرفت مسلمانان مرهون تعالیم اسلامی است و هر آن جا که حرکت مسلمین رنگ و بویی خالص اسلامی تری داشته است ارزش بیشتری را می نمایاند.

باید گفت هر گونه شکست مسلمانان در طرح ها و برنامه هایشان در دور شدن آنان از آموزه های ناب اسلامی ریشه دارد و پای بندی خالصانه ی مسلمانان به ارزش های دینی و به کار بستن درست و دقیق احکام اسلامی، همان پیشرفت های دوران طلایی تمدن اسلامی را برای آنان به ارمغان خواهد آورد.

بخش اول: تعریف فرهنگی تمدن

اشاره

بخش اول: تعریف فرهنگی تمدن

زیر فصل ها

تعریف فرهنگی تمدن

تفاوت فرهنگ و تمدن

تعامل تمدن مسلمانان با تمدن های دیگر

تعریف فرهنگی تمدن

اشاره

تعریف فرهنگی تمدن

زیر فصل ها

الف _ تمدن در لغت

ب _ تمدن در اصطلاح

الف _ تمدن در لغت

الف _ تمدن در لغت

تمدن مصدر عربی از باب تفعّل و اسم مصدر فارسی است. تعریف تمدن ۸۷ در فرهنگ عمید چنین آمده است:

شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود. (۱)

فرهنگ معین نیز با اشاره به معنای شهرنشین شدن و خو گرفتن به اخلاق شهری، آن را همکاری افراد و جامعه در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب آسایش و ترقی خود می داند. (۲) علامه دهخدا در معنای تمدن می نویسد:

تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت.

ولی با توجه به دیگر لغت نامه ها، تمدن را به «در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه»، «اقامت در شهر»، «شهرنشینی» و «مجازاً تربیت و ادب» معنی کرده است. (۳)

۱- فرهنگ عمید، حسن عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، چاپ ۱۱، ج ۱، ص ۶۱۵.

۲- فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۱۱۳۹.

۳- لغت نامه ی دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ج اول از دوره ی جدید، ص ۶۰۹ _ ۶۱۱.

در زبان عربی، در کنار اصطلاح تمدن، مترادف‌هایی مانند: «حضاره»، «ثقافه» و «مدینه» آمده است. (۱)

در قرآن مجید، از ریشه‌ی «م _ د _ ن» یا «ح _ ض _ ر» که در عربی واژه‌ی «حضاره» را از آن ساخته‌اند، واژه‌ای برای تمدن وجود ندارد. با این حال چند واژه‌ی قرآنی «امت»، «قریه» و «قرن» با این واژه ارتباط نزدیکی دارند و تقریباً همین معنا را می‌رسانند. (۲)

در زبان انگلیسی و فرانسوی، اصطلاح تمدن با واژه‌های **Civilization** و **Civilisation** برگردان می‌شود که هر دو از ریشه‌ی واژه‌ی انگلیسی **Civil** به معنای «مدنی» و «با تربیت اجتماعی» هستند. این واژه در فرهنگ‌های انگلیسی، با واژه‌های با ادب، با نزاکت، قابل احترام، شهرنشین و سه مترادف آمده و در فرانسه به معنای پیشرفت، ترقی و توسعه تحول و تطور است. (۳) در مجموع، تعریف علامه دهخدا و فرهنگ معین از معنای لغوی تمدن فراگیرتر است.

ب _ تمدن در اصطلاح

ب _ تمدن در اصطلاح

واژه‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و فلسفی درباره‌ی معنای اصطلاحی تمدن، دیدگاه‌های گوناگونی ابراز داشته‌اند و همین مسأله، پاسخ به

۱- دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، ص ۱۳.

۲- علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، احمد علی قانع غرآبادی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۲۵ _ ۳۰.

۳- دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی، ص ۱۴.

«چیستی تمدن» را دشوار می سازد. ابن خلدون، تمدن را مانند موجود زنده ای می داند که متولد می شود، رشد می کند، تغذیه می کند، و به دوره ی شباب و شکوفایی می رسد، کامل می گردد و پس از آن آهسته آهسته رو به کهولت و ضعف می رود و آن گاه می میرد. وی عقیده دارد که نطفه ی دولت در صحرا متولد می گردد. (۱)

ویل دورانت، تمدن را چنین تعریف می کند:

تمدن را به شکل کلی آن می توان چنین تعریف کرد: نظم اجتماعی که با وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. (۲) تمدن، نظامی است اجتماعی که آفرینش فرهنگی را تسریع می کند و نظامی است که عرف و اخلاق و قانون نگاه دارنده ی آن است و نظامی است اقتصادی که با مداومت تولید و مبادله برقرار می ماند. (۳)

ساموئل هانتینگتون می گوید:

تمدن بالاترین سطح گروه بندی فرهنگی مردم و گسترده ترین هویت فرهنگی است که می توان انسان ها را با آن طبقه بندی کرد. (۴)

یکی دیگر از صاحب نظران، تمدن را مجموعه ای ناپایدار از ارزش ها و

۱- علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، ص ۲۵.

۲- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۳.

۳- درآمدی بر تاریخ تمدن، ویل دورانت، برگردان: احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۲۵۶.

۴- نظریه ی برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان: مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، صص ۳۷ - ۳۸.

پیش فرض های فرهنگی و قالب های اقتصادی و اجتماعی این ارزش ها می داند که همواره در حال دگرگونی هستند. (۱)

برخی دیگر، تمدن را چنین تعریف می کنند:

گرد آمدن جمعیت های بزرگ در شهرها، تفکیک تولید کنندگان اولیه، افزارمندان متخصص تمام وقت، تمرکز مؤثر قدرت اقتصادی و سیاسی، استفاده از علایم قراردادی برای ثبت و انتقال اطلاعات، واحدهای قراردادی اوزان و زمان و مکان. (۲)

تفاوت فرهنگ و تمدن

تفاوت فرهنگ و تمدن

هر چند میان تمدن و فرهنگ، تمایز معنایی وجود دارد، رابطه ی میان آن ها ارتباطی متقابل و متعامل است. به نظر می رسد گفتار دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، در زمینه ی تفاوت تمدن و فرهنگ فراگیرترین نظریه باشد. وی دو تفاوت اصلی برای آن ها بر می شمارد:

نخست آن که، تمدن بیشتر جنبه ی علمی و عینی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ی ذهنی و معنوی. هنرها، فلسفه، حکمت، ادبیات و اعتقادات (مذهبی یا غیر مذهبی) در قلمرو فرهنگ هستند، در حالی که تمدن بیشتر ناظر به سطح حوایج مادی انسان در اجتماع است. دوم آن که تمدن بیشتر جنبه ی اجتماعی

- ۱- نظریه ی برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان: مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۵۱.
- ۲- فرهنگ علوم اجتماعی، جولوس گولد و ویلیام ل. کولب، ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران انتشارات مازیار، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۲۶۸، با تلخیص.

دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ی فردی (۱) تمدن و فرهنگ با هم ارتباط هایی دارند، ولی ملازمه ندارند. ما جامعه های متمدنی را می شناسیم که ممکن است فرهنگ آن ها به پایین ترین درجه تنزل کرده باشد. به طور کلی، مفهوم فرهنگ وسیع تر و قدیم تر از تمدن است. بنابراین همان گونه که متمدن بی فرهنگ داریم، با فرهنگ بی تمدن نیز بوده است. (۲)

گفته اند:

فرهنگ میراث اجتماعی هر جامعه است و همه ی دست کاری های مادی و ساخته های ذهنی و روحی گروهی و نیز اشکال متمایز رفتار را در بر می گیرد که مردم در فعالیت های جاری در درون شرایط زندگی خاص خود پدید آورده اند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. (۳)

با این تعریف باید دید که تفاوت فرهنگ و تمدن چیست؟ و آیا اساساً تفاوتی وجود دارد؟ در این زمینه دو رویکرد وجود دارد:

۱- رویکرد اول می گوید تمدن همان فرهنگ است که در درون آن سه گونه کاربرد وجود دارد. (۴)

- ۱- فرهنگ و شبه فرهنگ، محمد علی اسلامی ندوشن، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۱۰۶.
- ۲- فرهنگ و شبه فرهنگ، ص ۱۰۷.
- ۳- فرهنگ اندیشه ی نو، ویراستار: ع. پاشایی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۶۹، چ ۱، صص ۵۷۷-۵۷۸.
- ۴- فرهنگ علوم اجتماعی، جولوس گولد و...، ص ۲۶۷.

۲ _ بیش دوم، فرهنگ را در نقطه ی مقابل تمدن قرار می دهد. در این نگاه، فرهنگ همه ی عقاید و آفرینش های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر و ادبیات را در بر می گیرد، در حالی که تمدن به حوزه ی خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می کند.

تعامل تمدن مسلمانان با تمدن های دیگر

اشاره

تعامل تمدن مسلمانان با تمدن های دیگر

درباره ی آینده ی جهان و چگونگی تعامل تمدن ها با یکدیگر، چهار نظریه ی اساسی مطرح شده است که آن ها را بر می شماریم:

۱ _ دیدگاه خطی تاریخی

۱ _ دیدگاه خطی تاریخی

این دیدگاه بر این باور است که تاریخ، دوره های گوناگونی را پشت سر گذرانده و اینک دوره ی بلوغ بشری است. «توین بی» می گوید که ۱۶ تمدن باستانی نابود شده و در تمدن غربی، استحاله یافته اند.^(۱) فرانسیس فوکویاما نیز بر این باور است که جامعه ی بشری در قرن آینده به نقطه ی پایان تحول ایدئولوژیک خواهد رسید و لیبرال دموکراسی غرب به عنوان واپسین شکل حکومت جهانی برگزیده خواهد شد و آن گاه تاریخ به پایان می رسد. در این رهیافت، از ناسیونالیسم، تعصب های مذهبی، درگیری های قومی و سوسیالیسم غفلت گردیده است. هم چنین در این نگرش، جایی برای گفتگوی تمدن ها باقی نمی ماند؛ زیرا تمدن شکست خورده؛ توانایی و شایستگی هم سخنی با تمدن پیروز را ندارد.

۱- پگاه حوزه، ش ۶، ص ۲.

۲_ دیدگاه تقابل و ستیز

۲_ دیدگاه تقابل و ستیز

بزرگ ترین نظریه پرداز این دیدگاه ساموئل هانتینگتون است که می گوید تمدن های دیگر ممکن است و می توانند مدرنیزه شوند، ولی غربی نمی شوند و در نتیجه، در مسیر ستیز پیش می روند. به همین دلیل، اتحاد تمدن های اسلامی و کنفوسیوسی را تهدیدی برای تمدن غرب به شمار می آورد.

دکتر سید حسین نصر، این بخش از دیدگاه هانتینگتون را بسیار خطرناک و از نظر اخلاقی و بشری، مطرود و موذیانه می داند و می نویسد:

(بر این اساس) اصلاً کسی نمی تواند بر سرنوشت خود حاکم شود؛ چون این امر خطری است برای غرب. (۱)

هم چنین برخی دیگر از صاحب نظران، ریشه ی نظریه ی وی را در خلأ مفهومی و ضعف معنایی علوم سیاسی معاصر دانسته اند. آنان، این نظریه را ساده لوحانه، ولی سلیس؛ مخدوش، ولی موزون و کاریکاتوری ناپسند از شرق دانسته اند. (۲)

۳_ دیدگاه موج سوم:

۳_ دیدگاه موج سوم:

آلوین تافلر بر این باور است که درگیری اصلی قرن بیست و یکم درگیری تمدن موج سوم (اطلاعات و ارتباطات) با تمدن موج دومی (تمدن صنعتی)

۱- نظریه ی برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، برگردان: مجتبی امیری، مقاله ی دکتر سید حسین نصر، برخورد تمدن ها و سازندگی آینده ی بشر، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷.

۲- نظریه ی برخورد تمدن ها، دکتر احمد صدری، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

و تمدن موج اول (انقلاب کشاورزی)، خواهد بود. وی یکی از پدیده های موج سوم را بازگشت دوران اقتدار و احترام نهاد خانواده می داند. در این رهیافت نیز چیرگی نهایی با تمدن غرب است، ولی نسبت به گفتگوی تمدن‌ها، دیدگاه فروتنانه تری دارد.

۴ _ دیدگاه گفتگوی تمدن ها:

۴ _ دیدگاه گفتگوی تمدن ها:

این دیدگاه به ویژه پس از طرح نظریه های معارضی هم چون نظریه ی هانتینگتون، پژواک پرطنین تری یافته است و گروه بی شماری از صاحب نظران جهان، پشتیبان آن به شمار می آیند. سید محمد خاتمی رییس جمهور ایران این ایده را در سال ۱۹۹۹ م مطرح کرد که با استقبال جهانیان روبه رو گردید و سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۱ م. را سال گفت و گوی تمدن ها نامید. این رهیافت مانند نظریه ی هرتزوگ (۱) بیشتر بر اشتراک های فرهنگی تمدن اسلامی، غربی و دیگر فرهنگ ها پا فشاری می کند.

اینک باید دید که تمدن مسلمانان با کدام یک از این چهار دیدگاه می تواند همراه شود؟ به یقین دیدگاه های تقابل گرا و ستیزه جو برای تمدن مسلمانان و جهان هیچ سودی نخواهند داشت. بنابراین تنها گفت و گوی تمدن ها برای همه ی تمدن ها به ویژه تمدن مسلمانان سودمند خواهد بود. به شرط آن که دیدگاه های عزلت گرایانه یا برخورد گرایانه از نوع غربی بر آن چیره نگردد. گفت و گو باید در شرایط برابر انجام گیرد و گفت و گو کنندگان نمایندگان

۱- برای نمونه بنگرید به آشتی تمدن ها، رومان هرتزوگ، برگردان: هرمز همایون پور، تهران، نشر فرزانه پور، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۷ _ ۳۲، وجوه اشتراک فرهنگ های اسلامی و غربی.

اندیشمند و آگاه تمدن خویش باشند. جهان اسلام در این گفت و گو نباید از برتری صنعتی غرب بهراسد و میدان را وا نهد، بلکه باید گسیختگی درونی فرهنگ غربی را نیز به یاد داشته باشد.

بخش دوم: اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

اشاره

بخش دوم: اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

زیر فصل ها

اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

اشاره

اصول فرهنگی تمدن ساز اسلام

زیر فصل ها

۱ _ یکتاپرستی

۲ _ وحی الهی و نبوت

۳ _ قرآن، سنت، حدیث و شریعت

۴ _ روز رستاخیز

۵ _ امامت، ولایت و خلافت

۱ _ یکتاپرستی

۱ _ یکتاپرستی

تمدن اسلامی تمدنی الهی است که خداوند یکتا در آن نقشی یگانه و بی همتا دارد. تمایز تمدن اسلامی با تمدن های مادی در جایگاهی است که اسلام برای خداوند در نظر می گیرد. اندیشه ی تمدن اسلامی خدا محور و خدا باور است و به خدای ازلی و ابدی، اعتقادی راسخ دارد. این تمدن بر پایه ی تسلیم بودن در برابر مشیت واقعی متعالی _ خداوند _ استوار است که همه ی مراتب واقعیت از او پدید می آیند و بازگشت همه چیز به سوی اوست. (۱) آرامش دنیایی و رستگاری آن جهانی نیز در پرتو خواست خداوند فراهم می آید و اراده ی متعالی او در همه ی اجزای وجود، جاری و ساری است.

بینش اسلامی به وحدانیت ناب و منزهی باور دارد که نزاده و زاده نشده (۲) و برتر از هر چیز دیگری است پس شرک به او نیز بزرگ ترین گناهی خواهد بود که بخشودنی نیست. این تصویر توحید گرایانه تاریخ بشریت را در بر می گیرد و همه ی اجزای آن را به هم پیوند می زند. بر این اساس همه ی پیامبران الهی از

۱- بقره، ۱۵۶: «انا لله و انا الیه راجعون»

۲- توحید، ۳: «لم یلد و لم یولد»

آدم تا خاتم، پیامی واحد از خدایی واحد آورده و به تمام معنا مسلمان بوده اند. (۱)

اسلام نیز تجدید کننده‌ی این پیام توحیدی است. خداوندی که اسلام معرفی می‌کند از یک سو، متعالی، سبحان و عظیم است و از سوی دیگر، از انسان به خودش نزدیک تر است. (۲) پس به طور هم زمان، هم آموزه‌ی تعالی خداوند از طبیعت (۳) و هم حضور درونی و همیشگی اش در جریان طبیعت را در بردارد. اندیشه‌ی تمدن اسلامی بیش از هر چیز دیگر بر توحید سره و ناب پای می‌فشارد و تلاش بر این است تا گرد و غبار فراموشی از چهره‌ی این آموزه‌ی حقیقی و اصیل زدوده شود. اسلام منادی توحید بی‌پیرایه‌ای است که همه‌ی کمال‌ها به او می‌رسد و هیچ نقصی در او راه ندارد. الله تنها آفریننده‌ی صرف نیست که جهان را پس از آفرینش به حال خویش رها کرده باشد، بلکه قدرت و اراده‌ی او همواره در همه‌ی نظام آفرینش جاری است.

اسلام همانند آیین زرتشت نیست که هم زمان به دو خدا؛ یزدان _ سرچشمه نیکی ها _ و اهریمن _ سرچشمه بدی ها _ باور داشته باشد و آن گاه در برگردان آن به یکتاپرستی در ماند. همانند یهود نیز نیست که یهوه را خدای ویژه‌ی

۱- خداوند در قرآن از ابراهیم علیه السلام با عنوان «حنیفا مسلما» یاد می‌کند. آل عمران، ۶۷.

۲- ق، ۱۶. «و نحن اقرب الیه من جبل الوریث؛ و ما به او انسان از رگ گردن نزدیک تریم».

۳- جوان مسلمان و دنیای متجدد، سید حسین نصر برگردان: مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، ص ۲۰، با تلخیص و تصرف.

خویش بدانند و خود را از دیگران برتر بیندارد. نه هم چون مسیحیت است که با وجود باورمندی به یکتایی خدا، تثلیث اب، ابن و روح القدس را بپذیرد و به سردرگمی عقیدتی دچار شود. تنها بی پیرایگی و سادگی اسلام بود که توانست توده‌ی انسان‌های آگاه و بی غرض را به سوی خویش بکشاند و بنیاد تمدنی فراگیر و بی مانند را در گستره‌ی گیتی پی افکند. باری، همین توحید خالص و وحدانیت مطلقه است که بنابر گفته‌ی گوستاو لوبون، به توان مندی اسلام انجامیده است. او در کتاب خویش می نویسد:

تمام سادگی و شأن و مقام اسلام روی همین وحدانیت مطلقه قرار گرفته است. همین سادگی مایه‌ی قدرت و استحکام این دین گشته است. این توحید خالص محض را چون در آن هیچ گونه پیچیدگی و معمایی نیست، به آسانی می توان فهمید و ایمان به امور متضادی که در ادیان دیگر تعلیم داده شده و عقل سلیم ابدان نمی تواند آن را قبول کند، هیچ یک در این دیانت وجود ندارد... بساطت و سادگی و وضوح اصول عقاید اسلامی به علاوه‌ی رفتار با خلائق به عدل و احسان که آن روی سکه‌ی این مذهب است، سبب گردید که تمام روی زمین را تسخیر کند و همین بساطت و وضوح و حسن رفتار بود که، اقوامی مثل مصریان که از زمان امپراتوران قسطنطنیه پیرو مسیح بودند، به مجرد دعوت به دین محمدی صلی الله علیه و آله، دیانت مسیح را ترک گفتند و اسلام را قبول کردند. (۱)

باری این روح سترگ توحیدی چنان در تار و پود تمدن اسلامی و علوم و فنون برآمده از آن، نفوذ یافته که آن‌ها را به ثبات و تبلور ویژه‌ای رسانده است، به گونه‌ای که بیشتر غربیان این ثبات و تبلور را با رکود و ایستایی، اشتباه

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون برگردان: فخر داعی گیلانی، تهران انتشارات علمی، ۱۳۳۴، چ ۴، صص ۱۳۴ _ ۱۴۴.

می گیرند. همانا وحدت و یگانگی، هسته ی وحی اسلامی را تشکیل می دهد و علوم و فنون اسلامی نیز بر پایه ی همین وحدت بنا شده اند که آدمی را در عین کثرت به وحدت می رسانند. «همان گونه که هر هنر اسلامی، خواه الحمراء باشد یا مسجد اسلامی پاریس، صورت تجسمی خاصی را نشان می دهد که در آن، شخص می تواند وحدت الهی را در کثرت متجلی ببیند، به همان صورت همه ی علوم ی که به حق ممکن است اسلامی نامیده شود، وحدت طبیعت را آشکار می سازد».^(۱)

در بینش تمدن اسلام، خداوند دانا و توانا لحظه ای از آفریده های خویش غافل نیست و قدرت او بر همه چیز، همه کس و همه جا گسترده است!^(۲) با این حال، مهربان و بخشاینده است. دو صفت الرحمان و الرحیم همواره در کنار نام الله آمده اند و به جز سوره ی توبه _ که اخطار مستقیم به مشرکان و کافران است _ دیگر سوره های قرآن با عبارت پر شکوه بسم الله الرحمان الرحیم آغاز می شود.

خداوند از همه ی جریان های نظام هستی آگاه است؛^(۳) زیرا خود آن را

۱- علم و تمدن در اسلام، سیدحسین نصر، برگردان: احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، سال ۱۳۵۰، ص ۲۰.

۲- آل عمران، ۱۸۹ و بقره، ۲۰: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [و] «ان الله على كل شيء قدير».

۳- بقره، ۲۹: «و هو بكل شيء عليم».

آفریده است. در نزد او آینده همانند گذشته و حال است. او مرکب نیست، مجرد است و محدود نیست، نامحدود است. حرکت دیدگان و رازهای نهان دل ها را می داند (۱) و سرچشمه ی همه ی دانش ها اوست. با این حال، خداوند هیچ گاه انسان را مجبور نیافریده، بلکه به او اختیار و اراده عطا کرده است.

خداوند نام ها و صفت های دیگری نیز دارد مانند: غفور، حکیم، حفیظ، علیم، سمیع، بصیر، ودود، قدوس، غفار، مؤمن، سلام، عزیز و... که همه اسماء حسناى الهی اند. در دیدگاه اسلامی، خداوند دارای دو نوع اسماء است:

۱_ اسماء و صفات جمال که هر آن چه را خدا بدان متصف است، بازتاب می دهد.

۲_ اسماء جلال که هر آن چه را ذات حق از آن بری است، بر می شمارد.

از این رو، خداوندی که دانش، قدرت و رحمتش جهان را در بر گرفته است، هرگز به جهات انسانی، مادی و عقلی محدود نمی شود. او نامحدود و فراتر از همه ی محدودهاست. دیدنی نیست، ولی همه ی دیده ها در معرض دید (دانش) اوست. سخنش شنیده نمی شود، ولی همه ی صداها و ناله ها و فریادها را می شنود. (۲) امید آفرین است و امید به او، قربان گاه همه ی نومیدی ها و نومیدی از او، زمینه ساز همه ی گناه هاست.

۱- ق، ۱۷ و ۱۸: «اذ یتلقى المتلقیان عن الیمین و عن الشمال قعید ما یلفظ من قول الالدیه رقیب عتید».

۲- سبأ، ۵۰، «إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ».

در تمدن توحیدی اسلام، همه چیز رنگ الهی به خود می گیرد و همه ی کثرت ها و اشیاء متکثر، پرتو و نمایه ای از وجود وحدانی اویند. جزیی ترین و کلی ترین نشئه های حیات از او سرچشمه می گیرند. تلاش انسان برای آبادانی مملکت هستی نیز پرده برداری از حقیقت یکتایی خداست. بر این اساس آموزه های توحید، همه ی ارکان و اجزای جهان را به هم پیوند می دهد، زیرا همگی سرود دل انگیز و روح نواز وحدانیت آفریدگار یگانه را سر می دهند.

خداوند یکتا ناظر، حاضر و ناقد بر کردار همه ی مسلمانان است و همو میان نیک ها و زشتی ها و حرکت ها و سستی ها داوری می کند. پس این توحید ناب، بی ریا و بی پیرایه به ویژه در دیدگاه شیعی آن، محرکی است در سیر به سوی مبدأ اعلی و این سیر، ناگزیر باید از بستر وجود آدمی و محیط پیرامون آن بگذرد. بدین ترتیب، همه ی جنبه های هستی و نظام تکوین و تشریح، نشانه های آن وجود کامل و زیبایی مطلقند. (۱)

باید به آن ها چونان ابزار قدرت الهی و با دید «آلی» نگریست تا بتوان به علت غایی رسید. هر مسلمان باید در این موجودات و حقیقت نماها، از وجود خود گرفته تا دیگر ذرات جهان بیاندیشد، تدبر کند و از آن ها برای به سرانجام رساندن زندگی خویش، به درستی بهره جوید.

۱- آیات بسیاری به این مفهوم در قرآن کریم وجود دارد مانند: آل عمران، ۸۹، انعام، ۹۹؛ رعد، ۲ و ۳؛ نور، ۴۳ و ۴۵؛ بقره، ۱۴۶؛ ملک، ۲ و ۳.

بدین گونه است که آدمی به سرچشمه‌ی کمال دست خواهد یافت؛ و شالوده‌ی تمدن اسلام پی ریزی خواهد شد، زیرا جهان، جلوه‌گاه شهود و حضور اوست.

قرآن بارها با بیان این آموزه‌ی راستین، مسلمانان را به سیر آفاق و انفس و آبادانی زمین فرا خوانده است. (۱)

فرآیند فراز و فرود تمدن مسلمانان را با معیار دوری و نزدیکی آنان با این آموزه‌ی سترگ آیین پیامبر صلی الله علیه و آله – توحید خالص – می‌سنجند. پس توحید و وحدانیت ناب و بی‌شایبه‌ی آیین نبوی صلی الله علیه و آله که تشیع آن را با بیشترین اصالت نمایانده است، گوهر این تمدن الهی است که در کم‌ترین زمان، جهان را در نور دیده و به تمدن فراگیر، برتر و اثرگذار بدل گشت.

در مقابل تمدن الهی، تمدن غربی قرار دارد که خدا را از صحنه‌ی زندگی اجتماعی به حوزه‌ی فردی رانده است و حتی در حوزه‌ی فردی نیز پای بندی چندانی به آن نشان نمی‌دهد. این تمدن جامه‌ی الوهیت بر قامت انسان پوشانده (اومانیزم) و به خرد خود بنیاد، اصالت ذاتی و فراگیر بخشیده است (راسیونالیسم). هم‌چنین با کنار زدن چتر وحی و نادیده گرفتن سرشت الهی خویش، بر مرکب دانش سوار شده و به پندار خود، رهوارترین مرکب

۱- فصلت، ۵۳: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق»؛ آل عمران، ۱۳۷؛ «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» و آیات بسیار دیگری هم چون: انعام، ۱۱؛ یوسف، ۱۰۹؛ نحل، ۳۶؛ حج، ۴۶؛ نمل، ۶۹؛ عنکبوت، ۲۰؛ فاطر، ۴۴؛ روم، ۹ و ۴۲. به نقل از: المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، محمد بسام رشدی الزین، دمشق – سوریه، انتشارات دارالفکر المعاصر، ج ۱، ص ۶۱۱.

پوینده ی راه رستگاری را برگزیده است. زهی پندار بیهوده که این راه سنگلاخ است و آن مرکب چموش. اکنون نیز که اندکی به خود آمده و لختی از نادرستی راه پیشین آگاه گشته است (پسامدرنیسم) باز سر به دیوار می کوبد و با ابهام و سرگشتگی به جهان می نگرد.

باید دانست پسامدرنیسم نیز همچون روش های پیش آزموده، حقیقت حقیقت را نشانه رفته است و بی محابا بدان می تازد. حتی نگاه آن به هستی نیز بر اساس همان انسان محوری مطلق شکل گرفته است هر چند پسا مدرنیسم در پی معنویتی سیراب کننده می گردد، ولی چشمه ی بقا و جویبار حقیقت را در تاریکی حیرت و بیگانگی، گم کرده و در فرا راه خویش، نومیدی را به تماشا نشسته است.

۲_ وحی الهی و نبوت

۲_ وحی الهی و نبوت

یکی از ارکان پیدایش تمدن اسلامی، ایمان به غیب، وحی الهی و پیامبری فرستادگان خداوند است. این اعتقاد پس از باور به خدای یگانه، زیر بنای تمدن های دینی به ویژه تمدن اسلامی را تشکیل می دهد. از دیدگاه اسلام، خداوند برای فراهم آوردن رستگاری انسان ها، تشریح قوانین مورد نیاز بشر و ابلاغ آن به انسان ها، راه دانان و پیام آورانی را از سوی خود و از میان آنان برگزیده است. اینان فرستاده ی حق به سوی حق و حافظ اسرار الهی اند. بنابر روایات وارده خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر و رسول را برای هدایت انسان ها بر انگیخت تا روح عطشناک آنان را از معرفت پروردگار لبریز سازند. «آگاه ساختن، بشارت دادن و هدایت کردن به راه راست از جمله ویژگی هایی است

که همواره تکرار می شود و همین مفهوم رسالت پیامبران مرسل است»^(۱).

اسلام، رسالت پیامبران پیشین را می پذیرد و کتاب های آسمانی آنان را تأیید می کند. البته کتاب هایی را که باورمندان به آن دین ها در اختیار دارند، تحریف شده می انگارد. پیامبران دارای عصمتی هستند که آنان را از دست یازیدن به گناه باز می دارد.

پیامبران بزرگ و صاحب شریعت (اولوالعزم) پنج تن هستند و در تاریخ تمدن بشر نقشی بسزا داشته اند. نخستین پیامبر اولوالعزم، نوح علیه السلام است که پس از ۹۵۰ سال فراخوانی مردم به پرستش خدای یگانه، جز اندکی بدو ایمان نیاوردند. از این رو، آنان را به قهر و غضب الهی هشدار داد. چون این هشدار نیز سودمند نیافتاد، بارانی سیل آسا فرو بارید و توفان نوح را رقم زد.^(۲) دومین پیامبر اولوالعزم ابراهیم علیه السلام است که رفتار جسورانه و شجاعانه اش در شکستن بت ها، وی را به قهرمان توحیدی بدل ساخته است. افزون بر آن، سربلند بیرون آمدن از آزمایش های خداوند، جامه ی «خلیل اللهی» را برازنده ی اندام او کرده است.^(۳) موسی علیه السلام نیز سومین پیامبر صاحب شریعت است که در

۱- اسلام، دین و امت، لویی گارده، برگردان: رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲، چ ۱، ص ۷۵.

۲- برخی آیات قرآن که درباره ی حضرت نوح ع سخن گفته اند، عبارتند از: اعراف، ۵۹ _ ۶۴؛ هود، ۲۵ _ ۴۱؛ اسراء، ۱۷؛ مریم، ۵۸؛ انبیاء، ۷۶ _ ۷۷؛ مؤمنون، ۲۳ _ ۳۰؛ قمر، ۹ _ ۱۷؛ نوح، ۱ _ ۲۸؛ فرقان، ۳۷ و... .

۳- نساء، ۱۲۵؛ بقره، ۱۳۰ _ ۱۳۳؛ انبیاء، ۶۸ _ ۷۰؛ صافات، ۱۰۰ _ ۱۱۱؛ حج، ۲۶؛ ابراهیم، ۳۵ _ ۴۱ و... .

دامان خدای دروغین زمان خویش _ فرعون _ پرورش یافت و فرمان مبارزه و رساندن پیام انذار الهی را در کوه طور دریافت کرد.

خداوند، تورات را بر او فرو فرستاد و بنی اسرائیل را بدان نجات بخشید. دریا را بر ایشان شکافت و عصا را در دستان موسی به نیروی اعجاز بدل ساخت و این چنین آنان را بر دشمنان شان برتری داد. (۱) عیسی علیه السلام چهارمین اولوالعزمی است که مقام رسالت یافته است. او در گهواره به سخن آمد و رسالتش را اعمال کرد. پس از آن، انجیل بر او فرو آمد و آیینش گستره ی جهانی یافت. (۲)

محمد صلی الله علیه و آله واپسین پیامبر الهی است که پیامبران پیشین، ظهورش را مژده داده بودند. هر چند حضرت محمد از نظر تاریخی، پس از پیامبران دیگر آمده است، از نظر مرتبت بر آنان برتری دارد. قرآن می گوید که پس از او پیامبری نبوده و او خاتم پیامبران است. (۳) از این رو، دین محمد صلی الله علیه و آله تکامل یافته ترین دین الهی است که بشر را به رستگاری خواهد رساند.

آموزه های پیامبران اولوالعزم بر پایه ی وحی الهی است که خداوند بر آنان

۱- بقره، ۸۷ و ۱۳۶؛ انبیاء، ۴۸؛ زخرف، ۴۹؛ غافر، ۳۶ _ ۳۷؛ قصص، ۱۱ _ ۱۳؛ اعراف، ۱۰۴؛ اسراء، ۱۰۱ و....

۲- مائده، ۴۶؛ آل عمران، ۳۳ _ ۳۷؛ نساء، ۱۵۷ _ ۱۵۹؛ زخرف، ۵۹؛ مریم، ۲۹ _ ۳۳ و....

۳- اعراف، ۱۵۶ و ۱۵۷؛ آل عمران، ۱۴۴، احزاب، ۴۰؛ محمد، ۲؛ فتح، ۲۹؛ بقره، ۱۲۹؛ صف، ۶؛ یونس، ۱۶ و....

فرو می فرستد. فرشتگان الهی حلقه ی پیوند آنان با مبدأ وحی هستند که نام آن ها در قرآن و دیگر کتاب های آسمانی بسیار به چشم می خورد. (۱) از میان فرشتگان، نام میکائیل یک بار در قرآن آمده است. (۲) نام عزرائیل _ فرشته ی مرگ _ آشکارا نیامده، ولی به صورت کلی از او یاد شده است. (۳) هم چنین از جبرئیل بزرگ ترین فرشته الهی که پیام رسان اصلی میان خدا و رسولان او است سه بار نام برده شده است. (۴) فرشتگان، وجودی مجردند که از گناه و بدی دورند و پیرو محض فرمان خداوند هستند.

نام ها و لقب های گوناگون حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بازتابی از جنبه های گوناگون شخصیت تکامل یافته ی اوست. (۵) همه ی فرقه ها و مذهب های اسلامی به رسالت و خاتمیت او باوری دیرپا دارند و در هر اذان و نماز بدان شهادت می دهند. همین مسأله، نقطه ی عطفی در تکوین و گسترش تمدن اسلامی به

- ۱- فاطر، ۲؛ نساء، ۱۵۶؛ انفال، ۹؛ احزاب، ۱۰۱.
- ۲- بقره، ۹۸؛ «من كان عدوا لله و ملائکته و رسله و جبرئیل و میکائیل فان الله عدو للكافرين».
- ۳- سجده، ۱۱؛ «قل يتوفیکم ملک الموت الذی وکل بکم ثم الی ربکم ترجعون».
- ۴- بقره، ۹۷ و ۹۸؛ شعرا، ۱۹۳: «من كان عدوا لجبرئیل فانه نزله علی قلبک باذن الله مصدقا لما بین یدیه و هدی و بشری للمومنین من كان عدوا لله و ملائکته و رسله و جبرئیل و میکائیل فان الله عدو للكافرين» و «نزل به الروح الامین».
- ۵- جوان مسلمان و دنیای متجدد، ص ۲۸.

شمار می رود. هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم و تجدد بود^(۱) که این معنا در قرآن کریم نیز جلوه گر است؛ زیرا خداوند، هدف از فرستادن پیامبران را تعلیم و تزکیه ی امت ها بر می شمارد.^(۲) هم چنین با درنگی کوتاه در تاریخ زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می توان به این معنا دست یافت. با ظهور اسلام، تمدنی پیشرو و جامعه ای نو ساخته در شبه جزیره ی عربستان پدید آمد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله توانست با نوسازی انگاره های مثبت پیشین و طرح آموزه های نوین لایه های زیر بنایی و روبنایی جامعه ی آن زمان را دگرگون سازد و طرحی نو در افکند. پیامبر صلی الله علیه و آله به اعراب تفهیم کرد جامعه ای مذهبی که زیر سیطره ی خدای واحد قرار داشته باشد خیلی بیش از جمعیتی که از قوانین عشیره ای پیروی کند، از مفهوم و موقعیت سیاسی برخوردار خواهد بود.^(۳) بسیاری از دانشوران و دانش پژوهان جهان درباره ی شخصیت پیامبر عالی مقام اسلام سخن گفته اند. ویل دورانت؛ نویسنده کتاب «تاریخ تمدن» درباره ی نقش حضرت محمد صلی الله علیه و آله در پایه گذاری تمدن توحیدی و جهانی اسلام چنین می نگارد:

اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم، باید بگوییم محمد

۱- اسلام در قرون وسطا، فن گوستاو، گرو بنام، برگردان؛ غلام رضا سمیعی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۷۷.

۲- جمعه، ۲؛ «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم ویعلمهم الکتاب و الحکمه».

۳- اسلام در قرون وسطا، ص ۶۹.

صلی الله علیه و آله از بزرگ ترین بزرگان تاریخ است. وی در صدد بود سطح معنویات و اخلاق قومی را که از گرمای هوا و خشکی صحرا به توحش افتاده بودند، اوج دهد و در این زمینه، توفیقی یافت که از همه ی مصلحان دیگر بیشتر بود. کم تر می توان کسی را جز او یافت که همه ی آرزوهای خود را تحقق بخشیده باشد. (۱)

از آن چه گفته شد، بر می آید که تاریخ تمدن بشری با آموزه های آسمانی پیامبران پیوند خورده است. پیامبران با برانگیختن خردها و روشن ساختن راه فراروی اندیشه ها، آن ها را با مبدأ حکمت الهی پیوند می دهند و با پر کردن گسست میان انسان و خدا فطرت پاک انسانی را بیدار می سازند. علی علیه السلام درباره ی بعثت پیامبران و نقش سازنده ی آن ها در ساختن پایه های اجتماعی زندگی انسان ها می فرماید: پس خداوند، پیامبران خود را میان مردمان برانگیخت تا پیمان خدا را از آنان بخواهند و نعمت فراموش شده ی حق را بدیشان یادآوری کنند و با روش تبلیغ با آنان سخن گویند و خردهای پنهان شده را برانگیزانند و به کار اندازند و نشانه های قدرت الهی را به آنان بنمایانند. (۲)

برخی بر این باورند که همه ی علوم، معارف و پیشه های بشری را پیامبران پایه گذاری کرده و پس از آن، آدمیان به گسترش آن همت گماشته اند. این

۱- تاریخ تمدن، عصر ایمان، بخش اول، ویل دورانت، برگردان؛ ابوالقاسم پاینده و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۴، ص ۲۲۲.

۲- نهج البلاغه، برگردان: سید کاظم ارفع، تهران، انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۸، خ ۱.

نظریه در کلام مولوی نیز بازتاب یافته است. (۱) برخی سقراط را شاگرد حضرت سلیمان می دانند و آموزه های افلاطون و ارسطو را با واسطه ی سقراط، به سلیمان و سلسله ی پیامبران نسبت می دهند. هم چنین گروهی بر این باورند ابراهیم خلیل، علم هندسه را از کلدان به مصر آورده است. (۲) هربرت اسپنسر؛ فیلسوف غربی چنین می گوید:

شخصیت های مذهبی همان گونه که نخستین ادیان جهان بوده اند، نخستین دانشمندان نیز به شمار می روند. (۳)

ابوالحسن ندوی درباره ی نقش پیامبران الهی در تکوین انگاره های مادی و معنوی تمدن بشری می نویسد:

هم چنان که در یک شهر، یک رابطه ی انضباطی، همه ی سازمانهای اجتماعی را به هم پیوند می دهد، دین و تعلیمات پیامبران نیز عناصر تمدن را شکل می دهد و با یک قدرت معنوی آنان را به یکدیگر مرتبط می سازد. (۴)

تلاش های پیامبران را در چند بخش می توان بررسی کرد. نخستین بخش، رفتار پیامبران با مردم است. پیامبران با آموزه های آگاهی بخش و رفتارهای

- ۱- مثنوی معنوی: این نجوم و طب، وحی انبیاست عقل و حس را سوی بی سوره کجاست قابل تعلیم و فهم است این خرد لیک صاحب وحی تعلیمش دهد جمله ی فن ها یقین از وحی بود اول او، لیک عقل، او را بر فزود
- ۲- نقش پیامبران در تمدن انسان، فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۰، ص ۶۰.
- ۳- تاریخ ادیان، هربرت اسپنسر به نقل از نقش پیامبران در تمدن انسان، ص، ۶۰.
- ۴- نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۶۰.

انسانی به انسان عزت می بخشیدند و کرامت آدمی را پاس می داشتند. هم چنین با باز شناساندن جایگاه انسانیت به مخاطبان خویش، آنان را به نقش شان در جهان هستی آگاه می ساختند و به درک بیشتر خود و شناخت توانایی ها و محدودیت هایشان فرا می خواندند. پیامبران الهی به هم آهنگی انسان ها و پدید آمدن جامعه ای می اندیشیدند که از همه ی قیده‌های غیر خدایی رها بوده و از خودخواهی، خودبینی و خود محوری در آن، خبری نباشد. چنین جامعه ای که در مسیر یگانگی اجتماعی و یکتاپرستی گام می سپرد، «امت واحده» نامیده می شود. (۱)

۳_ قرآن، سنت، حدیث و شریعت

اشاره

۳_ قرآن، سنت، حدیث و شریعت

زیر فصل ها

الف_ قرآن

ب_ سنت

ج_ حدیث

د_ شریعت

الف_ قرآن

الف_ قرآن

قرآن، محور و مبنای کلی تمدن اسلامی و پیوند دهنده ی بخش های گوناگون جهان بینی اسلام است. قرآن، بازگو کننده ی کلیت همه ی بایدها و نبایدها و هست ها و نیست هاست. اسلام بر پایه ی کتاب فراگیر و اندیشه ساز قرآن استوار بوده و همانند مسیحیت بر محور یک فرد _ مسیح علیه السلام _ تمرکز نیافته است. این موضوع بر هیچ پژوهنده ی کاوش گری پوشیده نمانده است و همگان اشاره هایی صریح به آن داشته اند.

قرآن در لغت سریانی به معنای خواندن و قرائت است، ولی در لغت عرب،

۱- قرآن بارها به آموزه ی تشکیل امت واحده اشاره کرده است. هود، ۱۱۷ و ۱۱۸؛ انبیاء، ۹۲.

مفهومی بیش از خواندن و شرح و روایت دارد. (۱) متن این کتاب مقدس، کلمه به کلمه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وحی گردیده و او نیز آن را بدون هیچ گونه خطا و اشتباهی به مردم رسانده است. برخلاف باور برخی متکلمان و فیلسوفان غربی درباره ی انسانی بودن انجیل، تورات و دیگر کتاب های آسمانی، قرآن صرفاً صورت بازنگاشته ی انسانی کلمه الله نیست. حضور خداوند در قرآن مجید آن چنان نیرومند و مشهود است که زبان عربی را از زبان بشری به زبانی مقدس، تبدیل کرده است و به دلیل برخورداری از قدرت الهی، هیچ زبان بشری یارای برابری با آن را ندارد. (۲)

اعجاز بیانی و پربراری درونی قرآن، آن را به معجزه ی جاودان و تقلید ناپذیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدل ساخته است، به گونه ای که بشر از بازآفرینی آن، ناتوان بوده و در شرحش، درمانده است، در قرآن، آیات پر شماری، آدمی را به جنبه های اعجاز قرآن توجه می دهد مانند: آیاتی که به آوردن قرآن از سوی پیامبری درس ناخوانده اشاره می کند. (۳)

هم چنین خداوند در آیاتی، بشر را به مبارزه می طلبد (تحدی) و مدعیان را

۱- اسلام، دین و امت، ص ۲۸.

۲- جوان مسلمان و دنیای متجدد، صص ۱۵ _ ۱۸.

۳- اعراف، ۱۵۸: «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات و الارض، لا اله الا هو یحیی و یمیت فامنوا بالله و رسوله النبی الامی الذی یومن بالله و کلماته و اتبعوه لعلکم تهتدون» و نیز اعراف: ۱۵۷؛ یونس، ۱۶؛ جمعه، ۲.

به آوردن کتابی همانند قرآن فرا می خواند و از آنان می خواهد که اگر می توانند، چنین کنند. (۱)

آلوارو، پژوهش گر اسپانیایی که از مخالفان آیین تمدن گستر اسلام است، درباره ی قران می گوید،

باید غنای اصطلاحات و ادعیه ای را که امروز در سوره های قرآن می خوانیم به سبب سهولت دل انگیز و فصاحت نافذ و فخیم شان بستاییم. (۲)

هم چنین ابوعلی طبری درباره ی روانی بیان و اثر گذاری قرآن می نویسد:

از آغاز خلقت جهان، چه کسی را سراغ دارید که کتابی با این کیفیت، چنین نافذ، بدین پایه شیرینی و تا این اندازه دلنشین و با چنین جاذبه و چنین پیشرفتی تصنیف کند؟ قرآن، بی شک از نشانه های پیامبری محمد صلی الله علیه و آله است. (۳)

در پرتو نورافشانی قرآن، علوم دیگری در پیوند با آن پدید آمده است که جنبه های گوناگون این کتاب آسمانی را بازتاب می دهد برخی از این علوم عبارت اند از: علم قرائات، علم تجوید، علم ناسخ و منسوخ، علم محکم و متشابه، علم تأویل و تفسیر و...

تأویل و تفسیر در شمار علوم مهمی است که از همان قرون نخستین در سطحی بسیار گسترده شکل گرفت و هم اینک تفاسیر فراوانی از شیعه و سنی در دست است. باید دانست این کتاب افزون بر قرآن که نام اصلی و متبادر آن

۱- اسراء، ۸۸؛ «قل لئن اجتمعت الائنس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا» و یونس، ۳۷ - ۳۸.

۲- اسلام در قرون وسطا، ص ۹۳.

۳- الدوله و الدین، ابوعلی طبری، صص ۴۴ و ۴۵ به نقل از اسلام در قرون وسطا، ص ۹۳.

است، نام های دیگری نیز دارد که نمایاننده ی وجوه گوناگون این مصحف شریف است. برخی از آن ها عبارت است از: فرق گذارنده میان حق و باطل (الفرقان)، سرچشمه ی همه ی کتاب ها (ام الكتاب)، مایه ی رستگاری و هدایت بشر (الهدی)، منبع جوشان حکمت و معرفت (الحکمه) نصیحت گر انسان ها (الموعظه)، یاد آور نام و یاد خدا (الذکر) و چشمه ی فیاض نور و رحمت الهی (النور و الرحمة).

قرآن برای همه ی دوره های تاریخ بشری است و هر آن چه را یک تمدن بالنده ی بشری بدان نیاز دارد مانند بخش های گوناگون اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی را در بر می گیرد.

از دید اعتقادی، قرآن پیوسته انسان را به اصل و آغاز هستی فرا می خواند به همین دلیل، هر گاه چشم اندازی از نظم بشری یا اجتماعی را بیان می کند آن را با نام جلاله ی خداوند پایان می دهد. با شگفت انگیزترین واژه ها، از وحدانیت حق پرده بر می گیرد و از عدل و رحمت و نزدیکی او به انسان ها خبر می دهد. هم چنین با پافشاری بر نقش پیامبران در سرنوشت بشر انسان ها را به امامت و ولایت رهنمون می سازد. افزون بر آن، جهان پس از مرگ و روز جزا حساب را فرا روی انسان ترسیم می کند و بر وجود جن و فرشتگان، مهر تأیید می گذارد.

قرآن در قلمرو عبادت نیز انسان را به انجام آن چه مایه ی نزدیکی جستن به ذات بی نیاز الهی است، فرا می خواند و از هر آن چه مایه ی دوری از اوست، باز می دارد. در این زمینه نماز را نردبان صعود و معراج آدمی معرفی می کند و به روزه چونان عاملی برای زدودن زنگارهای دل و جان آدمی

می نگردد. هم چنین دعا را مغز و حقیقت عبادت می شناسد و آن را آموزه ای پویا می داند.

یکی دیگر از مهم ترین پیام های قرآن، اخلاق است. نظام اخلاقی قرآن، نظام اخلاقی عینی و مبتنی بر عینیت جهان آخرت است که در آن، نیکوکاران پاداش می گیرند و بدکاران به کیفر می رسند. بر همین اساس، قرآن انسان ها را به احسان، صله ی رحم، خوش گفتاری و خوش رفتاری و راست گویی فرا می خواند و از زشتی هایی هم چون: دزدی، قتل نفس، زنا و... باز می دارد. هنجارهای اخلاقی قرآن، با قوانین شریعت اسلامی پیوستگی مشهودی دارد که گاه آشکارا و گاه به کنایه بیان شده است.

قرآن درباره ی زندگی اجتماعی نیز آدابی بیان کرده و همه ی رفتارهای اجتماعی مانند: ازدواج، طلاق، خرید، فروش و... را زیر پوشش گرفته است، به گونه ای که اسلام را می توان زنده ترین، اجتماعی ترین و پویاترین ادیان جهان به شمار آورد. افزون بر آن، قرآن با پرداختن به تاریخ زندگانی پیامبران الهی و امت های آنان و چگونگی رویارویی اینان با طاغوت های زمان خود، به بیان عادی واقعیت های تاریخی بسنده نکرده و پی آمدهای اخلاقی و معنوی آن را نیز در نظر داشته است.

بنابراین، قرآن مهد تکوین و تشریح آموزه ها و انگاره های تمدن اسلامی است که با بارور ساختن اندیشه ی انسان ها و آفرینش نیرویی قدسی در وجودشان، آنان را به بهره گیری شایسته از مواهب خدادادی طبیعت _ که به یک معنا همه مسلمانند _ رهنمون می سازد. قرآن، آدمی را به طور هم زمان به دو مقوله ی اشراق، شهود، ترکیه ی روحی و تجربه و حس فرا می خواند و

ریشه‌ی جدا انگاری این دو را در تجزیه‌ی ناصواب جهان و غفلت از وجود وحدانی الله می‌داند.

«قرآن به صورتی شگفت به تجربه و حس فرا خواند و حتی سوگندهای خویش را با نام اشیای طبیعی و محسوس یاد کرد از آسمان و فجر دم می‌زد و از آفرینش و صورت‌گری در رحم سخن می‌گفت. خلقت شتر و زندگانی مورچگان و زنبوران عسل را به یاد می‌آورد. به چگونگی پرواز پرنندگان اشاره می‌کرد و از شکفتن دانه در زمین و خوشه‌ی گندم و خرما بن و انجیر و زیتون سخن می‌گفت. چرا؟ برای این که مردمان در چگونگی آفرینش آن‌ها بیاندیشند و از کنار هیچ پدیده‌ای به سادگی نگذرند. این موضوع‌ها، هسته‌ی اصلی بسیاری از دانش‌ها بود که در روزگاران بعد در فرهنگ اسلام پیدا شد، رواج گرفت و با دید علمی - اسلامی بررسی گشت.» (۱)

گفتنی است اگر قرآن به عالم معنا، اصالت می‌دهد، جهان ماده را نیز با اهمیت می‌پندارد؛ زیرا این جهان را بستر ساز فضیلت‌های الهی - اخلاقی عالم معنا می‌داند. قرآن به دوگانگی‌های تضادآور، باور ندارد و می‌کوشد بشر همواره در حال تلاش و تکاپو برای بهره‌وری از نعمت‌های پروردگار باشد. ساختار اندیشه‌ی قرآن، جهالت سوز و دانش پرور است. به عدالت باور دارد و با احترام نهادن به کرامت انسانی، اندیشه محور است. محمدرضا حکیمی درباره‌ی پی‌آمدهای تمدن ساز قرآن در جهان اسلام می‌نویسد:

قرآن به جای تاریکی، نور؛ به جای شب، روز؛ به جای ظلم، عدل؛ به جای

تعدی، احسان؛ به جای خشونت، لطف؛ به جای فریاد جباران، اذان؛ به جای غفلت، بیداری؛ به جای جهالت، فرزاندگی و به جای جهل، علم را جای گزین ساخت و بانگ یگانگی خانواده ی بشری را سر داد. (۱)

ب _ سنت

ب _ سنت

سنت پس از قرآن دومین و مهم ترین منبع مسلمانان برای برداشت و دریافت احکام کلی اسلام است. هرچند قرآن و سنت مکمل یکدیگرند، ولی کاملاً از همدیگر مشخص و متمایزند. دل بستگی مسلمانان به شخص برگزیده ی خداوند و بنیان گذار دعوت جهانی اسلام _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله _ و الگو قرار گرفتن آن حضرت از سوی پروردگار، کردار و گفتار ایشان را نزد همه ی مسلمانان حجت آور ساخته است. به مجموع سیر و سلوک رفتاری رسول گرامی اسلام سنت گفته می شود و گفتار او را حدیث می نامند. شیعیان افزون بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امامان دوازده گانه ی خویش را معصوم می دانند و به حجیت گفتار و کردار آنان باور دارند.

هر چند سنت در بیش تر موارد، معنای پیش گفته را در بر دارد، درباره ی مشیت الله (قوانین عمومی خداوند) و مشیت الهی درباره ی اقوام پیش از اسلام _ که تغییرناپذیر بوده _ به کار رفته است. (۲)

سنت نبوی از دو بخش تشکیل یافته است:

۱- دانش مسلمین، ص ۶.

۲- ر. ک: فاطر، ۴۳؛ اسراء، ۷۷؛ فتح، ۲۳؛ انفال، ۳۸، به نقل از دین، امت و اسلام، ص ۳۴.

۱_ احکام امضایی: این بخش از احکام، دادن هویتی تازه به آداب متداول عرب آن روزگار بود که با روح اسلام سازگاری داشت.

۲_ احکام تأسیسی: قوانینی است که اسلام، خود آن را بنیان نهاده است. (۱)

سنت در دیدگاه شیعه، گستره‌ی فردی و زمانی بیشتری دارد؛ از نظر اشخاص، چهارده معصوم را در بر می‌گیرد و از نظر زمانی، دامنه‌ی آن تا سال ۲۶۰ ه. ق کشیده شده است. گفتنی است مکتب شیعی، این موضوع را یکی از ویژگی‌های خود به شمار می‌آورد. باید دانست در حوزه‌ی اهل سنت و تشیع، کتاب‌های پر شماری برای معرفی سنت و سیره‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نگاشته شده است.

ج - حدیث

ج - حدیث

حدیث همان سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان دوازده گانه _ در دیدگاه تشیع _ است که همه‌ی اصول و فروع اسلام را در بر دارد. به همین دلیل، باید آن را نخستین تفسیر گر قرآن کریم و منبع بزرگ اندیشه‌ی اسلامی انگاشت. یکی از نویسندگان معاصر در این باره می‌نگارد:

هیچ زمینه‌ای در اندیشه‌ی اسلامی نیست که حدیث به عنوان مکمل و متمم یا شرح و تفسیر کلام مخصوص خداوندی در قرآن کریم، نقش مهمی در آن ایفا نکرده باشد. (۲)

۱- این موضوع میان سنت و قرآن، مشترک است.

۲- جوان مسلمان و دنیای متجدد، سیدحسین نصر، برگردان: مرتضی اسعدی، ص ۳۱.

محدثان مسلمان در طول سه قرن نخست تاریخ اسلام گفتار پیامبر عظیم الشان اسلام را گردآوردند که صحاح سته (۱) در میان اهل سنت و کتب اربعه (۲) در میان شیعیان، ره آورد این تلاش هاست. تلاش محدثان مسلمان با گستردگی و سامان یافتگی بیشتر تاکنون نیز جریان دارد. برای نمونه، به دلیل راه یافتن روایت های دروغین به حوزه ی حدیث، علم حدیث و شناخت روایات و اسناد آن و احوال راویان به طور تخصصی از همدیگر جدا گردید و علومی مانند: علم رجال، درایه و مصطلح الحدیث پدید آمد. این کار با توجه به شرایط زمانه و اهمیت جداسازی احادیث صحیح و متقن از روایات سست و ضعیف نقش به سزایی یافته است.

د _ شریعت

د _ شریعت

شریعت، برآیند قرآن و سنت و تجسم عینی مشیت خداوند برای جامعه ی بشری است. گزاره ی اصلی شریعت این است که تنها خداوند، شایستگی قانون گذاری دارد؛ زیرا او بر همه ی جنبه های زندگی آدمی اثر گذار است و هیچ عاملی نمی تواند از میزان نقش او در نظام تکوین و تشریح فرو بکاهد.

۱- صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن نسائی، سنن ابن ماجه، مسند احمد، سنن ابی داود، دایره المعارف فارسی، گروه نویسندگان، تهران، ۱۳۵۶، شرکت، سهامی کتاب های جیبی، ج ۲، ص ۱۵۵۵.

۲- «الکافی» نوشته ی شیخ کلینی؛ «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه»، نوشته ی شیخ صدوق و «استبصار» و «تهذیب» نوشته ی شیخ طوسی.

باید دانست هر چند شریعت بر اصول ثابت غیرتاریخی استوار است، ولی این مسأله، به ایستایی آن نمی انجامد.

نخستین آموزگار بزرگ شریعت، امام صادق علیه السلام است که فقه شیعه ی دوازده امامی را به دلیل انتساب به ایشان فقه جعفری می نامند. تلاش آن حضرت، پی گیری نهضت علمی پدر بزرگوارش، امام باقر علیه السلام به شمار می رود. گفتنی است بسیاری از پیشوایان مذاهب اربعه، از محضر ایشان دانش آموخته اند.

عبادات، معاملات و اجتماعیات، قلمرو شریعت را شکل می دهند و نماز، روزه، زکات، عشر (در مذهب اهل سنت)، خمس (در مذهب شیعه) قصاص و دیات، نکاح، طلاق و جهاد، بازتاب آن ها هستند. برای نمونه، اسلام هنگام تبیین واژه ی جهاد، هم به مفهوم بیرونی و هم درونی آن نظر دارد و اصطلاح جهاد اکبر و جهاد اصغر بدان دلیل وضع شده است. جهاد اصغر؛ یعنی مبارزه، پایداری و پاسداری از دین حق و فرو نشانیدن طغیان ستم کاران. جهاد اکبر نیز تلاش هم درونی انسان برای مهار نفس طغیان گر و شیطان و نفس است تا ملکات نفسانی در وجودش گرد آید و رذایل اخلاقی از او زدوده شود. بنابراین جهاد افزون بر یک انگاره ی سیاسی و اجتماعی، آموزه ای اخلاقی است و در ساخت تمدن اسلامی، نقشی شگرف و بنیادین دارد. یکی از نویسندگان غربی در این باره می نویسد:

در حال حاضر، مسلمانان انواع فعالیت های تمدنی و فرهنگی را جهاد می نامند. حتی به حرکت در آوردن انرژی برای کارهای بزرگ را که در استقلال اقتصادی کشور مؤثرند و دعوت به علایق فرهنگی و احساسات مدنی و قومی

را به جهاد متصف می کنند؛ چه دعوت به جهاد در بسط و توسعه ی امکانات، پیشرفت، تهیج احساسات و پایداری، بسیار نافذ و مؤثر است. (۱)

اخلاق، جنبه ی دیگری از شریعت است که بر همه ی عرصه های کار و کوشش مسلمانان سایه گستر است. در اخلاقیات اسلامی، امر بی روح مکانیکی یا کورکورانه وجود ندارد. شریعت، سلطه ی کور انسان بر دیگر مخلوقات خداوند و استعمار لجام گسیخته ی آن ها بدون توجه به تکالیف انسان در برابر ایشان را نمی پذیرد. جامعه ی شریعت مدار، جامعه ای آزاد از قید بندگی غیر خدا، شرک زدا و توحید پرور است. در این جامعه یگانگی و برادری و همبستگی بر اساس عبودیت ذات هستی بخش شکل می گیرد و جامعه از دو عنصر تشکیل می گردد: امت و خانواده. شالوده ی شریعت تمدن زای اسلام بر اساس نژاد، قبیله، لباس و صنف خاصی نیست بلکه بر پایه ی ایمان و عمل، پی ریزی گشته است. (۲)

شریعت با پسندیده دانستن سنت ازدواج، علقه های جنسی را به صورت اخلاقی قانون مند به رسمیت می شناسد. هم چنین تعدد زوجات را برای مرد می پذیرد، به شرط آن که عادلانه رفتار کند و استطاعت آن را داشته باشد.

بر خلاف مسیحیت، طلاق در اسلام حرام نیست، ولی ناپسندترین کارهاست. شریعت اسلامی با حساسیت بسیار به مسأله ی احترام گذاردن به پدر و مادر می نگرد، به گونه ای که پس از پیروی خدا از نیکی به پدر و مادر،

۱- اسلام، دین و امت، ص ۱۳۷.

۲- حجرات، ۱۳: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم».

سخن به میان می آورد. در منطق اخلاقی اسلام، بینوایان، در راه ماندگان، یتیمان، نیازمندان و همسایگان، جایگاه ویژه ای دارند.

اقتصاد جنبه ی دیگری از شریعت اسلامی است. اسلام، اقتصاد را زیر بنا و محور اساسی مسایل نمی داند، ولی از نقش حساس آن در سرنوشت جامعه نیز غافل نیست. عدالت، روح و روان اقتصاد اسلام است. از این رو، باید میان تلاش فرد و ثروت انباشته از آن، تعادل برقرار باشد. به همین دلیل، اسلام، ربا را حرام دانسته و روابط انسانی را بر مجموعه ی فعالیت های اقتصادی، حاکم ساخته است. در این بینش، مالک حقیقی خداست و دیگر مالکیت ها، قراردادی و اعتباری اند.

در حوزه ی سیاست همانند اقتصاد، حاکمیت از آن خداست. دین و سیاست با هم اختلافی ندارند، بلکه در برخی امور به طور کامل در هم تنیده اند. نهاد حکومت باید سرشتی دینی داشته باشد و منبع مشروعیت آن، قدرت خداوند است. نوع نگرش به انسان، دیگر موضوع پر اهمیت در شریعت اسلامی است که پایه ی اصلی تمدن سازی آن نیز به شمار می رود. نگاه اسلام به انسان، دیدگاهی دو سویه است. از یک سو، آدمی کارگزار و جانشین خداوند در روی زمین، جلوه ای از زیبایی زیبای مطلق و نمودی از کمال کمال مطلق؛ یعنی خداست. پس خدا برای آشکار ساختن کمال خود و پرورش انسان کامل، آدمیان را آفریده است. از سوی دیگر، انسان، عبد خدا بوده و کمال او نیز در پیروی محض از ذات لایزال او نهفته است. باری، والاترین مقام، مقام عبودیت است، آن گونه که شریف ترین و برترین پیامبر، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بارها بدین نام پر شکوه عبدالله خوانده شده است.

۴_ روز رستاخیز

۴_ روز رستاخیز

از دیگر اصول تمدن پرور و انسان ساز اسلام، باورمندی مشتاقانه به جهان واپسین و روز رستاخیز است. این باور شور آفرین و اندیشه برانگیز چونان جویباری همیشه روان، کالبد تمدن اسلامی را در بر می گیرد، خس و خاشاک ماده گرایی و گرد و غبار پوچ گرایی را از وجود آدمی می سترد و بر شتاب حرکت تمدنی مسلمانان می افزاید. باید دانست در تمدن اسلامی، ایمان به جهان آخرت در کنار باور به خدای یگانه از جایگاه پرارجی برخوردار بوده و بر همه ی عرصه های زندگی مسلمانان سایه گسترده است. در مقابل، تمدن غرب با تمام توان نقش خرد نیرومند متعالی؛ یعنی خدا و آن چه با او پیوند دارد، به ویژه جهان پس از مرگ و جاودانگی روح آدمی را انکار می کند. پی آمد چنین رفتاری، پیدایش نابسامانی، کاستی و گسست های فراوانی است که فرهنگ و تمدن غرب را به سوی نیستی کشانده است. در لوای همین نارسایی ها، نحله ها و آیین های تازه سر بر می آورد و انگاره سازی های ناشایسته و بدعت گرایانه در حوزه ی دین رو به فرونی می نهد.

اندیشه ی اسلامی، زندگی آدمی را در چارچوب دنیای خاکی، محدود نمی سازد، بلکه افق نگاهش بسی دور دست ها را می نگرد و به جاودانگی روح انسان، ایمانی راسخ دارد. این دیدگاه، به خداوندی باورمند است که صفت عدالتش، پرطنین ترین و عینی ترین صفات اوست. بنابراین، میان عدالت خداوندی و جهان واپسین، پیوندی دو جانبه و معنادار پدیدار می شود. خداوند، جهان را بر پایه ی عدالت آفریده است و بر پایه ی عدالت اداره می نماید و اقتضای این عدالت آن است که جهانی دیگر نیز آفریده شود تا

عدالت در آن، عینیتی تمام یابد. به همین دلیل، قرآن از اشاره‌هایی صریح به مرگ، روز قیامت حساب رسی کردار و داوری خداوند، سرشار است. بسیاری از قوانین اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی بر پایه‌ی همین نگرش حساب رسانه به کردار آدمی در جهانی ماورای جهان طبیعت، سامان یافته‌اند.

دنیا مزرعه‌ای است که بذرها نیک و بدی آدمی در آن روید. بنابراین، خداوند برای آن که حقیقت کردار آدمی را به او نمایاند و پاداش و کیفر آن را بدو بچشاند، رستاخیزی بزرگ فراهم می‌آورد. آن گاه که هنگامه‌ی رستاخیز رسد، بر صوراسرافیل دمیده می‌شود و همگان می‌میرند. سپس با دمیدنی دوباره، از گورها بر می‌خیزند و از نو برانگیخته می‌شوند و به سوی صحرای محشر به حرکت در می‌آیند. بدین گونه قیامت کبری بر پا می‌شود و انسان دیگر بار بازگشت جسمانی و روحانی را به حیات تجربه می‌کند؛ زیرا پیش از آن نیز قیامت صغری – عالم برزخ – را پشت سر گذارده بود. همان گونه که قرآن نیز بدان خبر داده است صحنه‌های قیامت بیشتر صحنه‌هایی هراس‌انگیز و دلهره‌آورند و البته مؤمنان واقعی از آن در امانند. (۱)

در قیامت، نهان‌های ناپیدا و رازهای نهفته آشکار می‌گردند و انسان را از کردار خویش، راه فراری نیست. اعضا و جوارح آدمی به سخن در می‌آیند و هر آن چه را برایشان گذاشته است، باز می‌گویند.

این روز، گاه جدایی و گسستن پیوندهای دوستی و خویشاوندی است که هیچ یک به کار نمی‌آیند.

۱- انبیاء، ۱۰۳؛ «لا یحزنهم الفزع الاکبر و تتلقیهم الملائکه».

در این روز، کردار آدمی به میزان سپرده می شود و نیک از بد و سره از ناسره متمایز می گردد. «به عقیده ی برخی مفسرین، خود اعمال آدمی است که برای این توزین زنده می شوند. اعمال نیک به صورت نورانی روی کفه راست و اعمال پلید به صورتی موحش روی کفه ی چپ.»^(۱) بنا بر روایاتی دیگر، برخی انسان ها در این روز به صورت حقیقت کردارشان و به شکل و شمایل حیوانات برانگیخته می شوند. در روز قیامت کارنامه ی عملکرد انسان را به گونه ای شفاف در دستانش می نهند.^(۲) آنان که کفه ی کردار نیک شان، سنگین تر باشد و کارنامه به دست راست شان داده شود، به بهشت^(۳) خدا راهنمایی می شوند که همه ی نعمت های الهی را در بر دارد و آنان که کفه ی کردار ناشایست شان، سنگین تر باشد و کارنامه به دست چپ شان داده شود، به دوزخ^(۴) (جهنم) خواهند رفت. گفتنی است آنان که به خدا، ایمان دارند، در دوزخ جاودان نخواهند ماند و پس از تطهیر گناهان، به بهشت باز خواهند

۱- اسلام، دین و امت، ص ۱۰۲.

۲- حاقه، ۲۹؛ انشقاق، ۱۱.

۳- توبه، ۹ و ۷۱؛ رعد، ۱۳ و ۲۳؛ نحل، ۱۶ و ۳۱؛ کهف، ۱۸ و ۳۱؛ مریم، ۱۹ و ۶۱؛ ص، ۳۸ و ۵۰؛ نازعات، ۷۹ و ۴۱؛ مائده، ۵ و ۶۵؛ بقره، ۲ و ۲۵؛ آل عمران، ۳ و ۱۳۳ و ۱۳۶؛ به نقل از المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، محمد بسام رشدی الزین، اشراف، محمد عدنان سالم، دمشق، سوریه، دارالفکر، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۲۹۲ - ۲۹۶.

۴- حجر، ۱۵ - ۴۳ و ۴۴؛ نحل، ۱۶ و ۲۹؛ غافر، ۴۰ و ۷۶؛ توبه، ۹ و ۴۹؛ عنکبوت، ۲۹ و ۵۴؛ بقره، ۲ و ۲۰۶؛ نساء، ۴ و ۱۶۹؛ اعراف، ۷ و ۱۸؛ انفال، ۸ و ۱۶؛ مریم، ۱۹ و ۸۶ و...، به نقل از: المعجم المفهرس لالفاظ القرآن العظیم، ج ۲، صص ۱۱۷۲ - ۱۱۷۶.

گشت. در کنار صحنه های بیم آور و اضطراب آمیزی که از قیامت وجود دارد، تصویرهای ناب، زیبا و روح پرور از بارقه های رحمت و عفو غفار توبه پذیر نیز به چشم می خورد و به طور کلی صحنه ی قیامت، صحنه ی آشکار شدن عدل و رحمت پروردگار قدیم است.

باور داشتن معاد در دستگاه اندیشه ی تمدن اسلامی، ارزش والایی دارد و برای انسان مسلمان، مسؤولیت آور و تعهد زاست. امروزه از دیدگاه جامعه شناختی، احساس مسؤولیت افراد و ملت ها نسبت به فرهنگ و تمدن خویش، رکن مهم تمدن سازی است که مسلمان را به شناخت افزون تر خویشتن، محیط زندگانی و خدای متعال فرا می خواند.

از یک سو، انسانی که باورمندانه به جهان پس از مرگ می نگرد، در برابر کردار خویش، سزا و کیفری عینی می بیند که هیچ گاه از آن رهایی ندارد. او همیشه یک دستگاه قاعده مند، نظاره گر و نقاد را در ژرفای دل خویش می یابد و می کوشد با رنگ و تعهد خدایی بیشتری در راه زندگی گام نهد.

از دیگر سو، آموزه ی سترگ رستاخیز زندگی دنیوی آدمی را از گرداب مخوف پوچی، بی هدفی و پایان پذیری می رهاند و حس جاودانگی و پایداری به او می بخشد. آرامشی شگرف و درونی برای بنیان گذاری تمدن ها که در پرتو ایمان به معاد پدید می آید، همواره در امتداد پویایی تمدن اسلام جاری است و به رویش باورها و ساز واره هایی ستر می انجامد.

در مقابل، انسان غربی به دلیل باور نداشتن به جهان واپسین، نا امیدانه می کوشد به زندگی خود رنگ جاودانگی دهد. یکی از اندیشمندان غرب دیده ی مشرق باور در این زمینه می نویسد:

بدون واقعیت های اخروی دیگر تعلیم های دینی، بخش اعظم نفوذ الزام آور و نیرومند خود را از دست می داد و کشش روحی و معنوی زندگی بشر در این جهان که جزء اساسی از واقعیت بشر بودن است، از دست می رفت و زندگی بشر از هر گونه معنای غایی تهی می شد. این پوچی بدان سبب گریبان بشر را می گرفت که قطع نظر از هر گونه توفیق انسان در این جهان، همواره مسلم و قطعی است که این توفیقات، سرانجام در خود خواهد آفسرد و محو خواهد شد. عظیم ترین دست آوردهای مادی افراد بشر و یا حتی کل تمدن های بشری در معرض از دست رفتن و پژمردن است و النهایه نیز عملاً چنین خواهد شد. تنها به مدد واقعیت های اخروی است که دوام و ابدیت و جاودانگی اعمال بشر در کانون توجه انسان قرار می گیرد. (۱)

بنابراین، باور داشتن رستاخیز، سرمایه ی اصلی انسان مسلمان است که پیوند دهنده ی روح اصلی آموزه های اسلامی با اجزای این تمدن است. این باور، به زایش همیشگی مسؤولیت برای انسان مسلمان می انجامد.

۵_ امامت، ولایت و خلافت

۵_ امامت، ولایت و خلافت

یکی از آموزه های اثر گذار در شکل گیری ساختار تمدن اسلام و مسلمانان، موضوع امامت است، خلافت و ولایت است. ولایت از نظر اثر گذاری در تمدن مسلمانان از دو دیدگاه قابل بررسی است: ولایت عرفانی و ولایت سیاسی.

تشیع، در موضوع ولایت عرفانی، امامان معصوم خویش را پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای تکامل انسانی می داند. از این رو، انسان ها برای دست یابی به رویکرد تکامل جویانه باید از انوار درخشان این انسان های کامل بهره گیرند

و به غنای وجودی و پرورش الهی برسند. این معنا در نگرش صوفیانه و یا عارفانه ای که به ویژه خود را به علی علیه السلام منتسب می دانند _ شیعه یا سنی _ بسیار به کار رفته است و یکی از آموزه های مهم آنان به شمار می رود. نقطه ی اوج این آموزه ها را در شعر جلال الدین محمد مولوی آشکارا می توان دید.

نقش امامت، خلافت و ولایت در ساختار تمدن اسلامی و مسلمانان انکار ناشدنی است و با توجه به بافت و ساخت قبیلگی، قومی و مذهبی مردمان آن زمان، ویژگی های توده وار مردم این زمان، اهمیت جایگاه رهبران و نخبگان در جامعه های انسانی بیش از پیش آشکار می گردد. در میان اهل سنت، خلافت با ابوبکر آغاز می شود و پس از او هر آن که زمام امور را در دست گرفته است، خلیفه است. در مکتب خلفا، برتری علمی، عدالت و فقاہت، شرط امامت و خلافت نیست و امام با سه روش زیر به امامت برگزیده می شود.

۱ _ انتصاب از سوی خلیفه ی پیشین

۲ _ انتخاب مردم یا اهل حل و عقد

۳ _ پیروزی نظامی و به دست گرفتن قدرت. (۱)

در این نگرش، هر کسی بتواند با یکی از روش های یاد شده، خلافت مسلمانان را به چنگ آورد امام بر حق و مشروع امت اسلامی است و پیروی از او واجب خواهد بود. همین پدیده به پیدایش سلسله های فاسد و ستم گری هم چون بنی امیه و بنی عباس در تاریخ اسلام انجامیده است.

۱- نقش ائمه در احیای دین، سید مرتضی عسکری، جزء ۱۱ مجموعه ی دوم، مجمع علمی اسلامی، چاپ سوم، ص ۵۴ _ ۵۸، با تلخیص.

در مکتب شیعه، امامت و خلافت بر پایه ی نصب الهی و پذیرش شعورمند و مشتاقانه ی مردم بنا نهاده شده است. در این دیدگاه، امامت، نظام امت اسلامی است و جامعه ی بدون امام عادل، پویایی لازم و نقش آفرین را نخواهد داشت. «امامت نوعی مسؤولیت است. آن هم مسؤولیتی فراگیر که منشأ حرکت و مصدر دمیدن روح به کالبد اجتماع است و آن را از گرایش به سوی امر منفی و نامطلوب باز می دارد و به جانب تکامل و مقاصد عالی انسانی و الهی رهنمون می شود.»^(۱) همین معنا در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام، فراوان به چشم می خورد.^(۲)

امام باید عادل، عالم، فقیه، دارنده ی کمال انسانی و توان مند در اداره ی جامعه بوده و از ناشایستی های اخلاقی به دور باشد. عصمت در فلسفه امامت شیعی نقشی پر رنگ دارد؛ زیرا هیچ گاه خطا و گناهی از روی عمد یا سهو از امام علیه السلام سر نمی زند.

دانش، بصیرت، پاکزادی و عدالت با والاترین مرتبه ی آن در وجود امام به چشم می خورد و او واسطه ی خدا و خلق اوست. امام مفسر قرآن و امامت مهم ترین رکن اسلام است. امام مبدأ و مصدر انسجام بخشیدن اعضای

- ۱- امامت و رهبری، محمد حسین مختاری، تهران، انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۰۳.
- ۲- نهج البلاغه، برگردان: محمد دشتی ص ۲۶۸، خ ۱۴۶: «مکان القیم بالامر مکان النظام من الخرز لیجمعه و یضُمَّه فان انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب. ثم لم یجتمع بحذا فیره ابدأ؛ جایگاه رهبر چونان ریسمانی محکم است که مهره ها را متحد می سازد و به هم پیوند می دهد. اگر این رشته از هم بگسلد، مهره ها پراکنده می شود و هر کدام به سوی خواهند افتاد و هرگز گرد هم نخواهند آمد.»

جامعه‌ی اسلامی برای ره سپردن به سوی مهم‌ترین رکن تمدن؛ یعنی تکامل معنوی است. با امامت، گوهر اصلی دین که قوام هر جامعه و تمدن بزرگی بدان وابسته است، از گزند کج روی‌های فکری در امان می‌ماند. چنین امامتی، ستم‌گری و ستم‌پذیری را بر نمی‌تابد و برای برپایی عدالت اجتماعی و بنا نهادن حاکمیت نظم و قانون در جامعه گام برمی‌دارد. این گونه امامت، استقلال همه‌جانبه‌ی امت اسلامی را و جبهه‌ی همت خود قرار می‌دهد و در فراهم آوردن آزادی و امنیت همگانی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. امامت شیعی هیچ چیز را برتر از حق و حقیقت نمی‌انگارد و همه‌ی تلاش‌های آن به عزت‌مندی مردم و اعتلای کلمه‌ی الله معطوف است.

تشیع در راستای بینش ولایت‌مدارانه‌اش که در آن، حقوق حقیقی و انسانی بشر از جایگاه والایی برخوردار است، به تداوم رهبری امام عادل و عالم در زمان غیبت امام دوازدهم باور دارد. بر اساس این باور، امامت امر در زمان غیبت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عهده‌ی فقیه عالم، عادل، شجاع، توانا، مدیر و مدبری است که زمام امور مردم را با رضایت آنان به دست می‌گیرد. این ساختار سیاسی، تمدن اسلامی - شیعی را تشکیل می‌دهد. از این رو، «شیعه یک حزب تمام عیار است؛ حزبی با همه‌ی خصوصیات و ابعادی که قرآن می‌گوید و با همه‌ی ویژگی‌ها و مشخصاتی که در تلقی روشن فکر امروز، سنگر نجات انسان هاست. حزبی است که هم تحقق‌عینی آن حزب الهی است که قرآن از آن سخن می‌گوید و هم پاسخ‌گوی نیاز این نسل مسؤول روشن فکر است در آگاهی‌دادن و حرکت بخشیدن به توده‌های جامعه‌ی

۱- شیعه مجموعه آثار ۷، علی شریعتی، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۶.

بخش سوم: ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

اشاره

بخش سوم: ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

اشاره

ویژگی های فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

۱_ جهان بینی

۲_ اخلاق

۳_ پیوند دین و دانش

۴_ پیوند عقل و دین

۵_ پیوند دین و دنیا

۶_ نخبگان

۷_ یکپارچگی اجتماعی

۱_ جهان بینی

۱_ جهان بینی

تمدن های جهانی، از ویژگی هایی تشکیل یافته اند که در ساحت زندگی بشر تأثیر شگرفی دارند. ویل دورانت، نویسنده ی «تاریخ تمدن» هشت عنصر: کار، دولت، اخلاق، دین، علم، فلسفه، ادبیات و هنر را عوامل سازنده ی تمدن می داند و بر این باور است که همه ی این ها از مشرق زمین به مغرب زمین انتقال یافته اند. در این میان، دین را باید مهم ترین، فراگیرترین و اثرگذارترین آن ها دانست. از دیر باز تاکنون دین و جهان بینی دینی بر جنبه های گوناگون زندگی آدمی اثر نهاده و تمدن های دیرپا و کهنی را پی ریخته است که هر یک به گونه ای، سرشتی دینی دارند. پس مذهب و دین داری با نخستین لحظه ها و حلقه های زندگانی آدمی گره خورده است و هیچ فرهنگ و تمدنی را نزد هیچ قومی نمی توان یافت مگر آن که گونه ای از مذهب در آن وجود داشته است. (۱) دورکیم در این باره می نویسد:

مذهب یک بنیاد اجتماعی است و با وجود تغییرهایی که در سازمان اجتماع رخ می دهد، مذهب همواره وجود خواهد داشت و اصولاً به عقیده ی جامعه شناسان، همه ی جوامع بشری دارای مذهب بوده اند. (۲)

۱- دو مذهب، جان راپورت، به نقل از: نقش پیامبران در تمدن انسان، فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۰، چ ۱، ص ۵۸.

۲- نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵۸.

اوون پالو می گوید مذهب برای بشر چنان فایده ای دارد که اگر مذهبی در جهان وجود نداشت، انسان برای حفظ مصلحت خود نیز باید چیزی شبیه آن را پدید می آورد. (۱) دین، ساختار زندگی آدمی را سامان می دهد و نگرش او را نسبت به جهان تنظیم می کند. افزون بر آن، راه کاری اعتدالی برای هم آهنگ سازی رفتارهای اجتماعی به شمار می رود و با لبریز ساختن روح تشنه ی آدمی از آموزه های ملکوتی و ماوراء طبیعی، او را از سرگشتگی نجات می بخشد و بیم و امید هیجان آور را در جان او جاری می سازد. بنابراین، دین از شؤون قطعی زندگی انسان است و زندگی بدون آن مفهومی ندارد. دیدگاه دین نسبت به حقیقت نهایی و مطلق با محدودیت متعارض است. به همین دلیل دامنه ی پرواز روح آدمی را چنان فراخی می بخشد که به کم تر از دیدار مستقیم حقیقت، قانع نمی شود. (۲) روان شناسان، حس دینی و حقیقت جوایی را یکی از خواسته های عالی بشر به شمار آورده اند و بر این باورند که دین در زندگی بشر، جایگاه پویا و ویژه ای دارد و دیگر عرصه های اجتماعی را نیز در اختیار می گیرد.

شناخت جهان بینی یک تمدن، ما را در فهم سازواره ها و انگاره های آن تمدن یاری می دهد و به شناخت هر چه بیشتر عناصر پی آمدهای آن می انجامد. پنینک تن می گوید:

۱- نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵۸.

۲- احیای فکر دینی در اسلام، محمد اقبال لاهوری، به نقل از: نقش پیامبران در تمدن انسان، ص ۵۴.

اگر کسی جهان بینی و کیهان شناسی یک فرهنگ را درک کند، می تواند دقت و صحت منطقی برای پیش بینی رفتار و انگیزش های خود در ابعاد دیگر را به دست آورد. (۱)

از این رو باید گفت دین، باطن هر تمدن و روح اجتماع است. دین، مایه ی پیوند نسل های آدمیان و همه ی انسان ها با یکدیگر است. به عنوان مثال «از روی غار نوشته های کروماگون اولیه در جنوب فرانسه گرفته تا نوشته های کنونی، آثار کشش شدید انسان ها به دین، خانواده، و جامعه را می توان مشاهده کرد. هر نسل داستان هایی را درباره ی موسی، بودا، مسیح، محمد صلی الله علیه و آله، برای کودکان نسل بعدی خود تعریف کرده است. (۲) جامعه شناسان نیز نظریه های مشابهی دارند. سن سیمون می گوید که آیین و عقاید، پشتوانه ی اخلاق و معنویت بوده است. لوباک، تایلور و فریزر بر این باورند که بنابر تحقیقات مردم شناختی، پیشینه های دانش و هنر و اندیشه امروزی به اعتقادات و آیین های کهن دینی بر می گردد. (۳)

در پرتو همین اشتراک و عقیده و توحید در پرستش، پایه ریزی تمدن ها و جامعه ها امکان پذیر خواهد شد. در حقیقت، دین عامل پیدایش، پیوند و گسترش ملیت ها است. در میان ادیان جهان، چهار دین بزرگ و فراگیر اسلام،

۱- ارتباط بین فرهنگ ها، ص ۱۶۱.

۲- ارتباط بین فرهنگ ها، لاری اسماور و دیگران، برگردان: غلامرضا کیانی و سیداکبر میرحسینی، تهران، باز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰.

۳- دین و جامعه، مقصود فراستخواه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۲۷.

مسیحیت، یهودیت و بودا از اهمیت ویژه ای برخوردارند که نوشته های مقدس، کارگزاران دینی و مراسم های سنتی و شیوه ی اندیشیدن عامل کلی پیوند آن ها به شمار می روند.

در این میان، دین اسلام، پویاترین ساختار تمدن آفرین در جهان کنونی به شمار می رود که افزون بر هدایت مردم به سوی مبدأ یگانه، رهنمودهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراوانی که بشر ارایه می دهد. در اسلام دین و حکومت با هم پیوند خورده اند و دین جزئی از زندگی نیست، بلکه تمام آن است. ایمان دینی در ساختار فکری و معنوی اسلام، نقشی حرکت آفرین، نیروزا و همه جانبه دارد. ایمان در لغت به معنای «خود را به مرجعی سپردن» و «اعتماد کردن به آن» است. (۱) و در فرهنگ اسلامی خواه به باور داشتن به آفریدگار جهان و جهان پس از مرگ و مبادی مذهب و خواه مربوط به درستی و اصالت هر مکتب و ایده ای، تعبیر می شود. (۲)

واژه ی ایمان با مشتقات آن، ۸۵۰ بار در قرآن مجید آمده است. ایمان دینی، اندوه را می زداید نو میدی را می میراند و به انسان پایداری می بخشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

ولا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الا علون ان کنتم مؤمنین. (۳)

سست نشوید و اندوهگین نشوید؛ زیرا شما برترید اگر دارای ایمان باشید.

۱- اسلام، دین و امت، ص ۱۸.

۲- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۴، ص ۵۱.

۳- آل عمران، ۱۳۸.

یا در قرآن کریم چنین آمده است:

هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین. (۱)

او کسی است که تو را به یاری خود و مؤمنان تأیید کرد.

در دید قرآن همین باور مستحکم به مسلمانان، توان حرکت، دفاع، جهاد، مقاتله و مجاهده می دهد و این گونه است که نیروی ۲۰ تن از مسلمانان بر ۲۰۰ تن از کافران چیرگی می یابد. (۲) این ایمان دینی به صورت ناب و برجسته در اندیشه ی شیعی نمایانده شده است.

۲_ اخلاق

۲_ اخلاق

اخلاق فردی و اجتماعی تنظیم و تحکیم کننده ی روابط میان فردی، میان گروهی و میان جامعه ای است. ویل دورانت در تعریف اخلاق و ارتباط آن با تمدن چنین می نگارد:

اخلاق عبارت است از همکاری فرد با عموم و هم چنین همکاری و تعاون هر دسته ای با دسته و اجتماع بزرگ تر. به این ترتیب باید گفت که پیدایش مدنیت بدون اخلاق امکان پذیر نبوده است. (۳)

اساساً بدون در نظر گرفتن آموزه ها و هنجارهای اخلاقی، بنا نهادن تمدنی ماندگار، ناممکن است. البته همان گونه که اخلاق در بنیاد تمدن ها مؤثر است،

۱- انفال، ۶۲.

۲- انفال، ۶۵.

۳- تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن، ویل دورانت، ص ۴۶ _ ۴۷.

تکاپوی تمدن‌ها نیز به رشد و گسترش آموزه‌های اخلاقی می‌انجامد. اخلاق از دیرباز در جامعه‌های بشری نقش داشته است، به گونه‌ای که انسان‌های اولیه نیز با برخورداری از عواطف و احساسات انسانی، رفتارهای اجتماعی ویژه‌ای داشته‌اند. ویل دورانت می‌نویسد:

مقررات و قوانین اخلاقی قدیم و جدید از لحاظ مضمون و محتویات و شیوه‌ی اجرا با یکدیگر تفاوت زیادی دارند، ولی دشوار است که بگوییم اخلاق جدید عالی‌تر از اخلاق قدیم است. (۱)

بدین ترتیب، گستره‌ی اخلاقیات، تاریخ بشر را در بر می‌گیرد. از دیگر سو، دین نیز همواره با تاریخ آدمیان همراه بوده است. پس باید با بررسی رابطه‌ی دین و با اخلاق، پی‌آمدهای در هم آمیختن این دو را در نهاد تمدن اسلام و مسلمانان برشماریم. اخلاق در رویش و پویش خود، از دین جدا است، ولی همواره در کالبد آن رشد کرده است؛ زیرا دین سرشتی آسمانی دارد و با تقدیس و تحکیم مقررات اخلاقی، بنیادهای اخلاقی را نیرومند می‌سازد. در بینش ادیان توحیدی به ویژه اسلام، جهان، نظامی اخلاقی است و معیارهای سنجش خوبی و بدی و زشتی و زیبایی، معیارهایی اصیل و پیوند خورده با مشیت الهی‌اند. و به نهاد و درون آدمی وابسته نیستند. این ساختار بر پایه‌ی نگرش هدف‌دارانه به جهان بنا نهاده شده است؛ زیرا در این صورت، آموزه‌های اخلاقی با آن هدف ارتباط می‌یابد و بر اساس آن تعریف می‌شود نه بر اساس خواسته‌های ناپایدار بشری. هم‌چنین در این بینش اختیار، زیربنای

۱- تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن، ویل دورانت، ص ۶۸.

اخلاق اسلامی شمرده می شود؛ زیرا شرط مسؤولیت اخلاقی، داشتن اختیار است و تنها با وجود اختیار می توان آدمی را در برابر کردارش کیفر کرد، پاداش داد، نکوهید یا ستود.

امتیاز بزرگ نگرش دینی به اخلاق این است که اخلاقیات را از مبنای استواری در سرشت ناپایدار جهان برخوردار می سازد. چنین نگرشی عینی خواهد بود، در حالی که رهیافت اخلاقی تمدن کنونی غرب، رهیافتی ذهن گرایانه و به گونه ای مطلق، انسان مدارانه است. «اگر به تمدن های بزرگ و تاریخ بشر نگاهی بیافکنیم، خواهیم دید اعتقاد به این که جهان، نظامی اخلاقی است، بخشی از میراث فکری یا فرهنگی همه ی ملت های بسیار متمدن است. این اعتقاد نه تنها جزیی از دین مسیحیت [و اسلام] است، بلکه در ادیان قدیم به اشکال گوناگون و در فلسفه ی افلاطون و ارسطو نیز ظاهر شده است. (۱)

با آغاز رنسانس و پیدایش عصر نوین، به مدد تلاش های گالیله و سپس نیوتن، دانش بشری گسترش یافت و پاره ای پندارهای علمی و جهانی، دگرگون شد. انسان غربی بر پایه ی بینش اومانیستی خود، به انکار اخلاق مندی نظام جهانی و عینی بودن اخلاق برآمده از این نظام پرداخت و رویکرد ذهنی گرایانه ای را در پیش گرفت. در حالی که میان یافته های علمی و مسایل اخلاقی هیچ ارتباط و ملازمه ی منطقی وجود ندارد و این گذار بیشتر احساسی روان شناختی است. با این حال، مفاهیم علمی، بر اندیشه های اخلاقی، اثر

۱- دین و نگرش نوین، والتر ترنس استیس، برگردان: احمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۷۲.

نامطلوبی داشته و فروپاشی باورمندی به نظام اخلاقی جهان را سبب گشته اند. ذهنی گرایی اخلاقی بدین معناست که اخلاق هیچ مبنای دیگری جز خواسته ها و رفتارهای انسان ندارد. توماس هابز؛ فیلسوف انگلیسی جوهر نخستین این اندیشه را در قرن هفدهم پی ریزی کرد و انسان شناسان، جامعه شناسان و فیلسوفان غربی به ویژه پوزیتیویست ها (اثبات گرایان منطقی) آن را پرورانده و گسترش داده اند. همان گونه که والتر ترنس استیس؛ فیلسوف تجربه باور انگلیسی _ آمریکایی می گوید:

آمال و آرمان های اخلاقی، شالوده ی عمیق تری در دین دارند و نهایتاً از دین سرچشمه می گیرند. می توان پنداشت که ارزش های اخلاقی، ذهنی اند و جهان، نظام اخلاقی نیست و با این همه اخلاقی را که در همه جا معتبر است، پذیرفت ولی ارزش های اخلاقی عملاً عینی اند و جهان یک نظام اخلاقی است، به گونه ای که نگرش کهن تر درباره ی اخلاق که اخلاق را مبتنی بر دین می داند، نسبت به نگرش صرفاً طبیعی گرایانه، فهم درست تر و عمیق تری هم در باب اخلاق و هم در باب جهان در اختیار می گذارد. (۱)

سوگ مندانه تر آن که این ذهنی گرایی بی درنگ به نسبی گرایی اخلاقی انجامیده است و بر پایه ی این آموزه، هیچ ارزش و حقیقت ثابت و استواری وجود ندارد که با کمک آن درباره ی باورهای اخلاقی گوناگون به داوری بپردازیم. ما این واقعیت را می پذیریم که موضوعی ممکن است در یک فرهنگ خوب و در فرهنگ دیگر، بد انگاشته شود، ولی این مسأله نشان نمی دهد که

۱- دین و نگرش نوین، والتر ترنس استیس، برگردان: احمد رضا جلیلی، ص ۴۱۹.

اخلاق نسبی است؛ زیرا ممکن است یکی از این دو نادرست باشد و کسانی که به خوبی آن باور دارند، از کنه آن آگاهی نداشته باشند.

ساختار اندیشه‌ی تمدن اسلامی، به اخلاق مندی و هدف داری نظام جهانی و عینی بودن ارزش‌های اخلاقی آن باور دارد و تمدن سترگش را بر پایه‌ی این آموزه‌ی تعالی و فرهنگی بنا می‌نهد. اخلاقی که اسلام از آن سخن می‌گوید، از ژرفای وجود و فطرت آدمی بر می‌خیزد، ولی در نهاد ثابت جهان، ریشه دارد و به ستبری و نیرومندی و تعالی بخشی هنجارهای اخلاقی کمک می‌کند. سازواره‌های اخلاق تمدن زای اسلام، مجموعه‌ی فراگیری از نیازهای روحی و روانی و مادی و الهی انسان را در حوزه‌ی اخلاق فردی و اجتماعی به نمایش می‌گذارد. اسلام؛ مدارا، سعه‌ی صدر، برادری و تساهل و تسامح را الگوی اخلاق دینی معرفی می‌کند و پیامبر اسلام را به دلیل آوردن چنین مجموعه‌ای از اخلاق فردی و اجتماعی، رحمتی برای همه‌ی جهانیان (نه تنها مسلمانان) می‌داند:

و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین. (۱)

قرآن، یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت اسلام را ویژگی‌های اخلاقی پیامبر دانسته است:

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر. (۲)

۱- انبیاء، ۱۰۷.

۲- آل عمران، ۱۵۹.

هم چنین می فرماید:

لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم. (۱)

اسلام دین داری را جبری نمی داند بلکه با آزاد دانستن آن تقلید در اصول را جایز نمی شمارد:

لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی (۲)

خدا در قرآن می فرماید:

قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر. (۳)

بنابراین سادگی احکام و مدارا در درون اسلام نهفته بوده و با آن همراه است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

امرئی ربی بمداراه الناس کما امرنی بآداء الفرائض. (۴)

پروردگار مرا به مدارا و نرمی با مردم دستور فرمود هم چنان که به انجام واجبات امر کرد.

ایشان در سخنی دیگر می فرماید:

مداراه الناس نصف الایمان و الرفق لهم نصف العیش.

مهربانی و سازگاری با مردم، نیمی از ایمان و نرمی با آنان، نیمی از برکت

۱- توبه، ۱۲۸.

۲- بقره، ۲۵۶.

۳- کهف، ۲۹.

۴- کافی، ج ۲، ص ۱۱۷، حدیث ۴۳.

زندگی است.

در بینش تمدن ساز اسلام، رفق و مدارا و سهل گیری و خوش رفتاری به مؤمنان و مسلمانان محدود نمی شود، بلکه همه ی مردم از اهل کتاب و حتی مشرکان و کافران را در بر می گیرد.

این فراز از نامه ی علی علیه السلام به مالک اشتر بسی عبرت آموز و گویاست:

ای مالک قلبت را از رحمت و محبت و لطف به مردم، آکنده ساز. مبادا چون گرگ، فرصت طلبانه، حقوق آنان را پایمال کنی؛ زیرا مردم دو گونه اند: یا مسلمان و برادر دینی تواند و یا نامسلمان که در آفرینش مانند تواند. (۱)

جرجی زیدان نویسنده ی مشهور عرب در این باره می نویسد:

چه کسی می تواند منکر تأثیر دادگستری و پرهیزگاری و خوش رفتاری مسلمانان باشد؟ و چه کسی می تواند منکر شود که بزرگان اسلام در آغاز کار دارای این صفات نبودند؟

رعایای ایران و روم که تحت استیلای مسلمانان در می آمدند، از دوزخ جور و ظلم به بهشت عدل و انصاف انتقال می یافتند و هر گاه سپاهیان اسلام برای کشور گشایی از پایتخت خود (مدینه) بیرون می آمدند، توشه ی راه شان، پند و اندرز بزرگان درباره ی خوش رفتاری با زیردستان بود. (۲) همین نیک رفتاری سبب شد میخیل؛ سراسقف بزرگ انطاکیه پس از فتح انطاکیه به دست مسلمانان، ستم گری های رومیان را برشمارد و فرزندان اسماعیل (مسلمانان) را نجات بخش مردم بداند. بر اثر همین آزاد اندیشی اسلامی بود که مردم حمص

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۵۳.

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص ۵۲.

دروازه های شهر خود را به روی لشکر هرقل بستند و به مسلمانان پیام فرستادند که حکومت و عدالت آنان از ستم و اجحاف رومیان، محبوب تر است. همین اخلاق کریمانه و منزلت بخش است که مردم اردن را وامی دارد هنگام گذشتن سپاه ابو عبیده از آن سامان، نامه ای بدو بنگارند و بنویسند :

ای مسلمانان شما نزد ما از رومیان محبوب ترید. هر چند آنان هم کیش مايند. شما نسبت به ما باوفاتر، عادل تر و نیکو رفتار ترید. (۱)

۳ _ پیوند دین و دانش

۳ _ پیوند دین و دانش

دانش از ارکان اساسی تمدن به شمار می آید، به گونه ای که ترسیم دورنمایی از تمدن بدون دانش و فن آوری ناممکن است. تمدن جهانی اسلام در پایه ریزی و گسترش علوم و فنون، نقش سترگی دارد و برترین و پراح ترین آموزه ها را داراست. اسلام، دانش را جزو جدایی ناپذیر خود می داند و آن را به خوبی می پروراند.

دگرگونی های فکری به ویژه در سده ی اخیر، پی آمدهای فراوانی برای جامعه های اسلامی داشته و پرسش هایی را فراروی فرهیختگان و نوجویان مسلمان قرار داده است. امروزه پرسش هایی مانند موارد زیر، توجه همه ی اندیشمندان مسلمان را به خود معطوف کرده است: نسبت دین با دانش چیست؟ آیا نگرش دینی می تواند به تمدن آفرینی و تمدن گسترگی پردازد؟ آیا باید نگرش علمی را حفظ کرد و نگرش دینی را به حاشیه راند؟ آیا دین، عامل

۱- الدعوه الی الاسلام، توماس آرنولد، برگردان به عربی: دکتر حسن ابراهیم حسن و دیگران، قاهره _ مصر، مکتبه النهضه المصریه، چاپ دوم، ۱۹۷۵، ص ۷۳.

عقب ماندگی جامعه های مسلمان بوده است؟ آیا نگرش علمی و نگرش دینی با یکدیگر تعارضی دارند؛ تعارض دانش اسلامی با دانش غربی چگونه است؟ نظر اسلام درباره ی دانش چیست؟

این پرسش ها که به شیوه ای نوین از زادگاه مدرنیسم _ غرب _ به جامعه های شرقی و اسلامی، راه یافته است، پاسخ هایی جامع، کامل و استوار می طلبد. برای بررسی نقش همبستگی دین و دانش در تاریخ و نهاد تمدن مسلمانان و تبیین دیدگاه اسلام درباره ی این پرسش ها باید نگاهی کاوش گرانه به فرهنگ و تاریخ رنسانس و مدرنیته بیافکنیم. نخستین پرسشی که باید بدان پاسخ گفت این است که آیا دانش اسلامی هم وجود دارد یا نه؟ آیا می توان دانش را به اسلام منتسب کرد؟

در پاسخ باید گفت دانش تنها تشریح و گسترده شدن یافته های تجربی نیست؛ زیرا اگر چنین بود، به اسلامی و غیر اسلامی، دینی و غیر دینی یا شرقی و غربی تقسیم نمی شد. امروزه دانش به ارایه ی نظرهای جهان شمول می پردازد و ایدئولوژی ها و بینش های گوناگون نیز با برداشت متفاوت خویش از دانش، راهی جداگانه را بر می گیرند. با توجه به این موضوع، باید وجود دانش اسلامی را در برابر دانش غربی بپذیریم. به دیگر سخن باید بگوییم دانش اسلامی و دینی، سرشتی قدسی دارد که در کالبد جهان بینی اسلامی و الهی، رشد می یابد و آن را بازتاب می دهد.

در مقابل، دانشی که تمدن غرب می پرورد با داشتن نگرش طبیعی گرایانه و ماشین مدارانه به جهان، در تحلیل پدیده ها، همه چیز را تا حد مناسبات اتم گرایانه و زیست شناسانه فرو می کاهد و به قداست زدایی از علوم،

می پردازد. در دانش اسلامی، کاوش در طبیعت جامعه و انسان در چارچوب جهان بینی دینی و نگرش غایت مدارانه به جهان، انجام می پذیرد، ولی در دانش غربی، روح دینی و غایی از پیکره ی دانش سترده می شود و با دین زدایی (سکولاریته) در جنبه های گوناگون آن نگرش آدمی به جهان، تجربی می شود و هر آن چه غیر تجربی است، انکار می گردد. این نگرش مادی انگارانه و علم زده، پس از رنسانس و در پی دست آوردهای علمی افرادی هم چون: کوپرنیک، کپلر، گالیله، دکارت و نیوتن روی داد و خاستگاه آن نیز علم قرن هفدهم است این در حالی است که بسیاری از اینان خود در شمار دین داران قرار دارند.

برای نمونه بارکلی (۱۶۸۵ _ ۱۷۵۳ م) که با مادی گرایی توماس هابز مخالف بود، آشکارا انگیزه ی خود را مبارزه با شک گرایی، الحاد و بی دینی معرفی می کند. امانوئل کانت (۱۷۲۴ _ ۱۸۰۴ م)؛ فیلسوف بزرگ آلمانی که نویسنده ی «دین و نگرش نوین» او را رهبر تنها قیام عمومی و بزرگ بر ضد طبیعی گرایی در دوره ی نوین می داند. (۱)

باید دانست در عرصه ی پاسخ به چالش های پدید آمده میان دین و دانش، نحله های چهارگانه ای در جهان غرب و اسلام پدیدار گشت که اینک آن ها را بر می شماریم:

۱ _ گروه نخست به تعارض دین با دانش باور دارند و هر گونه تعامل و نزدیکی میان این دو را مردود می شمارند. هواداران این گزینه، خود دو گروه

متعارضی هستند که در دو سوی این جریان جای می گیرند. این دو گروه عبارتند از: مادی گرایان و نص گرایان افراطی که هر دو با اهدافی کاملاً متباین و رو در رو بدان باور دارند.

۲_ رویکرد استقلالی به دین و دانش، دومین رهیافتی است که با مستقل دانستن حوزه های هر یک از این دو به تبیین ارتباط میان دین و دانش پرداخته است. بیشتر دانشمندان باورمند به خدا در جهان غرب، چنین دیدگاهی دارند.

۳_ سومین رویکرد، به تعامل و گفتگو درباره ی پیش زمینه ها و تجربه های مشترک دین و دانش، و هم گرایی آن ها باور دارد. پاپ ژان پل دوم، رهبر کاتولیک های جهان از هواداران این نظریه است.

۴_ واپسین ره یافت، دیدگاه وحدت گرایانه میان دین و دانش است. در این بینش، جهان یک کل تجزیه ناپذیر است که همه ی اجزای آن با هم پیوند دارند و دین و دانش هر دو در مقام تبیین یک جهانند.

دیدگاه اسلام در این باره وحدت انگار است؛ یعنی سرشتی معنوی به دانش می بخشد و روح اشراقی در آن می دهد. در مقابل، دانش غربی با گرایش مادی گرایانه ی خویش به قداست زدایی و غایت زدایی از دانش می پردازد. امروزه محدودیت علوم تجربی و حسی و ناتوانی آن ها در پاسخ گویی به همه ی نیازها و نادانسته های بشر، آشکار گردیده و خطای انسان غربی در کنار گذاردن خدا و نشان دادن خود و دانش بشری به جای آن، رخ نموده است. به همین دلیل غربیان که روح معنویت و ایمان و یقین را گم شده ی خویش می انگارند، دوباره به دین و معنویت دینی روی آورده اند و اندک اندک در صدد برهم زدن چیرگی روح دین گریزی و معنویت زدایی بر علوم هستند

اسلام هیچ گاه جدا انگاری دین و دانش را نپذیرفته و چیدن میوه هر دانش سودمندی را روا و لازم دانسته است. تمدن انسان ساز اسلام، دانش را جزء جدایی ناپذیر خود می شناسد و همگان را به دانش اندوزی و فرزاندگی فرا می خواند. این پندار که اسلام، دانش را تنها علم دین یا حوزه های مرتبط با آن می داند، چنان وهم آلود است که جز ناآگاهان یا غرض ورزان، کسی دیگر نمی تواند آن را به چشم قبول بنگرد. هدف اسلام از دانش اندوزی بارها در قرآن و روایات، آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اطلبوا العلم ولو بالصین. (۱)

دانش را بیاموزید هر چند در چین باشد.

یا

العلم ضاله المؤمن فخذوه ولو فی ایدی المشرکین. (۲)

دانش، گمشده ی مؤمن است. پس آن را بجوید هر چند نزد مشرکان باشد.

به یقین، منظور پیامبر از دانش در سخنان یاد شده، علم و معارف ویژه ی دینی نیست؛ بلکه کلیت علم سودمند را در نظر دارد. البته باید دانست اسلام، هدف اصلی از دانش اندوزی را نزدیکی به خداوند و درک عظمت او می داند، نه جانشینی انسان به جای خدا. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

ثمره العلم العباده.

۱- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱، ص ۱۸۰

۲- جامع بیان العلم و فضله، ابن عبدالبر، مؤسسه الثقافه، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۱، ص ۱۲۲، به نقل از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، ص ۶۷.

میوه ی دانش، عبادت است. (۱)

براساس گفته های قرآن و روایات، دانش، هر دو گستره ی علوم انسانی و علوم طبیعی را در بر می گیرد و به یکی از این ها محدود نمی شود. با نگاهی به آیات و روایات در خواهیم یافت که اسلام به کاوش در طبیعت به عنوان جلوه ای از جلوه های جمال و کمال الهی، اهتمام ویژه ای دارد. برای نمونه در قرآن آمده است:

و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف الستکم و الوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین. (۲)

و از نشانه های او، آفرینش آسمان ها و زمین و گونه گونی زبان ها و رنگ های شماست. به یقین، در این دانش، نشانه هایی برای اهل دانش نهفته است.

هم چنین می فرماید:

و من آیاته خلق السموات و الارض و ما بث فیها من دابه. (۳)

و از نشانه های او آفرینش آسمان ها و زمین و پراکندن جنبندها در آن است.

یا این که فرموده است:

سنریمهم آیاتنا فی الآفاق و الانفس و فی انفسهم حتی تبین انه الحق. (۴)

۱- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد الامری التمیمی، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه . ق، ص ۳۲۶، به نقل از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۶۸.

۲- روم، ۲۲.

۳- شوری، ۲۹.

۴- فصلت، ۵۳.

به زودی نشانه های خود را در آفاق و وجود خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است.

زیباتر آن که خداوند نه تنها به طبیعت و علوم طبیعی توجه می کند بلکه با پافشاری بسیار بر آن، بشر را به پژوهش و اندیشیدن در آن فرا می خواند. آیه های زیر گواهی بر ادعای ماست:

قل سیروا فی الارض کیف بدا الخلق. (۱)

بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که خداوند چگونه موجودات را آفرید.

فلینظرو الانسان مم خلق. (۲)

پس انسان بنگرد که از چه چیز آفریده شده است.

افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت و الی السماء کیف رفعت و الی الجبال کیف نصبت و الی الارض کیف سطحت. (۳)

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چه سان بر افراشته شده و به کوهها که چگونه بر کشیده شده و به زمین که چگونه گسترده شده است؟

بدین ترتیب، مهم ترین عامل رویکرد اندیشمندان، فرهیختگان و دانش پژوهان مسلمان به ژرف نگری در طبیعت خدای نشان و نیز شکوفا شدن

۱- عنکبوت، ۱۹.

۲- طارق، ۵.

۳- غاشیه، ۱۷ _ ۲۰.

دانش مسلمانان را باید از سفارش های قرآن به کاوش در طبیعت جان دار و بی جان، تلاش برای کشف، صورت گری، نوآفرینی و بازآفرینی بدانیم. آموزه های همین کتاب شگرف آسمانی، مسلمانان را به داد و ستد علمی مبتکرانه با دیگر جهانیان واداشت و شکوفایی تمدن مسلمانان را رقم زد. در آموزه های اسلامی، دانش و دانشمند از جایگاه والایی برخوردار است، به گونه ای که قلم عالمان روشن گر و روشن اندیش از خون مقدس شهیدان به خدا پیوسته و از خود رسته، برتر شمرده شده و جایگاه دانشوران از مقام عابدان، بسی ممتازتر دانسته شده است.

اهمیت آموزش و پرورش و جایگاه دانش آموزی در گفتار و رفتار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان بلند مرتبه ی شیعه نیز به خوبی روشن است.

برای دریافتن اهمیت و رتبه ی دانش در میان مسلمانان شایسته است به جایگاه اندیشمندی هم چون: ابوریحان بیرونی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی نزد حاکمان و مسندداران زمان خویش اشاره کنیم. ابوریحان بیرونی به پاس نگارش کتاب قانون سعودی پیلواری از نقره به عنوان پاداش دریافت کرد که همه ی آن را به خزانه برگرداند. (۱) خواجه نصیرالدین طوسی از محل درآمدهای اوقاف بلاد اسلامی که در اختیار او بود، به علما و دستیاران خود که در رصدخانه ی مراغه سرگرم پژوهش بودند، حقوق مکفی می داد. (۲) شریف

۱- احوال و آثار ابوریحان بیرونی، ذبیح الله صفا، تهران، انتشارات اداره ی کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲، ص ۵۷.

۲- از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳.

رضی، خانه ای به نام دارالعلم بنا کرد و آن را به دانش پژوهان اختصاص داد و هر آن چه را نیاز داشتند، فراهم می کرد. (۱)

افزون بر آن، برخی فرمانروایان مسلمان نیز به سبب همین شور و نشاط علمی موجود در میان مسلمانان در راه بنیاد گذاری و گسترش فرهنگ دانش پژوهی گام های بزرگی برداشتند. مأمون؛ خلیفه ی عباسی بیت الحکمه را بنا نهاد و مترجمانی را در آن گرد آورد. (۲) فاطمیان، دانشگاه الازهر را در مصر برپا ساختند. (۳) در همین دوره، مدارس اسلامی اندلس حلقه ی پیوند اروپا با جهان اسلام بود. ابوالقاسم موصلی کتاب خانه ای در موصل بنا نهاد که اهل دانش از سرزمین های دور دست بدان جا روی می آوردند و اگر دانش پژوهی، بضاعت مالی نداشت، به او پول و کاغذ می دادند. (۴) هم چنین الحاکم بالله خلیفه ی فاطمی در سال ۳۹۵ هـ. ق کتاب خانه ی بزرگی در قاهره بنیان نهاد که به دارالحکمه قاهره مشهور گردید. (۵)

- ۱- النظام التربوی فی الاسلام، باقر شریف القرشی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹ هـ . ق، ص ۲۳۱، به نقل از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۰۳.
- ۲- از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۰۳.
- ۳- از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۰۳.
- ۴- تاریخ دانشگاه های اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، برگردان: نورالله کسایی، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۶۴، ص ۹۲.
- ۵- تاریخ دانشگاه های اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، برگردان: نورالله کسایی، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۶۴، ص ۲۰.

باید گفت فرهنگ و تمدن اسلامی از همه ی ابزار و وسایل درون زای خود برای گسترش دانش بهره برده است. یکی از نمودهای این موضوع، وقف است که در عرصه ی دانش و دانش پروری و جهل زدایی، نقش بسیار برجسته ای دارد. موقوفات نظامیه ی بغداد، رصدخانه ی مراغه و جامع الازهر نمونه هایی از کاربرد وقف در زمینه ی یاد شده است. سخت کوشی و پایداری دانشمندان مسلمان در راه فراگیری دانش، گویای جنبه ی دیگری از اهمیت علم در اسلام است. آنان رنج گران بار سفر را به جان می خریدند و مشتاقانه به سوی مراکز دانش می شتافتند. گفتنی است دانش پروری و توجه به دانش در کنار دیگر ساختارهای تمدنی اسلام مانند؛ ایمان، سعه ی صدر و تسامح دینی به بالندگی دست یافته است. امروزه نیز با وجود تلاش های گسترده و تبلیغات پر دامنه برای سکولاریزه کردن دین و جداانگاری علم و دین، پاره ای از دانشمندان علوم طبیعی با بهره گیری از اندوخته های دینی خود به ره یافت وحدت گرایانه میان علم و دین باور دارند. در این میان، از اندیشمندانی هم چون دکتر سید حسین نصر و دکتر مهدی گلشنی می توان نام برد که در این باره، پژوهش های فراوانی انجام داده اند. (۱)

۴_ پیوند عقل و دین

۴_ پیوند عقل و دین

۱- ر.ک؛ علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، برگردان: احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۰، نیاز به علم مقدس، سید حسین نصر، برگردان؛ حسن میاننداری، تهران، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹؛ از علم سکولار تا علم دینی، مهدی گلشنی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.

از دیدگاه اسلام، عقل دارای حجیت ذاتی و استقلالی است و خردمداری و حرکت عقلانی، روح و روش این مکتب به شمار می رود. در بافت اندیشه ی اسلامی، خردمداری و شناخت عقلانی، جای را بر ایمان تنگ نمی سازد تا کنار گذاردن آن لازم آید. از این رو، اندیشمندان و نخبگان اسلامی که در شکل گیری تمدن اسلام و مسلمانان، نقش سازنده ای داشته اند برای جمع کردن میان عقل و دین و پاسخ گویی به ابهام ها، شبهه ها و تناقض نمایی ها، بسیار کوشیده اند.

ملا محسن فیض کاشانی، فضل خداوندی را همان عقل و رحمت الهی و شرع دانسته و پیروان شیطان را بی نصیبان از این دو معرفی کرده است. (۱) هم او فطرت را در آیه ی شریفه ی «فطرت اللّٰه الّٰتی فطر النّاس علیها...» (۲) به معنی عقل گرفته و در تفسیر آیه ی «نور علی نور یهدی اللّٰه به من یشاء» (۳) آن را نور عقل و شرع دانسته است. از دید این اندیشوران، عقل گوهر ایمان و دین است و «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل». تلاش

۱- ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلام حسین ابراهیمی دینانی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۳، ص ۱۵.

۲- روم، ۳۰.

۳- نور، ۳۵.

ملاصدرا در شرح اصول کافی نیز در این راستا گویا و نمایان است. (۱) در نمونه ای دیگر، ابن رشد در پاسخ به ابوحامد غزالی که کتاب تهافت الفلاسفه را نگاشته بود، کتاب تهافت التهافت را نوشت. افزون بر آن کتاب دیگر او به نام هماهنگی میان دین و فلسفه (فصل المقال فی ما بین الحکمه و الشریعه من الاتصال) بر اساس همین نگرش نوشته شده است. هم چنین کوشش های سهروردی - شیخ اشراق - به حق یکی از بزرگ ترین جنبش های فلسفی در زمینه ی یگانگی عقل و دین است که رویکردی پویا دارد و اسیر آموزه های ارسطویی نگشته است. باید دانست هواداری از عقل به فلاسفه منحصر نبوده و در میان فقیهان و متکلمان و روشن اندیش نیز به طور جدی جریان داشته است.

هم چنین قرآن کریم با نکوهش هر گونه رهروی مقلدانه، مسلمانان را از دست یازیدن به هر کاری بدون پشتوانه ی خرد و اندیشه، بازداشته است:

ولا تقف ما لیس لک به علم. (۲)

از پی آن چه نمی دانی، مرو.

قرآن، پیروی کورکورانه و بی اندیشه را ویژگی نادانان و مشرکان می داند:

و اذ قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل لا نتبع ما القینا علیه ابائنا او لوکان

- ۱- ر.ک: شرح اصول کافی، ملاصدرا، تصحیح: محمد خواجهی، تهران ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۸۲ و صفحات دیگر به نقل از ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دنیانی، ج ۳، ص ۳۱۴.
- ۲- اسراء، ۳۶.

اباؤهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون. (۱)

چون به آنان گفته شود که از آن چه خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید، می گویند: نه، ما به همان راهی می رویم که پدرانمان می رفتند، حتی اگر پدرانشان بی خرد و گمراه بوده اند.

قرآن حتی در فراخوانی به دین حق، آدمیان را از پیروی مقلدانه باز می دارد و آنان را به کاوش محققانه رهنمون می سازد؛ زیرا تنها چنین رهیافتی را فضیلت می انگارد.

قرآن، نیک اندیشان و خردورزان را به کاوش در ژرفای حقیقت دین و شناخت گوهرهای درونی آن فرا می خواند و از آنان می خواهد که از پوسته ی دین بگذرند و به ژرف ترین لایه های آن دست یابند:

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم. (۲)

چرا کوچ نکنند از هر گروه از مردم، دسته ای تا در دین تفقه کنند و چون به سوی مردم خویش بازگردند، آنان را بیم ناک سازند.

این گونه است که امام صادق علیه السلام بنیان گذار مکتب جعفری آن چنان به این کوشش عالمانه اهمیت می دهد که در موقعیتی آرزو می کند کسی تازیانه بردارد و بر سر شاگردانش فرو کوبد تا در دین آگاه شوند و در فهم درست دین بکوشند. (۳)

۱- بقره، ۱۷۰.

۲- توبه، ۱۲۲.

۳- اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب ۱، فرض العلم و وجوب طلبه، حدیث ۸، ص ۳۶.

اسلام مانند مسیحیت نیست که خرد انسان را در تضاد با وحی خداوند بداند و آن را به حاشیه نشینی و عزلت‌گزینی وادارد. اندیشمندان مسلمان مانند روحانیان مسیحی هم چون پولس قدیس، والتیوس، تانیا، ترتولیان و پیتر دامیانی نیستند که حضور اندیشه‌ی بشری را به هیچ روی در حوزه‌ی اندیشه‌ی وحیانی برتابند و آن گاه که کسانی چون قدیس آگوستین و رامون لول و قدیس توماس اکویناس، آشتی عقل و دین مسیحی را طرح کنند، به چنان جزم اندیشی نابکارانه‌ی دچار شوند که اندک مخالفتی با آموزه‌های ارسطویی را با آتش و اعدام، جزا دهند و راه را بر جریان سیال عقل ببندند.

جریان تمدن ساز اسلام، عقل را چراغ راه آدمی و وسیله‌ی رسیدن به تعالی الهی می‌داند. اسلام همان گونه که بر حضور همیشگی عقل نقاد، پرسش‌گر و حقیقت‌جو، پافشاری می‌کند، از محدودیت گستره‌ی شناخت آن نیز آگاه است. جریان «خرد بَیِّنْدگی» را نمی‌پذیرد و نشان‌دن عقل بشری به جای وحی الهی را حرکتی نازا می‌پندارد که افق روشنی در پی ندارد. اسلام، راسیونالیسم و عقل محوری مطلق را تباه‌گر سعادت انسان‌ها می‌شناسد و ایجاد تقابل میان عقل و وحی را خیانت به آرمان‌های بشری می‌داند. در منطق اسلام، عقل و وحی مکمل یکدیگرند و همین پیوند، تمدن توحیدی، اشراقی و عقلانی اسلام را بنا گذارده و به پیشرفت آن در طول دوران‌های گذشته انجامیده است.

استاد مرتضی مطهری با اشاره به همین منطق می‌نویسد:

قرآن می‌گوید چشم‌ت را باز کن تا جمال مرا ببینی، گوشت را باز کن تا صدای مرا بشنوی، فکرت را باز کن تا حقایق مرا درک کنی؛ مذمت می‌کند آن‌هایی را که چشم و گوش و فکر خودشان را به کار نمی‌اندازند و یک

حالت تسلیم و تعبد احمقانه ای به خود می گیرند. (۱)

بنابراین، اسلام راستین و تشیع ناب، با اهمیت دادن به اجتهاد و کاوش های نوین، عقل روش مند را یکی از ارکان اصلی آن می شمارد. چنین اجتهادی، نیروی محرکه ی اسلام و عنصر ضروری دین و مذهب برای پاسخگویی به نیازهای بشری است. این گونه اجتهاد بر پایه ی به رسمیت شناختن عقل روشن مند انسانی و دست آوردهای اندیشه ی آدمی، بنا نهاده می شود، فراتر از ظاهر، به باطن می نگرد، فراتر از لفظ، معنا را در نظر دارد و با گذر از پوسته، بر هسته ی مرکزی دین دست می یابد. چنین اجتهادی، بر بینش دینی می افزاید و آن را فرا دست تعبد دینی می نشاند. این گونه اجتهاد از یک سو با واپس گرایی جمود، خشک مغزی و بی پرسش خواستن انسان ها به ستیز برمی خیزد و از سوی دیگر، با عقل خود بنیاد پر ادعا و آنارشسیسم فکری، مبارزه می کند. اجتهاد اسلامی با چنین ساختاری هیچ گاه در گذر زمان دچار سستی و کاستی نمی گردد و همواره توانایی پاسخی گویی به نیازهای جدید انسان را دارد. اجتهاد خردمدار اسلامی به دور از زمان زدگی و زمان گریزی، راه اعتدال؛ یعنی زمان آگاهی را در پیش می گیرد و با پویایی و پایداری به راه خویش ادامه می دهد.

۵_ پیوند دین و دنیا

۵_ پیوند دین و دنیا

برقراری توازن میان دین و دنیا یکی از مهم ترین آموزه هایی است که در شکل گیری و گسترش تمدن مسلمانان، نقش اساسی داشته است. اگر اسلام به

۱- اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، تهران، ۱۳۷۷، چ ۴، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

جدا انگاری دین و دنیا باور داشت و ساحت دینی را در تضاد با ساحت دنیوی می دید، نمی توانست تمدن شکوهمند و فراگیری در تاریخ حیات بشری رقم زند. اسلام، دینی است با آموزه هایی هم برای حیات خاکی و هم برای حیات ملکوتی آدمی که رستگاری او را در دنیا و آخرت فراهم می سازد. قرآن، با ارج نهادن به کار و تلاش در دنیا آن را مزرعه ی آخرت می انگارد. به همین دلیل، از انسان می خواهد که این چنین دست به دعا بردارد:

ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار. (۱)

از دیدگاه اسلام، دنیا به طور ذاتی، ناپسند و پلید نیست، بلکه ابزاری است برای رسیدن به هدف نهایی؛ یعنی تکامل انسان ها و دست یابی به قرب الهی. منظور از نکوهش دنیا در آیات و روایات نیز نه آفرینش دنیا، بلکه نکوهش بینشی است که دنیای غایی را جای گزین دنیای ابزاری می سازد و جایگاه هدف و وسیله را دگرگون می کند. در سیره ی پیشوایان دینی به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می بینیم که با جدیت به کار و کوشش دنیایی روی می آوردند؛ خود چاه می کنند، کشاورزی و باغبانی می کردند، به بازرگانی می پرداختند و پست های دنیوی را عهده دار می شدند. اینان این کارها را نه بدان جهت که لازمه ی زندگی است، بلکه چون فریضه ای دینی است به جای می آورند.

برای نمونه، پیامبر هنگامی که شنید گروهی از یارانش از زنان خویش دوری کرده و در کنج عزلت به عبادت پرداخته اند، آنان را بسیار سرزنش کرد. هم چنین هنگامی که «علاء بن زیاد» نزد علی علیه السلام از برادرش، عاصم به دلیل

دوری گزیدن از دنیا شکایت برد، آن حضرت، عاصم را فراخواند و فرمود:

يا عُدَيِّ نَفْسِه، لَقَدْ اسْتَهَامَ بَكَ الْخَيْثُ، اَمَّا رَحْمَتُ اَهْلِكَ وِ وَلَدِكَ؟ اَتَرَى اللّٰهَ اَحْلَ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وِ هُوَ يَكْرَهُ اَنْ تَأْخُذَهَا؟ اَنْتَ اِهْوَنَ عَلٰى اللّٰهِ مِنْ ذٰلِكَ. (۱)

ای دشمن حقیر خویش، شیطان ناپاک می خواهد تو را گمراه کند. آیا به زن و فرزندت ترحم نمی کنی؟ می پنداری خداوند، چیزهای نیکو و پاکیزه را بر تو حلال کرده است، ولی نمی خواهی از آن ها بهره مند گردی؟ تو نزد خدا از آن چه می پنداری، پست تر هستی.

ایشان آن گاه که دنیا نکوهی فردی را شنید، وی را ملامت کرد و فرمود:

ای کسی که دنیا را نکوهش می کنی، حال آن که خود فریفته ی نیرنگ هایش هستی و به دروغ هایش دل باخته ای! آیا هم فریفته ی دنیا هستی و هم آن را نکوهش می کنی؟

آیا تو او را گناه کار می شماری یا او تو را گناه کار می شمارد؟ این دنیا از چه وقت عقل از سرت ربود و سرگردانت ساخت؟ از کی فریبت داد؟... دنیا برای کسی که گفتارش را راست انگارد، سرای راستی و برای کسی که حقیقت را دریابد، سرای عافیت است و برای کسی که از آن برای آخرتش توشه بگیرد، سرای توانگری و برای کسی که از آن پند پذیرد، سرای اندرز و موعظه است. (۲)

پس به این نتیجه می رسیم که اسلام تکامل یافته ترین دین الهی است که می تواند پاسخ گوی همه ی نیازهای آدمی باشد. این مکتب با برخورداری از نظام اخلاقی، اجتماعی و سیاسی توان مند، همه ی جنبه های زندگی انسان را فرا

۱- نهج البلاغه، برگردان: عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۱۶ _ ۲۱۷؛ نهج البلاغه، برگردان: محمد علی انصاری قمی، صص ۵۹ _ ۵۹۱، خ ۲۰۰.

۲- نهج البلاغه، برگردان عبدالمحمد آیتی، ج ۲، حکمت ۱۲۶، ص ۳۸۰ تا ۳۸۱.

گرفته است. بنابراین، همان گونه که برای اخلاقیات و وجدانیات آدمی برنامه دارد، برای زندگی اجتماعی و سیاسی او نیز برنامه ریزی کرده است.

۶_ نخبگان

۶_ نخبگان

در شکوفایی فرهنگ ها و تمدن ها افزون بر عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، باید جنبه های اثرگذاری شخصیت های پر نفوذ تاریخی را در نظر گرفت. در واقع، نخبگانی که بر فراز رویدادها قرار می گیرند، خود پدیده آفرین و تاریخ سازند. هر چند اینان بر بستری از شرایط محیطی رشد می یابند، ولی حرکت و تحول آفرینی شان بیشتر مرهون شخصیت و نبوغ درونی آنان است.

چنین فرهیختگانی همواره در سه عرصه ی دانش و اندیشه علم، فرهنگ و هنر و اجتماع و سیاست حضور داشته و توانسته اند با بهره گیری از ویژگی ها و توانایی های ذاتی و منحصر به فرد خود، سیر حرکت تاریخ و یا جنبه ای از جنبه های آن را دگرگون سازند و به تکاپو وا دارند. ارزش این فرزنانگان بدان دلیل است که خود تولید کننده ی فکر، مبتکر عمل و ابداع گر عرصه ای از عرصه های فن و صنعت اند. آن چه این مسأله را در تمدن مسلمانان به صورت ویژه ای پررنگ می نمایاند در آمیختن هر سه ساحت نخبگی در سیمای نخبگان مسلمان است؛ زیرا اسلام به دلیل ساخت وحدت گرایانه اش، بذره های چنین نخبه پروری را در اصول خود رویانده است. افزون بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام که سلسله دار علم و معرفت و حکمتند، باید به فرزنانگانی هم چون: ابن سینا، ابوریحان بیرونی، محمد بن زکریای رازی،

فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، قطب الدین شیرازی، ملاصدرا، شیخ بهایی، ابن رشد اندلسی و... اشاره کرد که جامع علوم بوده اند. هم چنین بزرگانی مانند: خوارزمی، ابن هیثم، ابو عبدالله ادیسی ابو عبدالله تپانی، غیاث الدین جمشید کاشانی، ابو حامد غزالی، مسعودی، جابر بن حیان، ابن خلدون، منتبلی، سیوطی، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، علامه حلی، شیخ انصاری، امام خمینی، علامه طباطبایی محمد بن ادیس شافعی، مالک بن انس، سید حمیری، ابو نواس، فرزدق، فردوسی، نظامی، حافظ، سعدی، و مولوی و... بوده اند که هر یک در یک یا چند زمینه از علوم و فنون سرآمدند.

۷_ یکپارچگی اجتماعی

۷_ یکپارچگی اجتماعی

هم بستگی و یکپارچگی از مفاهیمی هستند که بشر همواره در پی رسیدن به آن ها بوده است. با کاوش در پیش زمینه های رخ دادن جنگ ها و ستیزهای جهان در گذشته و حال در خواهیم یافت که بیشتر این جدال های خونی برای دست یابی به گونه ای هم شکلی، یک رایی و یگانگی البته از نوع جبارانه و اقتدارگرایانه اش بوده است. سیاست اصلاح نژادی هیتلر در آلمان و چنگ اندازی های او به سرزمین های دیگر، نمونه ای گویا و عبرت آموز از این موضوع است. حال اگر از این نمونه های دهشت انگیز بگذریم، باید بپذیریم که انسان بر اساس فطرت خود، هماهنگی و همبستگی با دیگران، نیاز و تمایلی جدی دارد و همواره باید برای تحکیم آن گام بردارد. از نظر جامعه شناختی، یکی از زمینه های اجتماعی دین، احساس نیاز به همگرایی و وحدت است که دین با بهترین روش و نیرومندترین ابزار، آن را به انجام می رساند و پدیده ی ملت ها

را به وجود می آورد. هر قدر ملتی اتحاد و یکپارچگی بهتری داشته و از قدرت بسیج گری بیشتری بهره مند باشند، پایداری شان افزون تر خواهد بود.

اسلام به عنوان خاتم ادیان می بایست در به هم پیوستگی انسان ها و از بین بردن جدایی ها، نقش پر رنگی داشته باشد تا بتواند با پی ریزی بنیاد تمدن، به حرکت تمدن ساز خود، غنا، شتاب و جهش ببخشد.

به طور کلی، هر تمدن جهان گستره در سایه ی هم رأیی هم دلی و یگانگی در ساخت سیاسی پدید آمده است. اثر گذاری اسلام بر پیوند و همبستگی مسلمانان نیز در دو زمینه قابل بررسی است؛ نخست رهیافت وحدت گرایانه و انسجام بخش در ساختار دینی اسلام است. خدای واحد، بزرگ ترین آموزه ی اساسی اسلام است که همه چیز بر محور آن به گردش در می آیند. همه ی اشیاء در پرتو یگانگی او وجود یافته اند و همین یگانگی را با زیباترین نوا و پرطنین ترین ندا، بازتاب می دهند. اشیاء در عین کثرت در پوششی از وحدت ذاتی، پیچیده شده اند و بر زورقی از یگانگی سوارند و همه ی دانش ها، فن ها، پدیده ها و ساخته ها، این وحدانیت ناب را واگویه می کنند. این وحدت گرایی در مبدأ و مقصد، دل را از شرک تهی می سازد. و انسجامی متعالی و نیرومند در اجزای سازنده ی تمدن جاری می کند.

جنبه ی دیگر وحدت گرایی اسلام در آموزه های آن نهفته است. بر این اساس، آن گاه که اسلام جلوه گر شد، وحدتی نوین در میان اعراب و دیگر مسلمانان پدید آورد بر پایه ی بینشی پیشرو و متعالی، رشته ی انسجام آنان را محکم تر ساخت.

در آموزه های حیات بخش اسلام، پافشاری بر اتحاد بر محور ایمان و برادری به خوبی آشکار است:

و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذكرو نعمه الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمه اخوانا و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها. (۱)

همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و از یکدیگر جدا نشوید. بیاد آورید نعمت های خدا را بر خودتان و در آن زمانی که با هم دشمن بودید و میان قلب های شما، الفت برقرار ساخت و به موهبت آن، با یکدیگر برادر گشتید، حال آن که بر لب پرتگاهی از آتش بودید و شما را از آن برهانید.

یا:

واطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم و اصبروا ان الله مع الصابرين. (۲)

از خدا و پیامبرش فرمان برید. هیچ گاه با هم نزاع و اختلاف نکنید؛ زیرا ناتوان خواهید شد و عزت و آسایش تان از بین خواهد رفت. شکبیا باشید که خدا با صبر کنندگان است.

۱- آل عمران، ۱۰۳.

۲- انفال، ۴۶.

بخش چهارم: قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

اشاره

بخش چهارم: قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

اشاره

قلمرو فرهنگی تمدن مسلمانان

به یقین، حرکت پر شتاب دانش و فرهنگ اسلامی و اوج گرفتن تمدن مسلمانان مدیون ساختار درونی این دین آسمانی _ زمینی است. دست آوردهای علوم و فنون مسلمانان همه از دولت قرآن و فروغ دامن گستر آن بوده؛ زیرا قرآن، بازتاب اصیل اندیشه ی اسلامی است و همه ی شاخه های گوناگون علوم و فنون مسلمانان از این آبشخور سیراب می گردند. باید دانست سخن گفتن از تلاش های علمی، فنی و هنری مسلمانان به معنای اسلامی بودن و تأیید آن از سوی اسلام نیست. هدف ما نیز تبیین و تشریح کوشش های پی گیر جامعه ی اسلامی برای گسترش علوم و فنون با نگاه به ماهیت اسلامی آن هاست. و هر جا که این حرکت ها با روح کلی قوانین اسلام، هم خوانی ندارد، یادآوری خواهیم کرد. هم چنین به بازخوانی نقش ایرانیان در تمدن اسلامی خواهیم پرداخت.

الف _ علوم دینی

اشاره

الف _ علوم دینی

زیر فصل ها

۱ _ قرائت

۲ - تفسیر

۳ _ حدیث

۴ _ رجال و درایه

۵ _ فقه و حقوق

۶ _ اصول فقه

۱ _ قرائت

از میان علوم اسلامی، نخستین دانشی که تکوین یافت، علم قرائت و پس از آن تفسیر بود. علم قرائت به بیان اصول و قواعد وقف، وصل، مد، تشدید، ادغام و شکل های گوناگون برخی واژه های قرآن می پردازد. (۱) صحابه، قرآن را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تابعین از صحابه آموختند. نخستین کسی که درباره ی علم قرائت، کتاب نگاشت، حمزه بن حبیب بود. وی شیعه است و از قراء سبعة

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۴۰۰.

به شمار می رود. نخستین کسی که قرآن را گردآوری کرد و نوشت، امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود. نخستین کسی که قرآن را نقطه گذاری کرد، ابوالاسود دوئلی از اصحاب امام علی علیه السلام بود. و نخستین کس که در علم قرائت، کتاب تدوین کرد، ابان بن تغلب بود. نگارش نخستین کتاب مجازات قرآن نیز به دست فراء نحوی؛ دانشمند شیعی و ایرانی انجام گرفت.

۲ - تفسیر

۲ - تفسیر

پس از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مردم رفته رفته از دوران نزول قرآن، دور می شدند و نیز مردمی از اقوام دیگر به اسلام می گرویدند که زبان مادری آنان عربی نبود. همین دو مسأله سبب گردید مسلمانان برای فهم معانی قرآن، بیشتر بکوشند و با ژرف نگری در آن، به پیشرفت شایانی در علم تفسیر دست یابند. امیرمؤمنان علی علیه السلام پیش گام علم تفسیر است و مفسران بزرگی هم چون عبدالله بن عباس و ابن مسعود، افتخار شاگردی او را داشته اند. برخلاف نظر کسانی مانند جرجی زیدان که پیشینه ی نگارش کتاب های تفسیری را به اواخر قرن نخست هجری می رساند(۱)، ابن عباس، ابی بن کعب، جابر بن عبدالله انصاری و سعید بن جبیر از نگارندگان کتاب های تفسیری بوده اند. که در ابتدای قرن اول می زیسته اند. در میان تابعین نیز افراد زیر در کار نگارش تفسیر دست داشتند:

۱- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، برگردان: علی جواهر کلام، تهران انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، چ ۸، ص ۴۶۷.

اسماعیل سری، مجاهد، قتاده، مقاتل، کلبی، سبعی، اعمش، ثوری، زهری، عکرمه، ابو حمزه ثمالی، فراء، ابوبصیر اسدی، یونس بن عبدالرحمان، حسین بن سعید اهوازی، علی بن مهزیار، محمد بن خالد برقی، فضل بن شاذان و... .

۳_ حدیث

۳_ حدیث

حدیث، دومین منبع علوم اسلامی است که از قول و فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام حکایت می کند. با پراکنده شدن اصحاب در سرزمین های گوناگون، احادیث پیامبر نیز در آن مناطق منتشر گشت. در این میان، هر کس می خواست حدیثی بر گنجینه ی احادیث خود بیافزاید می بایست به مناطق دور و نزدیک سفر می کرد. تشنگان علم و حدیث نیز رنج سفر را به جان می خریدند و از خرمن معرفت نبوی، خوشه می چیدند.

اهل سنت به دلیل نهی خلیفه ی دوم و وجود برخی روایات نادرست و جعلی، تا مدت یک قرن از تدوین حدیث خودداری می کردند. تا آن که عمر بن عبدالعزیز _ از نوادگان دختری خلیفه ی دوم _ این سنت را شکست. در مقابل، شیعیان از همان آغاز به کار تدوین و کتابت حدیث همت گماشتند و در این راه، پیش گام بودند.

سعید بن عروبه (م ۱۵۶ ه. ق) و ربیع بن صبیح (م ۱۶ ه. ق) نخستین دانشمندان اهل تسنن بودند که به تدوین حدیث پرداختند در میان شیعیان نیز اولین و دومین کتاب حدیثی به علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام منتسب است.

۴_ رجال و درایه

۴_ رجال و درایه

این دو رشته ی علمی با هدف پاس داشت حریم احادیث و روایات

معصومین علیهم السلام از گزند دروغ پردازان، جاعلان و مغرضان بنا نهاده شده است. ابو محمد عبدالله بن جبله بن حیان بن ابهر کنانی (م ۲۱۹ ق) نخستین کسی است (۱) که در علم رجال کتاب نوشت. افزون بر وی باید از افراد زیر نیز نام برد؛ شعبه (م ۲۶۰ ق) کاتب واقدی (م ۲۳۰)، ابوالقاسم کوفی، ابن فضال، ابو عبدالله برقی، اسکانی، سیرافی، ابن غضائری، عقیقی و ابن داود.

کتاب های رجالی معتبر نیز بدین قرار است. رجال کشی، رجال نجاشی، رجال و فهرست شیخ طوسی، جامع المقال طریحی کشف المقال فی معرفه الرجال علامه حلی، معالم العلماء ابن شهر آشوب، تنقیح المقال مامقانی، منتهی المقال حائری، جامع الرواه اردبیلی، خلاصه الاقوال علامه ی حلی، اسدالغابه ابن اثیر، استیعاب قرطبی، الاصابه ابن حجر.

علم درایه عبارت است از: شناخت حدیث از نظر متن و سند و تمیز دادن درستی و نادرستی حدیث. ابو عبدالله حاکم نیشابوری نخستین نگارنده ی کتاب در علم درایه است. (۲) به جز او از کسانی مانند: احمد بن موسی بن طاوس، شهید ثانی، پدر شیخ بهایی، شیخ بهایی، مامقانی و شیخ حسن صاحب معالم می توان نام برد.

۵_ فقه و حقوق

۵_ فقه و حقوق

فقه عبارت است از: استخراج و استنباط احکام شرعی از قرآن، سنت، اجماع و عقل. طبیعت قانون گذاری، جعل احکام کلی است و چون دین

۱- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، تهران، منشورات اعلمی، ص ۲۳۳.

۲- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، تهران، منشورات اعلمی، ص ۲۹۴.

اسلام، ابدی بوده و قوانین آن برای همیشه وضع شده است، در تاریخ تدوین فقه اسلامی به دو دوره بر می خوریم:

۱_ دوره ی تشریح و قانون گذاری

۲_ دوره ی تفریح و بیان فروع و مصادیق و تطبیق قانون بر موارد. (۱)

فقه اسلامی همبستگی و هم گرایی فوق العاده ای با اخلاق دارد و همین مسأله، آن را از قوانین بشری، متمایز می سازد. مسلمانان از همان قرن نخست، به اجتهاد دست یازیدند و همین مسأله به پویایی قوانین اسلامی انجامیده و به پاسخ گو بودن آن در برابر نیازهای بشری کمک کرده است. تدوین فقه در میان شیعه و اهل سنت از همان دوره ی تشریح آغاز گشت. به باور اهل تسنن، نخستین مسلمانی که اجتهاد کرد، معاذ بن جبل، صحابی رسول خداست. (۲) نخستین کتاب فقهی شیعه را علی بن ابی رافع در عصر علی علیه السلام نگاشته است. هم چنین نخستین آموزگار شریعت که به طور گسترده به طرح فقه و حقوق اسلامی پرداخت، امام جعفر صادق علیه السلام است.

۶_ اصول فقه

۶_ اصول فقه

اصول فقه به تبیین قوانینی برای استنباط حکم شرعی و تفریح آن ها می پردازد و از اصول لفظیه و عقلیه تشکیل شده است.

از دیرباز تا کنون، آثار گران بهایی در علم اصول پدید آمده است که برخی کتاب های اصولی شیعه بدین قرار است: الالفاظ و مباحثها (هشام بن حکم)

۱- ادوار فقه، محمود شهابی خراسانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، چ ۲، ج ۱، ص ۴۴.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۲۴.

اختلاف الحدیث و مسأله (یونس بن عبدالرحمان)، الخصوص و العموم (ابوسهل نوبختی)، الذریعه الی اصول الشریعه (سید مرتضی علم الهدی)، عده الاصول (شیخ طوسی)، تهذیب الاصول (علامه حلی)، معارج الوصول (محقق حلی)، ضوابط الاصول (سید ابراهیم موسوی قزوینی)، عناوین الاصول (میر عبدالفتاح مراغی نجفی)، اشارات الاصول (حاج محمد ابراهیم کلباسی)، فصول (شیخ محمد حسین اصفهانی)، بدایع الافکار (میرزا حبیب الله رشتی)، قوانین الاصول (میرزا ابوالقاسم قمی)، فرائد الاصول (شیخ مرتضی انصاری)، کفایه الاصول (آخوند خراسانی)، تقریرات اصول (میرزای نائینی)، مقالات الاصول (آقا ضیاء عراقی)، اصول الفقه (شیخ محمد رضا مظفر)، تهذیب الاصول (امام خمینی «ره»).

ب _ علوم ادبی

ب _ علوم ادبی

۱ _ ادبیات: قرآن کریم از جنبه ی ادبی نیز در بالاترین سطح قرار دارد و بیشترین تأثیر را بر ادبیات اسلامی و ایرانی بر جای نهاده است. ایرانیان پس از پذیرش اسلام، چنان با قرآن کریم انس گرفتند که در همه ی آثار خویش از مفاهیم آن بهره گرفتند و در بالندگی و رشد ادبیات عربی و ادبیات فارسی، نقشی بسزا ایفا کردند. برخی رشته های ادبی که در تمدن مسلمانان شکوفا گردید، عبارت است از: ادبیات قرآنی، ادبیات حدیثی، ادبیات نهج البلاغه، ادبیات علوم و منظومه های علمی. البته دانش های ادبی که نخست به عنوان مقدمه برای شناخت دیگر معارف پدید آمده اند، ولی بعد استقلال موضوعی یافته اند، عبارت اند از: لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بدیع، بیان، انشاء، نقد النثر، عروض قافیه، خطاب، خط، و تاریخ ادبیات.

اینک از برخی نحوین مسلمان که ایرانی نیز هستند، نام می بریم: یونس بن حبیب (م ۱۸۳ ق)، ابو عبیده معمر بن مثنی (م ۲۱۰)، سعدان بن مبارک، ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر، معروف به سیویه (م ۱۸۰ ق)، سعید بن مسعده، معروف به اخفش یا اخفش اوسط (م ۲۱۵ یا ۲۲۱ ق)، علی بن حمزه کسایی (م ۲۰۰ ق)، فراء و محمد بن قاسم انباری، معروف به ابن الانباری.

۲ _ شعر: اسلام خصایل پسندیده و استعدادها و توانایی های مردمان را به کناری نهاد، بلکه بدان غنا و تعهد بخشید و جهت داد. شعر نیز که همدم همیشگی قوم عرب بود، از این قاعده مستثنی نبود. شعر اسلامی از نظر واژگان، زاویه ی دید، تخیل، تعبیر، تنوع، ابداع و دیگر عناصر فنی، بسیار غنی است، به گونه ای که کمتر احساس و ساختاری را می توان یافت که شعر اسلامی از آن برخوردار نباشد. نباید پنداشت که همه ی شاعران مسلمانان این گونه بوده اند، بلکه منظور آن است که ساختار اصلی شعر مسلمانان چنین ویژگی هایی دارد. از شاعران بزرگ اسلامی به این افراد می توان اشاره کرد: حسان بن ثابت، فرزدق، دعبل خزاعی، سید حمیری، کمیت بن زید اسدی، سید رضی، کعب بن زهیر، ابن فارض، ابو علاء معزی، رودکی، کسائی مروزی، سنایی، فردوسی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، خاقانی، امامی هروی، فخرالدین عراقی، سلمان ساوجی، خواجوی کرمانی، سعید هروی، رکن الدین وعدیدار قمی، حافظ شیرازی، مولوی، سعدی، عبدالرحمان جامی، شاه نعمت الله ولی، محتشم کاشانی، شیخ بهایی، صائب، قآنی، عارف قزوینی، محمد تقی بهار، محمد حسین شهریار، نیما یوشیج، سلمان هراتی، سهراب سپهری.

تاکنون بسیاری از دیوان‌های شعر شاعران مسلمان به زبان‌های زنده‌ی دنیا برگردانده شده است. (۱)

۳ _ داستان نویسی: در فرهنگ اسلامی، گروهی از ادیبان، نویسندگان و حتی فیلسوفان و عالمان اخلاق به نوشتن قصه‌های ادبی، فلسفی، تاریخی و اخلاقی پرداخته یا با برگرداندن برخی قصه‌ها به زبان خویش، قالبی گیرا و جذاب بدان بخشیده‌اند. داستان‌های بن‌یقظان نوشته‌ی ابن طفیل اندلسی _ فیلسوف معروف _ نیز یکی از مهم‌ترین داستان‌های اثرگذار مسلمانان است. این داستان که باری فلسفی و درون‌مایه‌ای الهی دارد، تاکنون به بیش از ۱۴ زبان زنده‌ی دنیا برگردانده شده است و با اثرگذاری بر ادبیات داستانی و سینمای جهان غرب، از نظر فن داستان‌نویسی نیز جایگاه ارزنده‌ای دارد. (۲) از دیگر داستان‌های اسلامی باید به الغریبه الغریبه و عقل سرخ از سهروردی، سلامان و ابدال از حنین ابن اسحاق و ابن سینا، رساله الطیر از ابن سینا و محمد غزالی، بلوهر و بوداسف از شیخ صدوق و علامه مجلسی اشاره کرد.

ج _ علوم عقلی و عرفانی

اشاره

ج _ علوم عقلی و عرفانی

زیر فصل‌ها

۱ _ کلام

۲ _ فلسفه

۳ _ عرفان و تصوف

۱ _ کلام

۱ _ کلام

کلام دانش اصیل اسلامی است که به شناخت استدلالی و فلسفی مبانی دین می‌پردازد. متکلمان اسلامی در سه گروه بزرگ جای می‌گیرند: متکلمان

۱- دانش مسلمین، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۲- حی بن یقظان، فاروق سعد، صص ۲۸ _ ۳۰، به نقل از دانش مسلمین، صص ۲۲۴.

شیعی، معتزلی و اشعری. برخی مسایل علم کلام عبارت است از: وجود و عدم، امکان و امتناع، ضرورت و امکان، قدم و حدوث، وحدت و کثرت، مجرد نفس، اثبات صانع، صفات صانع، حسن و قبح عقلی، قضا و قدر، عصمت نبی، وجوب نصب امام، معاد جسمانی، حقیقت ثواب و عقاب، آمرزش، شفاعت، توبه، قبر، میزان، صراط و...

علم کلام در جدال با فلسفه، رشد فزاینده ای یافته و در این مبارزه، دست آوردهایی داشته است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام را باید نخستین کسی دانست که با تجزیه و تحلیل مسایل عقلی اسلامی، قدم و حدوث، متناهی و غیر متناهی و جبر و اختیار و مانند این ها را مطرح ساخت. (۱)

از متکلمان نامدار شیعه باید به این افراد اشاره کرد: علی بن اسماعیل بن میثم تمار که او را نخستین نگارنده ی کتاب های کلامی دانسته اند. (۲) عیسی بن روضه، معاصر منصور دوانیقی بود که نویسنده ی «تأسیس الشیعه» او را نخستین نگارنده ی کتاب های کلام معرفی کرده است. (۳) هشام بن حکم از اصحاب امام صادق علیه السلام، هشام بن سالم، مؤمن الطاق، قیس بن ماصر، محمد بن خلیل

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۶۱، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زین العابدین قربانی، ص ۱۳۷.

۲- الفهرست لابن الندیم، تحقیق: شعبان خلیفه و ولید محمد العوزه، قاهره، العربی لنشر و التوزیع، ۱۹۹۱ م، جلد اول، ص ۳۶۴.

۳- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۵۰.

سکاک، (۱) آل نوبخت (فضل بن ابوسهل بن نوبخت، اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت و پسرش اسماعیل که همه ایرانی بودند)، فضل بن شاذان نیشابوری، عبدالرحمان بن احمد بن حبرویه، محمد بن عبدالله بن ملک جرجانی اصفهانی، شیخ ابوالقاسم رازی، ابوجعفر ابن قبه ی رازی، ابوالحسن محمد بن بشر سوسنگردی، شیخ مفید، سید مرتضی، ابن میثم حرانی، ابوعلی بن مسکویه رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، علامه ی طباطبایی، شهید مطهری.

از متکلمان اهل سنت (اشعری و معتزلی) نیز باید این افراد را نام برد: حسن بصری، واصل بن عطا (بنیان گذار معتزله م ۱۳۱ ه. ق) ابوالهدیل علاف (م ۲۲۶ یا ۲۳۵ ه. ق) از متکلمان معروف معتزله و ابراهیم بن سيار نظام (م ۲۲۱ ه. ق).

۲_ فلسفه

۲_ فلسفه

منظور از فلسفه ی اسلامی، ساختارهای جهان بینی و جهان شناسی چند گانه ای است که در دامان فرهنگ اسلامی، پدید آمده و قوام یافته اند. (۲) فلسفه به مفهوم متعارف آن، نخستین بار با ترجمه ی کتاب های یونانیان و احیانا هندیان آغاز گشت و فلسفه ی اسلامی از آن مایه گرفته است. با این حال، فلسفه در دستان دانشوران مسلمان، شکلی دیگر یافته و در دامان فکر و معرفت اسلامی بالیده است. بنابراین، فلسفه ی اسلامی همان فلسفه ی یونانی نیست، بلکه فلسفه ی اصیل اسلامی است. باید دانست مراد ما از فلسفه ی

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۳۲.

۲- دانش مسلمین، ص ۲۵۸.

اسلامی این است که مسلمانان آن را با اصول اسلامی هم آهنگ دیده و پذیرفته اند. در این میان، باید به جریان‌هایی هم چون مکتب تفکیک اشاره کرد که منکر هم آهنگی کامل جریان‌های فکری و فلسفی با معارف صرف قرآنی هستند. (۱)

برآیند جریان‌های فلسفی را در سه مکتب مشایی، اشراقی و متعالیه می‌توان دید که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱ _ نظام مشائی: منتسب به ارسطو است و پس از بحث و بررسی در مسایل علم منطق و روش‌شناسی، وارد مسایل فلسفی می‌شوند. برخی مسایل آن عبارتند از: چگونگی تحقق و تکوّن جسم، اثبات هیولا، محال بودن خلاء، احکام کلی جسم، صفات عناصر، ماهیت و جوهر، مبدأ حرکت، اقسام عقل، رابطه‌ی علم کلی با نفس مجرد، واجب الوجود و صفات آن، صنع و ابداع، حقیقت زمان، صورت عقلی.

ابونصر فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی از جمله بزرگان فلسفه مشائی اسلامی هستند.

۲ _ نظام اشراقی: منتسب به شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق است. برخی مسایل آن عبارت است از: شناخت نورالانوار، مبادی وجود انوار قاهره، کیفیت فعل نورالانوار و انوار قاهره، اصالت انوار، صفات نفس، نفی تناسخ، اثبات معاد، تأثیر علویات در عالم، سیر کمالی نفس، شر و شقاوت.

۳_ حکمت متعالیه: منتسب به صدرالدین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰) معروف به صدرالمألهین یا ملاصدرا است. این مکتب که بر پایه ی اصالت وجود بنا شده است، می کوشد علوم الهی را در کسوت حکمت بحثی و نظری و حقایق کشفی را با بیان و اصطلاحات تعلیمی، عرضه دارد. کتاب اسفار ملا صدرا، بزرگ ترین منبع این مکتب است که ۴ سفر (حرکت عقلی) زیر را در بر می گیرد:

سفر اول: امور عامه

سفر دوم: علوم طبیعی

سفر سوم: علوم الهی

سفر چهارم: علم نفس و شناخت آن

می توان گفت همه ی فیلسوفان پس از ملاصدرا، از شارحان و وام داران مکتب اویند.

در همین جا باید به فلسفه ی سیاسی اشاره ای داشته باشیم. فلسفه ی سیاسی بخشی از فلسفه است ولی به دلیل اهمیت اساسی و نقش برجسته اش به چند شاخه دسته بندی می شود:

الف _ فلسفه ی سیاسی فلسفی: فلاسفه آن را پی نهاده اند و آراء اهل المدینه الفاضله (فارابی) سیاسیات شفا (ابن سینا)، تدبیر المتوحد (ابن ماجه) از نمونه های آن به شمار می رود.

ب _ فلسفه ی سیاسی کلامی: متکلمان آن را عرضه داشته و بحث های مفصلی درباره ی امامت و سیاست ارایه کرده اند. نمونه های این مکتب را در این کتاب ها می توان جست: الشافی فی الامامه (سید مرتضی علم الهدی)،

تجريد العقائد (خواجه نصير طوسى)، التمهيد (قاضى ابوبكر باقلانى)، الارشاد (امام بحرینى جوينى)، المغنى (قاضى عبدالجبار همدانى).

ج - فلسفه ی سیاسى فقهى: فقیهان مسلمان در باب حکومت، فلسفه سیاسى فقهى را ارایه کرده اند. تنبیه الامه از آیت الله نایبى و ولایت فقیه از امام خمینى رحمه الله، نمونه های برجسته ی این نظام فکرى به شمار می رود.

د - فلسفه ی سیاسى اجتماعى: این شاخه را اصلاح گران و متفکران مسلمان، مطرح کرده اند و از میان چهره های برجسته ی این اندیشه، جدای از این که نظراتشان اسلامى یا غیر صحیح است، باید به سید جمال الدین اسدآبادى، سید عبدالرحمان کواکبى، شیخ محمد عبده، رفاعه رافع الطهطاوى، محمد اقبال لاهورى، شیخ محمد خیابانى، سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، شهید مطهرى، شهید بهشتى، دکتر علمى شریعتى، مهندس مهدى بارزگان، محمد رضا حکیمى، امام خمینى و ... اشاره کرد

ه - فلسفه ی تاریخ: ابن خلدون، بنیان گذار آن است. گفتنى است باید میان واکنش های شیعه و سنى نسبت به فلسفه، تمایز قایل شویم، اهل تسنن پس از ابن رشد، فلسفه را به کنار نهاد و جز اندکی بدان پرداخت، ولی فلسفه در جهان تشیع در طول قرن های متمادى به عنوان سنتى زنده، تدریس می شد. ظهور ملاصدرا پس از زمانى است که آن را پایان مرحله ی بارورى فلسفه ی اسلامى خوانده اند. (۱)

۳ - عرفان و تصوف

۳ - عرفان و تصوف

عرفان و تصوف از دیرباز اختلاف برانگیز ظاهر شده است. عارفان افزون بر این که یک طبقه ی فرهنگی هستند، یک طبقه ی اجتماعی نیز به شمار می روند و با وجود آن که در فرقه ها و مذهب های گوناگون اسلامی، ریشه دوانده اند از هم شکلی و همبستگی ویژه ای برخوردارند. باید دانست منظور کنونی ما، جریان رسمی و سازمان یافته ی تصوف و عرفان است که با در آمدن در قالب های مشخصی تاکنون ادامه یافته و در عرصه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اثر بسزایی بر جای گذاشته است. گفتنی است در میان گروه های گوناگون اجتماعی، انسان هایی را می توان یافت که به غایت زهد پیشه و پرواگر بوده و هستند، ولی در شکل و شمایل هیچ یک از گروه های تصوف در نیامده اند و البته همین روش با حقیقت عرفان هم خوانی بیشتری دارد. درباره ی نسبت اسلام با تصوف و تشیع با تصوف، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد. گروهی، تصوف را برگرفته از منابع ایرانی و گروهی دیگر از منابع هندی به شمار می آورند. البته بسیاری بر سرشت اصیل اسلامی آن تأکید دارند، هر چند آن را از آموزه های ایرانی یا هندی تهی نمی دانند. (۱)

د _ علوم آموزشی

اشاره

د _ علوم آموزشی

زیر فصل ها

۱ _ مدرسه ها

۲ _ کتاب خانه ها

۱- برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اسلام، دین و امت، صص ۲۳۱ _ ۲۴۰؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۵۷۳ _ ۵۷۴.

۱_ مدرسه ها**۱_ مدرسه ها**

در فرهنگ اسلامی، آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بر ارجمندی پایگاه دانش و برتری مقام دانشمندان دلالت دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را باید نخستین آموزگار و مربی امت اسلام و بنیان گذار راستین آموزش در اسلام دانست. (۱) پس از ایشان نیز تلاش های علی علیه السلام، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس تابعین در آموزش آموزه های اسلامی، نقش بسزایی داشت. مسجد نخستین پایگاه آموزشی مسلمانان است که در طول تاریخ تمدن مسلمانان، کانون پویایی و شکوفایی علمی بوده اند. مسجد نبوی، مسجد الحرام، مسجد جامع بصره، کوفه، فسطاط، مسجد الاقصی، جامع اموی دمشق، زیتونه در تونس، جامع قیروان، جامع منصور در بغداد، جامع قرطبه، جامع خاس، جامع ابن طولون، بارگاه علی علیه السلام در نجف، از مراکز مهم آموزش در طول تاریخ مسلمانان به شمار می آیند. افزون بر مساجد، باید از مکاتب خانگی یا بادیه ای و نیز آموزش ابتدایی در کاخ ها و خانه های دانشمندان نیز نام برد. (۲)

۲_ کتاب خانه ها**اشاره****۲_ کتاب خانه ها**

۱- تاریخ دانش گاه های بزرگ اسلامی، ص ۵۲.

۲- تاریخ آموزش در اسلام، صص ۴۰ _ ۹۸.

مسلمانان از همان آغاز با الهام از قران و احادیث به تدوین و نگارش علوم اسلامی پرداختند و در این راه، گام بلندی برداشتند. مسأله ای که برخی خاورشناسان هم چون جرجی زیدان درباره ی ممنوعیت نگارش و تدوین در زمان خلفای راشدین گفته اند،^(۱) اشتباهی آشکار است. حقیقت موضوع، تنها ممنوعیت خروج صحابه از مدینه و نوشتن احادیث نبوی در زمان خلیفه ی دوم بوده است، نه بازداشتن از هر گونه نگارش آن هم در زمان همه ی خلفای راشدین.^(۲) مسلمانان به کتاب نگاری و کتاب خوانی، عشق می ورزیدند و برای آن ارزش معنوی فراوانی قایل بودند. این عشق مقدس را از اشعار جاحظ به خوبی می توان دریافت.^(۳) جاحظ که کوشش خود را در راه احترام به کتاب به کار می گرفت قربانی احترام به کتاب گردید. او که عادت داشت کتاب ها را گرداگرد خود بچیند یک بار ستونی از کتاب ها بر روی او فرو ریخت و او که پیری فرتوت بود، زیر آوار آن جان باخت.^(۴)

کتاب خانه ها نیز نزد مسلمانان از ارزش معنوی فراوانی برخوردار بود. چنان چه هنگامی که نوح بن منصور به صاحب بن عباد پیشنهاد وزارت کرد، وی نپذیرفت. یکی از دلیل های او برای نپذیرفتن این پیشنهاد آن بود که جابه جایی

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۴۴۸.

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۹۴.

۳- الحیران، جاحظ، ناشر: عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۹۳۸، ج ۱، صص ۵۰ _ ۵۱.

۴- تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۲۵.

کتاب هایش که حدود ۴۰۰ بار شتر بود، دشوار می نمود. بدین گونه دانشمند مسلمان، ماندن در کنار کتاب هایش را بر وزارت برتری می داد.

عصر ترجمه

عصر ترجمه

مسلمین در طول حیات علمی خود هیچ گاه از تلاش باز نایستادند و در پرتو اعتماد به نفسی که از آموزه های اسلام به دست آورده بودند به ترجمه ی دانش ملت های دیگر دست یازیدند. نخستین ترجمه در زمان خالد بن یزید بن معاویه در زمینه ی کیمیا صورت گرفت. (۱) گفتنی است نهضت ترجمه در عهد عباسیان و زمان مأمون به اوج شکوفایی رسید. (۲) در زمان وی گروه بسیاری از زبان دانان و دانشمندان از ادیان گوناگون گرد آمدند، تا کتاب های علمی یونانیان، هندیان و ایرانیان را در زمینه های ریاضی، فلسفه، منطق، نجوم، هیأت، پزشکی و... به عربی برگردانند.

تهمت کتاب سوزی مسلمانان

تهمت کتاب سوزی مسلمانان

این جا بایسته است از موضوعی یاد کنیم که تا مدت ها دست مایه ی هجوم ناآگاهان به فرهنگ اسلامی و وسیله ای برای اختلاف افکنی میان مسلمانان بود. این موضوع، داستان های دروغین آتش زدن کتاب های کتابخانه ی اسکندریه ی مصر به دست عمرو عاص و کتابخانه های ایرانی به دست سعدوقاص است. باید دانست در سال های اخیر، خاورشناسانی هم چون؛

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۷۱، به نقل از فهرست این ندیم، ص ۳۵۲.

۲- تاریخ تمدن اسلام، ص ۵۵۸.

گیون، کارلیل، رنان، سیدلو، ماسینیون و پژوهش گرانی هم چون: شبلی نعمان، شهید مطهری و... بی بنیادی این سخنان را آشکار ساخته اند.

داستان کتاب سوزی اسکندریه را عبداللطیف بغدادی (م ۶۲۹) در کتاب الافاده و الاعتبار و پس از او ابن قضطی (م ۶۴۶) در تراجم الحکماء آورده اند. به گفته ی اینان، عمروعاص پس از دریافت دستور عمر بن خطاب مبنی بر سوزاندن کتاب ها، همه ی کتاب ها را میان حمام های اسکندریه تقسیم کرد تا آن ها را در مدت ۶ ماه بسوزانند!! در پاسخ به این تهمت آشکار باید گفت:

۱ _ کتاب سوزی با روح اسلام و آموزه های دانش مدار آن همخوانی ندارد.

۲ _ این ادعا تا قرن هفتم ه . ق در هیچ کتابی نیامده است.

۳ _ کسانی هم چون ابن خلدون نیز آن را به صورت شایعه ای که بر سر زبان ها بوده است روایت کرده اند نه به عنوان یک رویداد قطعی. (۱)

۴ _ نوشته های قرن هفتم ه . ق در متن خود از دروغ های یقینی و تناقض های فراوان، آکنده اند که همین مسأله، اعتبار آن ها را خدشه دار می سازد.

۵ _ کتاب خانه ی اسکندریه تا پیش از ورود اسلام، چندین بار آتش گرفته و هنگام فتح مصر، اثر چندانی از آن کتاب خانه ی بزرگ برجا نمانده بود. (۲)

درباره ی آتش سوزی کتاب خانه های ایران نیز باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۰۹.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ص ۲۹۶.

۱ _ گفته ی حاج خلیفه در کتاب کشف الظنون (قرن ۱۱) کاملاً بی اعتبار است؛ زیرا او یک فهرست نویس بوده است نه تاریخ نگار. البته وی نیز به صورت قطعی، اظهار نظر نکرده است، بلکه می گوید «گفته می شود» و هیچ سند و مدرکی نیاورده است.

۲ _ تاریخ نگاران، آمار هیچ کتاب خانه ای را در ایران ضبط نکرده اند.

۳ _ گفتار ابن خلدون درباره ی کتاب سوزی در ایران با فعل مجهول آغاز می شود که خود بی پایه بودن آن را نشان می دهد. افزون بر آن، وی این مطلب را در مقدمه ی خود آورده و در تاریخ خود، هیچ اشاره ای بدان نکرده است.

۴ _ منبع گسترش این شایعه، شعوبیه بوده اند(۱) که برای خدشه دار کردن اعراب به هر کاری دست می یازیده اند.

۵ _ علوم پزشکی

اشاره

۵ _ علوم پزشکی

زیر فصل ها

۱ _ پزشکی

۲ _ داروشناسی و داروسازی

۳ _ جراحی

۴ _ گیاه شناسی

۵ _ بیمارستان ها

۶ _ نوآوری در پزشکی

۱ _ پزشکی

۱ _ پزشکی(۲)

طب یکی از شناخته شده ترین جنبه های تمدن اسلامی و شاخه های علمی است که مسلمانان در آن به درخشندگی ویژه ای

- ۱- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۰۷.
- ۲- ر.ک: تاریخ تمدن اسلام، صص ۶۱۰، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، سیریل الگود، برگردان باهر فرقانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱؛ تاریخ بیمارستان ها در اسلام، احمد عیسی بک، برگردان: نورالله کسایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱؛ الحضاره العربیه، جاک ریسلو، بیروت، منشورات عدیرات، ۱۹۹۳، چ ۱، صص ۱۹۵ _ ۲۱۰؛ علم و تمدن در اسلام، صص ۱۷۴ _ ۲۲۰، تمدن اسلام و عرب، صص ۶۲۸ _ ۶۳۷.

مسلمان در قرون وسطای اروپایی و حتی در دوران رنسانس، از ارزش بسیار بالایی برخوردار بود. پیوند تنگاتنگ پزشکی مسلمانان با فلسفه، جنبه‌ی با اهمیت پزشکی اسلامی به شمار می‌رود، به گونه‌ای که فیلسوف و پزشک، هر دو را به نام حکیم می‌خواندند.

اسلام در متن آموزه‌های خود برای بهداشت، سلامتی و پاکیزگی، اهمیت فراوان قایل بوده و برای گوشزد کردن این اهمیت، سلامتی را نعمتی ناشناخته دانسته است. گوستاو لوبون با اشاره به احکام قرآن در زمینه‌ی وضو، غسل تحریم مسکرات، آن را متین و اعتراض ناپذیر دانسته و ستوده است. (۱) کتاب‌هایی مانند: طب النبی صلی الله علیه و آله، طب الصادق علیه السلام و طب الرضا علیه السلام نیز که از پیشوایان دین به دست ما رسیده است، توجه ویژه‌ی اسلام را به بهداشت و سلامتی جسم و جان نشان می‌دهند.

مسلمانان افزون بر بهره‌گیری از منابع اسلامی، به ترجمه‌ی کتاب‌های پزشکی سرزمین‌های ایران، یونان و هند نیز پرداختند که در این میان، دانشگاه جندی شاپور و اسکندریه دو حوزه مهم در پزشکی اسلامی و حلقه‌ی پیوند پزشکی اسلامی با پزشکی سرزمین‌های یاد شده به شمار می‌روند. در دوران نهضت ترجمه، این دو مرکز پزشکی در انتقال اندوخته‌های بشری به جامعه‌ی اسلامی، نقش بسزایی داشتند. جرجیس نخستین پزشک بزرگ از خاندان بختیشوع بود که در پزشکی نامدار گردید. و اعضای این خانواده تا قرن‌های

طولانی، از پزشکان سرشناس جهان اسلام به شمار می رفتند. (۱) پس از این خاندان، باید از خاندان ماسویه، پزشک درس ناخوانده ی جندی شاپور نام برد. نگارنده ی نخستین اثر پزشکی اسلامی نیز علی بن ربن طبری نام دارد. که کتاب فردوس الحکمه را نوشته است. (۲)

پس از طبری محمدبن زکریای رازی (م ۳۲۰) معروف ترین پزشک اسلامی است که بیش از ۲۲۰ جلد کتاب و رساله در فنون گوناگون نوشته و نزدیک به نیمی از آن ها درباره ی پزشکی است. (۳) الحاوی، سودمندترین کتاب زکریای رازی در پزشکی است که به گفته ی علی بن عباس از بیان کوچک ترین نکته ها در زمینه ی درمان بیماری ها نیز فرو گذار نکرده است. دومین اثر مهم او المنصوری است. (۴)

۲_ داروشناسی و داروسازی

۲_ داروشناسی و داروسازی

مسلمانان نخستین مردمی بوده اند که قرابادین را به شکلی که اکنون به دست ما رسیده است، مرتب ساختند. قرابادین شاپور بن سهل (م ۲۵۵) و امین الدوله بن تلمیذ (م ۵۶۰) دو نمونه ی جالب توجه است. افزون بر آن، مسلمانان، نخستین کسانی بودند که داروخانه را به شکل امروزی آن بنا

۱- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۸۳.

۲- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۸۵.

۳- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۸۵.

۴- تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، صص ۲۳۰ _ ۲۳۱.

نهادند.

ابن بیطار در کتاب های خویش، ۱۴۰۰ داروی گیاهی (یا گیاه دارویی) را معرفی کرده که یونانیان از ۴۰۰ داروی معرفی شده به دست او اصلاً آگاهی نداشتند (۱). هم چنین آنان بسیاری از ترکیب های شیمی مانند: اسید نیتریک، اسید سولفوریک، هیدرو کلریک، پتاس، نترات، دارزان و قلیا (۲) را کشف کردند.

۳- جراحی

۳- جراحی

دانشمندان مسلمان در رشد و گسترش فن جراحی پیش گام بوده و در زمینه ی بی هوشی بیماران نیز از بذرالبنج، بهره می گرفتند. (۲) بزرگ ترین جراح مسلمان ابوالقاسم اندلسی معروف به ابوالقسیس است که پیش گام جراحان تمدن اسلامی و غرب به شمار می آید. (۴)

۴- گیاه شناسی

۴- گیاه شناسی

در دوره ی نهضت ترجمه، با ترجمه ی کتاب های ملل دیگر، بر حجم و کیفیت کار مسلمانان در زمینه ی گیاه شناسی، افزوده گشت.

۵- بیمارستان ها

۵- بیمارستان ها

در زمان المقتدر بالله در اوایل قرن چهارم ه . ق، ۸۶۰ پزشک در بغداد

۱- دانش مسلمین، ص ۱۷۲.

۲- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۶.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۶.

۴- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۹۴.

برای گذراندن آزمون پزشکی، نام نویسی کرده بودند. (۱) این شور و شوق برای یادگیری پزشکی به گسترش شاخه های علمی پزشکی و بیمارستان ها و مراکز درمانی و کاهش دوره ی درمان بیماری های دشوار انجامید.

گفته اند رسول اکرم صلی الله علیه و آله نخستین کسی است که در اسلام، بیمارستان ساخته است. (۲) بیمارستان ها در دو گونه ی ثابت و سیار ساخته شده اند. در این بیمارستان ها حتی پزشکان نابینایی همانند: ابوالحسن علی بن ابراهیم، ابوالحسن بن مکین بغدادی و محمد بن سلیمان بن حناط سرگرم کار بوده اند. این درمانگاه ها و بیمارستان ها، بخش های تخصصی و امکانات گوناگونی داشته اند. شماری از این بیمارستان ها عبارتند از: بیمارستان جندی شاپور (خوزستان)، بیمارستان های زتاق الفنادیل، معاصر، عتیق، قشاشین، سقطین، ناصری یا صلاحی، منصوری (در مصر)، بیمارستان الرشید، برامکه، بیمارستان علی بن عیسی، بدر، غلام معتضد، سیده مقتدری، ابن الفرات، معزالدوله، عضدی، فارقی در میافارقین، بیمارستان موصل و نصیبین (در عراق).

۶_ نوآوری در پزشکی

۶_ نوآوری در پزشکی

مسلمانان هر گاه به قلمرو دانشی گام می نهادند، چیزهایی از خود بر آن

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۳.

۲- تاریخ بیمارستان ها در اسلام، احمد عیسی بک، برگردان؛ نورالله کسای، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۲۴ و ۲۵. نخستین بیمارستان مجهز و کامل در زمان ولید بن عبدالملک مروان در سال ۸۸ ه. ق بنا نهاده شده است. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص ۶۸.

می افزودند و آن عرصه را بیش از پیش بالنده و پویا می ساختند. پزشکی نیز این چنین است. شناسایی بسیاری از گیاهان طبی ناشناخته، داروسازی های جدید، درمان بیماری های درمان ناپذیر هم چون فلج با فصد و تبرید ندادن بهره گیری از بنگ در درمان داغ کردن محل زخم، تشخیص بیماری سل از راه ناخن، توصیف یرقان و زردی، درمان دیوانگان با افیون، به کار بردن آب سرد برای پیش گیری از خون ریزی، درآوردن سنگریزه و شن و بهره گیری از روش های نو در درمان جذام، حصبه و آبله (۱) از نوآوری های مسلمان ها در این وادی به شمار می رود. روان درمانی با بهره گیری از موسیقی را باید یکی از بزرگ ترین دست آوردهای پزشکی مسلمانان دانست.

و _ علوم طبیعی

اشاره

و _ علوم طبیعی

زیر فصل ها

۱ _ شیمی و کیمیا

۲ _ فیزیک

۳ _ ستاره شناسی

۴ _ زمین شناسی و زیست شناسی

۵ _ جغرافیا

۱ _ شیمی و کیمیا

۱ _ شیمی و کیمیا

تاریخ نگاران به این گفته باور دارند که مسلمانان هم پای دیگر علوم، در فن شیمی نیز که زمینه ساز پزشکی به شمار می رفت به پیشرفت های چشم گیری دست یافتند. جرجی زیدان، پایه گذار علم شیمی جدید و کشف

ترکیبات شیمیایی را کار مسلمانان می داند. (۱)

ویل دورانت، شیمی را یکی از نوآوری های مسلمانان بر می شمارد و نقش ارزنده ی آنان را در پیدایش علم شیمی جدید می ستاید. (۲)

گوستاولوبون نیز با رد نظریه ی بنیان گذاری شیمی در غرب، سهم مسلمانان را در پیدایش آن ترسیم می سازد. (۳)

باید گفت مسلمانان از آغاز در پی کیمیا بودند البته رموز کیمیایی، خود را در دو جنبه نمایان می ساخت؛ نخست کیمیای روحانی که موضوع آن، روح و هدفش، تبدل آن بود و عارفان، مشاهدات عرفانی خود را به زبان کیمیایی بیان می داشتند. دوم، کیمیای مادی بود که با فلزات سرو کار داشت. (۴) به هر حال، مسلمانان که به ویژه پس از ترجمه ی کتاب های یونانی در جست وجوی کیمیاگری بر آمده بودند، در این راه، بسیار کوشیدند، ولی به نتیجه ی مشخصی دست نیافتند. تلاش های مسلمانان در این راه، علم شیمی را بنیان نهاد.

مسلمانان در ساخت ترکیباتی هم چون: اسید نیتریک، اسید سولفوریک، هیدروکلریک، پتاس، نمک نشادر، کلرید سولفوریک، نترات پوتاس، زاج سبز،

۱- تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۰۶.

۲- تاریخ تمدن، ویل دورانت، جلد ۴، عصر ایمان بخش ۱، صص ۳۱۳ _ ۳۱۴.

۳- تمدن اسلام و عرب، صص ۶۱۱ _ ۶۱۵.

۴- علم و تمدن در اسلام، صص ۲۳۴ _ ۲۳۷.

قلیا، سدیم، کربن، کلرید آمونیم، سولفات فریک، برات دو سدیم و... و به کار بردن تقطیر، تبخیر و تصعید، به موفقیت های بزرگی دست یافتند.

جابرین حیان یکی از چهره های درخشان مسلمانان در شیمی است که شاگرد امام صادق علیه السلام بود. وی را پدر شیمی نوین لقب داده و گفته اند که هنوز ۱۰۰ جلد کتاب شیمی از او در دست است. (۱)

پس از جابر، محمد بن زکریای رازی، علم کیمیا را به صورت علم تجربی جداگانه درآورد و آن را از مسایل رمزی، نجومی و صوفیانه پیراست. (۲) وی، مواد را به ۴ دسته ی: معدنی، نباتی، حیوانی و مواد مشتقه دسته بندی کرد که هر یک از آن ها نیز تقسیم بندی فرعی تر داشتند. (۳) مشهورترین کتاب زکریای رازی، سرالاسرار فی الکیمیا نام دارد. وی در کار خود به زینت الزاج، زاج الاخضر و الکل (از راه تقطیر مواد نشاسته ای و قندی) دست یافت. پس از زکریای رازی باید از اندیشمندانی هم چون: ابوالحکیم محمد بن عبدالملک صالحی خوارزمی (۴)، خازنی و ابوریحان بیرونی نام برد. ابوریحان بیرونی توانست فرمول ویژه ی بسیاری از مواد را استخراج کند. افزون بر آن مسلمانان در استخراج معادن، ساخت رنگ، آب دادن فولاد، تولید کاغذ، چرم، باروت، آب مقطر، مشمع،

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۰۷.

۲- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، ص ۳۱۴.

۳- التراث و الحضاره الاسلامیه، ص ۳۴۲.

۴- علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، آلدومیه لی، ص ۲۸۷.

ضماد، گچ شکسته بندی، نوشابه ها و روغن ها، میراث گران بهایی از خود به یادگار گذاردند.^(۱)

۲_ فیزیک

۲_ فیزیک

مسلمانان برخلاف یونانیان که کمتر به فعالیت های مادی و طبیعی می پرداختند و بیشتر به تلاش های عقلی روی آورده بودند افزون بر کوشش های عقلی از عملیات های مادی نیز دست برنداشتند و به کاوش در جهان ماده و حس همت گماشتند. از این نظر اندیشمندان مسلمان در سه گروه دسته بندی می شوند؛ نخست گروهی که با هدف مخالفت با فلسفه مشایی به گسترش آموزه های طبیعی پرداختند. در نوشته های متکلمانی هم چون: ابوالبرکات بغدادی، فخرالدین رازی و محمد باقلانی نظریه های طبیعی شگفتی می توان یافت. گروه دوم، بسیاری از فیلسوفان و متکلمان بودند که عملیات فکری شان بر اساس استدلال منطقی قرار داشت نه مشاهده ی مستقیم. گروه سوم نیز به مشاهده و تجربه می پرداختند که عبارت بودند از: عارفان و کیمیاگران. کسانی چون: قطب الدین شیرازی، ابن هیثم و عبدالرحمان خازنی در این دسته قرار می گیرند.^(۲)

جابر بن حیان افزون بر شیمی، در فیزیک نیز اهل نظر بود یعقوب بن اسحاق کندی (م ۲۵۲ ه) نیز در زمینه ی شیمی، نظرهایی مخالف با آرای

۱- ر.ک: کارنامه ی اسلام، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، چ ۳، صص ۷۲ _ ۷۵.

۲- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، صص ۳۳۳ _ ۳۳۵؛ علم و تمدن در اسلام، صص ۱۱۴ _ ۱۱۵؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، ص ۱۶۳.

ارسطو اظهار کرد. (۱) پس از کندی، بنی موسی قرار دارند که فرزندان موسی بن شاکر هستند و در علم فیزیک از جایگاهی برجسته برخوردارند. ابن سینا نیز نظریه های شایسته ای در فیزیک ارائه داده است. (۲) در این میان، حسن بن هیثم بصری (۳۵۴ _ ۴۳۰ ه. ق) چهره ی درخشان فیزیک است که نظریه های ارزنده و پیشرو او در علم فیزیک و نورشناسی، سرمشق اندیشمندان غربی بوده و کسانی مانند: کپلرو راجر بیکن از این دیدگاه ها، بهره ی فراوان برده اند. (۳) مهم ترین کتاب او المناظر نام دارد. وی در بسیاری از مسایل فیزیک، پژوهش های شگرفی انجام داده است که برخی از آن ها بدین قرار است: مطالعه ی حرکت، تشخیص حرکت مستقیم الخط نور، خصوصیات سایه، موارد استعمال عدسی ها، خاصیت اتاق تاریک، آینه های سهمی و کروی، انکسار جوی، نورهای شفق فلق، تغییرات ظاهری در بزرگی ماه و خورشید، فیزیولوژی چشم و عمل دیدن، باورمندی به اصل «رسیدن نور از جسم به شیء» و اصل «حداقل زمان» قرن ها پیش از نیوتون. (۴)

۱- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، ص ۳۳۶.

۲- الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، صص ۳۳۷ _ ۳۴۰.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۰۹.

۴- علم و تمدن در اسلام، صص ۱۱۶ _ ۱۱۷.

۳_ ستاره شناسی**۳_ ستاره شناسی (۱)**

آیات قرآن، (۲) رخ دادن حوادثی هم چون کسوف و خسوف و بسیاری تکلیف های مذهبی دیگر، مسلمانان را بر آن می داشت تا درباره ی شناخت جایگاه و ویژگی های اجرام کیهانی به کاوش پردازند مسلمانان با ترجمه ی کتاب های بیگانه در قرن دوم ه . ق، آگاهی های فراوانی در این زمینه به دست آوردند. برای نمونه، کتاب های زیج شهریاری، مجسطی نوشته ی بطلمیوس، سند هند، نگاشته براهماگونیا، را به ترتیب: ابوالحسن علی بن زیاد تمیمی، حجاج بن یوسف بن مسطر و محمد فزاری را به عربی برگرداندند. گفتنی است مسلمانان به برگردان چنین کتاب هایی بسنده نکردند، بلکه با شرح و حاشیه نگاری بر آن ها، ستاره شناسی را دگرگون ساختند. از میان ستاره شناسان مشهور مسلمان باید از یعقوب بن اسحاق کندی یاد کنیم که یکی از نخستین ستاره شناسان مسلمان بود و چند تن از ستاره شناسان معروف بغداد زیر نظر او به فعالیت می پرداختند. در عهد مأمون، ستاره شناسان سرشناسی هم چون سندبن علی، خالد بن عبدالملک مروودی و عباس بن سعید جوهری، حبش

-
- ۱- ر.ک: تاریخ علوم اسلامی، جلال الدین همائی، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۳، چ ۱، صص ۵۶ _ ۸۸؛ تاریخ نجوم اسلامی، گرلوا لفونسو نلینو، برگردان: احمد آرام، تهران، ۱۳۴۹، چاپخانه ی بهمن؛ الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، صص ۴۱۷ _ ۴۵۲؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، صص ۱۵۷ _ ۱۶۰؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، صص ۲۲۳ _ ۲۳۷؛ تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده صص ۱۳۹ _ ۲۰۸؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، صص ۶۲ _ ۷۲.
- ۲- ماهر عبدالقاهر محمد، ۱۹ آیه را که به نظر وی به مسایل نجومی و فلکی مربوط است، برای نمونه آورده است التراث و الحضاره الاسلامیه، صص ۷۴ _ ۷۹.

الحاسب مروزی، حسن بن محمد طوسی، ابو علی خیاط، علی بن عیسی اسطرلابی، محمد بن حجم برمکی، محمد بن موسی خوارزمی و احمد بن کثیر فرغانی می زیستند. ابواسحاق ابراهیم بن حبیب فزاری (م ۱۶۱ ه. ق) نخستین دانشمند مسلمانی است که اسطرلاب را ساخت که بعدها به وسیله ی اختصاصی ستاره شناسی اسلامی بدل شد. پس از او احمد بن قیصر فرغانی (م ۲۲۶ ه) مقام والایی دارد و بنابر نظر ویل دورانت، کتاب های او، هفت قرن تمام در آسیای غربی و اروپا، مرجع علمی همگان بود^(۱) و به زبان های اروپایی برگردانده شد. محمد، احمد و حسن معروف به بنوموسی نیز از بزرگ ترین دانشمندان علم ستاره شناسی اند. آنان با بررسی تقویم سیارات درباره ی تقویم اعتدالین پژوهش کردند. هم چنین آنان، عرض شهر بغداد را ۳۳:۲۰ قرار دادند که با پژوهش های اخیر تنها ۱۰ ثانیه تفاوت دارد.^(۲)

۴_ زمین شناسی و زیست شناسی

۴_ زمین شناسی و زیست شناسی

قرآن، مسلمانان را به شناخت زمین، کوه ها، جانوران، گیاهان و دریاها بسیار سفارش کرده است.^(۳)

عطار بن محمد حاسب، نخستین رساله ی بدیع را درباره ی خواص

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، عصر ایمان، بخش اول، ص ۳۱۰.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۵۹۰.

۳- فاطر، ۲۷؛ غاشیه، ۱۸، ۲۰.

سنگ های گران بها نوشته است. (۱) یعقوب بن اسحاق کندی، رساله فی تلویح الزجاج وفی انواع الحجاره را در زمینه ی زمین شناسی و ابو عثمان عمرو بن بحر معروف به جاحظ (م ۲۵۵) کتاب الحیوان را در زمینه ی جانورشناسی نگاشته اند. در کتاب اخوان الصفا نیز درباره ی تشکیل سنگ های معدنی، پیدایش زلزله، جزر و مدها و تغییرات آب و هوایی بحث کرده است. هم چنین ابن سینا در کتاب شفا، بحث های مفصلی درباره ی زمین شناسی، گیاه شناسی و جانورشناسی دارد و با نگارش رساله ای در زمینه ی تشکیل کوه ها، سنگ ها و مواد معدنی، به بررسی تأثیر زلزله، باد، آب، اختلاف درجه ی حرارت و... پرداخته است. ابوریحان بیرونی، طبیعت رسوبی حوضه ی رود گنگ را کشف کرده است. هم چنین با معین کردن وزن مخصوص ۱۸ گونه سنگ، علت بیرون آمدن آب از چشمه و چاه آرتیزین را بر اساس قانون ظروف مرتبطه، شرح داده است. (۲)

۵_ جغرافیا

۵_ جغرافیا

قرآن همواره مردم را به سیر و سیاحت در زمین و اندیشیدن در احوال گذشتگان فرا خوانده است. (۳) همین سفارش سبب شده است مسلمانان در زمینه ی جهان گردی و جغرافیا نیز آثار ارزنده ای بر جای بگذارند. نخستین

-
- ۱- علوم اسلامی و نقش آن در تمدن علمی جهان، آلدومیه لی، برگردان: محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، ص ۱۹۹.
 - ۲- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۰۱؛ تاریخ تمدن، ویل دورانت، عصر ایمان، بخش اول، ج ۴، ص ۳۱۳.
 - ۳- مؤمن، ۸۲؛ انعام، ۱۱؛ حج، ۴۶ و... .

چهره ی مسلمان در جغرافیا، هشام بن محمد کلبی است. پس از وی، باید از جغرافی نویس دیگری به نام الکندی یاد کرد. هم چنین ابوالقاسم عبید الله ابن خرداذبه (۲۱۰ _ ۳۰۰) کتاب المسالک و الممالک را در جغرافیا نگاشته است.

ز _ علوم ریاضیات

ز _ علوم ریاضیات (۱)

ریاضیات در دیدگاه اسلامی دروازه ای میان جهان محسوس و جهان معقول است. وحدت که اندیشه ی مرکزی اسلام به شمار می رود، در ریاضیات، نمود عینی می یابد. آموزش علوم ریاضی در میان مسلمانان همان مراحل چهارگانه ی لاتینی؛ یعنی حساب، هندسه، نجوم و موسیقی بوده است. مسلمانان، علم حساب را بیشتر از روی برگردان کتاب های هندی آموختند و سپس ارقام هندی را در دنیای متمدن رواج دادند. محمد بن ابراهیم فزاری، دانشمند شیعی نخستین کسی است که ارقام هندی را با برگردان کتاب «سرهانته» معروف به سندهند از سانسکریت به عربی انتقال داد. حجاج بن یوسف بن مطر نیز اصول هندسه ی اقلیدس و مجسطی بطلمیوس را به عربی برگرداند و در ریاضیات به نو آوری هایی دست زد. (۲) البته اگر بخواهیم دقیق تر سخن بگوییم باید گفت تاریخ ریاضیات مسلمانان با محمد بن موسی خوارزمی آغاز می شود. مهم ترین کتاب وی حساب الجبر و المقابله نام دارد و نام او به شکل الگوریتم در اروپا

۱- برای آشنایی بیشتر با تعاریف حساب، جبر و هندسه و ریشه های آن، ر.ک: الجامع فی تاریخ العلوم عند العرب، محمد عبدالرحمه مرجبا، صص ۳۷۵ _ ۴۱۵.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۱۶.

معادل فن محاسبه دانسته شد. پس از خوارزمی باید از کندی، ابوحنیفه دینوری (م ۲۸۱) و ابوالعباس سرخسی (م ۲۸۶) نام برد. (۱) افزون بر آن ماهانی در مسأله ی ارشمیدس پژوهش داشته است. هم چنین ثابت بن قره، مخروطات آبولونیوس و چند رساله ی دیگر را برگردانده و راه حل هندسی برخی اشکال درجه ی سوم را به دست آورده است.

ح _ علوم انسانی و اجتماعی

اشاره

ح _ علوم انسانی و اجتماعی

زیر فصل ها

۱_ تاریخ:

۲_ اخلاق و حکمت عملی

۳_ روان شناسی

۴_ جامعه شناسی و انسان شناسی

۵_ اقتصاد

۱_ تاریخ:

۱_ تاریخ:

شمار تاریخ نگاران مسلمان بسیار فراوان است، به گونه ای که حاجی خلیفه که در قرن یازدهم می زیسته، ۱۲۰۰ تن از تاریخ نگاران مسلمان را نام برده است. (۲) عبیدالله بن ابی رافع شاگرد علی علیه السلام نخستین مسلمانی است که در تاریخ اسلام کتاب نوشته است. (۳) هم چنین محمد بن اسحاق (م ۱۵۲) نخستین کسی است که سیره ی نبوی را نگاشته است. جامع ترین کتابی که در زمینه ی فتوح نوشته شده، کتاب فتوح البلدان از بلاذری (م ۲۷۹) است. البته از فتوحات شام واقدی (م ۲۰۷) فتوحات مصر و مغرب ابن عبدالحکم (م ۲۵۷) نیز باید یاد کرد. قدیم ترین کتاب در طبقات کتاب طبقات ابن سعد، کاتب واقدی (م)

۱- علم و تمدن در اسلام، ص ۱۳۸؛ تاریخ تمدن اسلام، صص ۶۱۹، ۶۲۰.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۵۸۰.

۲_ اخلاق و حکمت عملی**۲_ اخلاق و حکمت عملی**

اسلام از آغاز با آموزش اخلاق پیش آمد و پرهیزکاری را بر همه چیز مقدم داشت. مسلمانان همواره آموزه های اخلاقی را به نیکی پاس می داشتند و پیشوایان دینی نیز بدان سفارش می کردند. امیرمؤمنان علی علیه السلام نخستین مسلمانی است که علم اخلاق را پی نهاد و صاحب نظران، نامه ی آن حضرت به فرزندش، امام حسن علیه السلام را نخستین نگاشته ی مدون و منسجم در این زمینه دانسته اند. (۲) اسماعیل بن مهران شاگرد امام صادق علیه السلام نیز کتابی با نام صفات مؤمن و فاجر نوشت. پس از نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه که اخلاق را به کامل ترین صورت می نمایانند، از کتاب های زیر باید یاد کرد اصول کافی کتاب عقل و جهل (ثقه الاسلام کلینی)، تحف العقول (ابن شعبه ی حرانی) خصال (شیخ صدوق)، مصابیح القلوب (ابو علی بیهقی)، آداب الدینیه (شیخ طبرسی)، مکارم الاخلاق (ابو منصور طبرسی)، ارشاد القلوب (ابو محمد حسن دیلمی) و عیون الحکم و المواعظ (علی بن محمد لثی).

۳_ روان شناسی**۳_ روان شناسی**

برخی پنداشته اند که علم روان شناسی، علم نو ظهوری است که جان لاک و کندیاک آن را پی نهاده اند، در حالی که باید دانست در فلسفه ی نظری و عملی

۱- تاریخ تمدن اسلام، صص ۴۹۷، ۴۹۸.

۲- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۴۰۴؛ دانش مسلمین، ص ۳۲۳.

آن گاه که از حالت های نفس و صحت و سقم آن سخن به میان می آید، به مسایل و ریزه کاری های روان کاوی و روان شناسی توجه شده است. هم چنین در گفتار پیشوایان دینی هم چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، عالی ترین مسایل روان شناسی بیان گردیده است. برای نمونه، پی بردن به باطن افراد به وسیله ی افعال غیر ارادی یا رؤیا و بسیاری مسایل دیگر در گفتار این پیشوایان به چشم می خورد. (۱) از این گذشته، پزشکان مسلمان با آگاهی کامل از روان شناسی، از روان درمانی (پسیکو تراپی) برای درمان بیماران خویش بهره می گرفتند. پزشکی ابوعلی سینا و زکریای رازی در این باره، گواه یقینی بر این ادعا است. افزون بر آن گفته اند که مسلمانان در بیمارستان های اندلس، با موسیقی درمانی به درمان روانی بیماران می پرداختند.

به هر حال، هر چند روان پزشکی در این زمانه، بسیار پیشرفت کرده و شاخ و برگ های فراوانی یافته است، ولی باید هم چنان مسلمانان را در این زمینه پیش گام بدانیم. یکی از نویسندگان غربی اعتراف می کند که مسلمانان نخستین کسانی بودند که روان پزشکی را آفریدند. (۲)

۴ _ جامعه شناسی و انسان شناسی

۴ _ جامعه شناسی و انسان شناسی

امروزه جامعه شناسی را به نام آگوست کنت می شناسند. با این حال، بررسی

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، صص ۲۵۳ _ ۲۵۴؛ علم النفس، ابن سینا و تطبیق آن با روان شناسی جدید، علی اکبر سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳، چ ۱، ص ۷۶.

۲- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۵۷، به نقل از عظمت مسلمین در اسپانیا، ژوزف ماک کاپ، ص ۱۸۲.

نوشته های دانشمندان مسلمان در این زمینه به خوبی نشان دهنده ی درک ژرف آنان از این دانش است. در این میان، ابن خلدون، تاریخ نگار و اندیشمند نامدار مسلمان را باید چهره ی شاخص جامعه شناسی به شمار آوریم. وی در مقدمه ی کتابش «تاریخ ابن خلدون»، عالی ترین مفاهیم فلسفه تاریخ، چگونگی پیدایش حکومت ها و قانون ها، و پیدایش و نابودی تمدن ها و فرهنگ ها را بررسی می کند. ابن خلدون افزون بر کشف میدان تاریخ حقیقی و طبیعت و ماهیت آن، (۱) درباره ی اوضاع و احوال بشری و کنش ها و واکنش های کلی حاکم بر اجتماع انسانی، پژوهش های گران سنگی داشته است. (۲) از همه مهم تر این که قرآن مجید در بسیاری از آیات خود درباره ی روابط اجتماعی و انسانی و فرهنگ ها و تمدن ها سخن می گوید و در گفتار پیشوایان دینی نیز این گونه موضوعات، فراوان به چشم می خورد.

ابوریحان بیرونی یکی از دانشمندان مسلمان است که با پژوهش گسترده درباره انسان و اجتماع، کتاب تحقیق ماللهند را نگاشته است. ابن بطوطه نیز سفرنامه نویس معروف مسلمان است که هر چند کار او از نظر علمی با ابوریحان بیرونی قابل قیاس نیست، ولی از نظر تصویر کردن اجتماع مسلمانان و جهان آن روز کاری استوار و پخته به شمار می رود.

۵_ اقتصاد

۵_ اقتصاد

۱- مقدمه ی ابن خلدون، برگردان: محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، صص ۳۴ _ ۳۵.

۲- علم و تمدن در اسلام، ص ۲۲۱.

هر چند اسلام، اقتصاد را بنیاد اساسی و منحصر به فرد پدیده های تاریخی، اجتماعی و مذهبی نمی داند ولی هیچ گاه اهمیت فوق العاده ی آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را نادیده نمی انگارد. در یک نگاه کلی، بحث اقتصادی با نگرش انسان به دنیا گره می خورد. اسلام، کار و تلاش دنیوی را نه تنها ناپسند نمی شمارد بلکه به تشویق آن می پردازد. از این رو، در اقتصاد نظری و عملی، آثار گران سنگی از مسلمانان بر جای مانده است. برای نمونه اداره ی امور دولت های بزرگ اسلامی با سرزمین هایی پهناور برعهده ی بزرگانی هم چون خواجه نظام الملک بود یا این که اندیشمندانی همانند ابن خلدون درباره ی اقتصاد سیاسی و کار به نظریه پردازی می پرداختند. نخستین کتاب درباره ی مکاسب و مبادلات را صفوان جمال یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام نوشته است.^(۱) افزون بر آن در این زمینه باید از کتاب های زیر نام برد: الخراج (ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم)، الاموال (ابو عبید القاسم بن سلام)، الخراج (ابن یحیی دمشقی)، السراج الوهاج فی مسأله الخراج (شیخ ابراهیم قطیفی)، مکاسب (شیخ مرتضی انصاری)، تجاره (شیخ محمد حسن صاحب جواهر) و اقتصادنا (سید محمد باقر صدر).

ط _ علوم هنری

اشاره

ط _ علوم هنری^(۲)

- ۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۶۲.
- ۲- ر. ک: هنر اسلامی، ارنست کونل، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱، هنر اسلامی، دیوید برگردان: تالبوت رایس، برگردان: ماه ملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، چ ۱، هنر اموی و عباسی، الک کرابروو اتینگهاوژن، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱، هنر ایلخانی و تیموری، انبر تو شرآتو و ارنست گروبه، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱؛ هنر هند و ایرانی و هنر اسلامی، مادلین هالاید، هرمان گریش، برگردان: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، چ ۱؛ وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، گوستارای، فن گروبنام، برگردان: عباس آریان پور، تبریز، انتشارات معرفت، صص ۱۶۹ _ ۱۹۳؛ تمدن اسلام و عرب، صص ۶۵۳ _ ۷۱۴.

در نسبت سنجی میان اسلام و هنر، برخی راه خطا پیموده و اسلام را با آن در تضاد دانسته اند حال آن که مفاهیم زیبایی شناسی قرآن، فراوان است و پیشوایان دینی نیز همواره مسلمانان را به زیبایی شناسی و تصویرگری فراخوانده اند. هرچند در گذشته به برخی جنبه های هنری مانند: مجسمه سازی و هنرهای تجسمی توجه کم تری می شد ولی امروزه با کاوش های فقهی و نوجویانه در متون روایی، کارهای بزرگی در این زمینه صورت گرفته است. به هر حال، مسلمانان در کنار دیگر علوم، از مسایل هنری غافل نماندند و بر اساس همان بینش وحدت گرایانه ی اسلامی، در این راه گام نهادند. پیشرفت آنان در این زمینه به گونه ای بود که در این فنون به ویژه معماری به الگو و راهبر اروپا تبدیل شدند.

۱_ معماری

۱_ معماری (۱)

بناهای اسلامی از شاهکارهای معماری در جهان به شمار می آید و مهم ترین نمود معماری اسلامی در سبک معماری، نقوش، تصاویر و تزئینات و

۱- ر.ک: معماری و تزئینات اسلامی، درک هیل واولگ گرابر، مهرداد وحدتی، دانشمند، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۱.

نقش و نگار مساجد به چشم می خورد. (۱)

مسلمانان با گرفتن سبک های گوناگون هنری و معماری از دیگر ملل، بدان غنا بخشیدند و بناهایی آفریدند که هنوز نیز در معماری، سر آمد است. برخی از این بناها عبارت است از: قبه الصخره، مسجد الاقصی، مسجد اعظم دمشق، مسجد عمر در بیت المقدس، چهل ستون اصفهان، مسجد قطب دهلی، مسجد جامع دهلی، نمازگاه مسجد طولون، باب السیاده جامع ازهر، مناره های جامع ازهر، برج رمله، مسجد جن، مسجد برقوق، دروازه ی باب الفتوح، چاه یوسف، مسجد الحیب در قیروان، مسجد جامع الکبیر در الجزایر، مسجد قرطبه، دروازه ی باب الشمس در الد، قصر اسپلیه، مسجد الحمراء در غرناطه، تالار دو خواهر در الحمراء، قصر شعوبیه، (۲) دروازه ی دمشق در بیت المقدس، دروازه ی حیفای در بیت المقدس، مسجد و آرامگاه سلطان خدابنده در سلطانیه، آرامگاه تیمور لنگ در سمرقند، مسجد شاه اصفهان، قصرهای راجه های هند، میدان نقش جهان اصفهان، مسجد ایاصوفیه قصر الحیر شرقی و غربی (۳) خربته المفجر و کاخ اخضر و ... (۴)

۱- وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، صص ۱۷۰ _ ۱۷۱.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۳۸۰، تراث الاسلام، شافت و بوزوری، برگردان: محمد زهیر الماهوری و دیگران، کویت، مجلس الوطنی للثقافه الفنون و الاداب، ۱۹۸۸، چ ۲، ج ۱، ص ۳۷۹.

۳- هنر و معماری اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، دانشگاه ماها (سمت)، ص ۳۸.

۴- هنر و معماری اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱، دانشگاه ماها (سمت)، ص ۹۹.

۲_ هنرهای تزئینی

۲_ هنرهای تزئینی

مسلمانان در دیگر هنرهای تزئینی مانند: گچ کاری، منبت کاری، خاتم کاری، نگارگری، معرق کاری، فلز کاری، حجاری، ترصیع، کنده کاری، سفال کاری، کاشی سازی، گل دوزی نیز آثار برزنده ای بر جا نهاده اند.

مهم ترین آثار دیدنی موزه های لوور پاریس و بریتانیا و ویکتوریا و دیگر موزه های بزرگ جهان از آثار هنرمندان مسلمان تشکیل شده است. امروزه در همه ی مناطقی که مسلمانان حکمرانی داشته اند، آثار ذوق و هنر آنان به چشم می خورد. یکی از یادگارهای بزرگ مسلمانان در کاشی سازی گلدان مشهور الحمراء است.

۳_ خط و خوش نویسی

۳_ خط و خوش نویسی (۱)

یکی از متعالی ترین نموده های هنر اسلامی که حقایق معنوی و عرفانی بسیاری را در خود بازتاب می دهد، خط و خوش نویسی است. هنگامی که مسلمانان در مدینه مستقر شدند، خط نویسانی هم چون سعید بن زواره، منذر بن عمرو و ابی بن کعب در آن جا می زیستند که علی علیه السلام و دیگر کاتبان وحی نیز به جمع آنان افزوده شدند. نخستین خط رایج در میان مسلمانان، خط کوفی بوده و مصحف هایی از این خط باقی مانده است که مصحف عقبه بن

۱- ر. ک: الخط و الکتابه فی الحضاره العربیه، یحیی وهیب الجبوری، بیروت، لبنان، دارالعرب الاسلامی ۱۹۹۴، چ ۱، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، عبدالرفیع حقیقت، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۱۶۷ _ ۱۷۷.

عامر، محصف حسن بن علی علیه السلام، مصحف حسین بن علی علیه السلام و مصحف زین العابدین علیه السلام را می توان نام برد. انواع خط های اسلامی بدین قرار است: کوفی، ثلث، نسخ، مغربی و اندلسی، توقیع، دیوانی، طغراء (طره)، تعلیق، رقعہ، ریحانی. ابوعلی محمد ابن مقله (۲۷۲ _ ۳۱۸)، خط نسخ محقق، ریحان، ثلث و رقاع را آفریده است. ابوالحسن علاء الدین علی بن هلال معروف به ابن بواب (م ۴۲۳) و یاقوت مستعصمی نیز از خوش نویسانی بودند که به تثبیت گونه های خط و تنزیه و تهذیب آن پرداختند. هم چنین باید گفت میر علی تبریزی معروف به قروه یا قبله الکتاب خط نستعلیق را آفریده است. (۱)

۴ _ موسیقی

۴ _ موسیقی

موسیقی از دیرباز در میان ملل گوناگون به ویژه اعراب، ایرانیان و رومیان رواج داشته و معمولاً با آوازخوانی و غنا همراه بوده است. سوگ مندانه موسیقی که باید در مسیر نیکی ها قرار گیرد، معمولاً با هرزه گی، خوشگذرانی و بی بندوباری همراه بوده است. تا آن جا که ولید بن یزید؛ خلیفه ی اموی که خود از هوس بازان مشهور روزگار بود، از آن بد می گفت. (۲) به همین دلیل، بیشتر فقیهان اسلامی به حرمت یا کراهت موسیقی حکم داده اند. البته درباره ی غنا، اختلاف نظر فراوان میان علما وجود داشته است.

۱- الخط الکتابه فی الحضاره العربیّه، صص ۲۰۱ _ ۲۳۶، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، صص ۳۴۶ _ ۳۵۳.

۲- تاریخ تمدن اسلام، ص ۸۹۸.

ی _ صنعت و فن آوری

اشاره

ی _ صنعت و فن آوری (۱)

در این بخش، تمدن مسلمانان را از نگاه دست آوردهای فن آوری آن بررسی می کنیم.

۱ _ مهندسی مکانیک

۱ _ مهندسی مکانیک

جزری و تقی الدین درباره ی دستگاه های بالا برنده ی آب مانند: سُدوف، ساقیه و ناعوره، پژوهش های فراوانی دارند. بهره گیری از نیروی آب به کمک چرخاب ها و آسیاب های آبی، بهره گیری از نیروی باد به کمک آسیاب های بادی، ساخت ساعت های آبی و ساعت های مکانیکی مانند: ساعت دروازه ی جیرون دمشق از کارهای محمدالساعاتی (نیمه ی قرن ۶) به شمار می رود. برادران بنی موسی و ابو عبدالله خوارزمی، مرادی و جزری نیز در زمینه ی ساخت ماشین ها، مشهورند. هم چنین ساخت اسطرلاب های مهندسی، دیگر وسایل ستاره شناسی و اسباب بازی های مکانیکی از دستاوردهای مسلمانان در مکانیک است.

۲ _ مهندسی معماری

۲ _ مهندسی معماری

۱- صنایع مسلمین، احمد یوسف حسن و دونالد ر. هیل، برگردان: اردشیر اشراقی، تهران، مرکز نشر قبله، ۱۳۷۷، چ ۱، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، زکی محمد حسن، برگردان: محمد علی خلیلی، انتشارات اقبال، ۱۳۶۶، راهنمای صنایع اسلامی، م.س دیماند، برگردان: عبدالله فریار، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶، چ ۱: الفنون الاسلامیه، م.س دیماند، برگردان: احمد محمد عیسی، قاهره، دارالمعارف مصر؛ موسوعه العماره و الآثار و الفنون الاسلامیه، حسن باشا، قاهره، مکتبه دارالعربیه للکتاب، ۱۴۲۰هـ، چ ۱.

در این صنعت باید از تکنولوژی ساخت بنا یاد کنیم که مسلمانان در آن به مهارت کاملی دست یافتند. بناهای تاریخی مانند: قبه الصخره، مسجدالاقصی، جامع اموی دمشق، قصر الحمراء غرناطه، و مسجد ابن طولون مصر، از این نمونه هاست. ساخت جاده و پل با امکانات لازم برای مسافرت، پیشرفت دیگر مسلمانان بود. جاده های اصلی مانند: اسکندریه، فاس، و سمرقند، راه ها را با سنگ، فرش می کردند و پل هایی با قوس های نیم دایره و شکسته ی تکراره می ساختند که نمونه ی آن پل شهرستانه در اصفهان است. آبیاری زمین های کشاورزی با پیشرفته ترین وسایل، ساخت سدهای بزرگ مانند: سد عضدالدوله بر روی رود گر و مساحی و به دست آوردن ابعاد اجسام (۱) از دیگر تلاش های مسلمانان در مهندسی معماری به شمار می رود.

۳- صنایع نظامی

۳- صنایع نظامی

ساخت و نوآوری در سلاح های رزمی مانند: شمشیر، سپر، نیزه، کمان، کمان زنبورکی، منجنیق کششی و تعادلی، استحکامات دفاعی و برج و باروهای استوار و نفوذناپذیر، ایجاد ارتباطات نظامی، به کارگیری اسلحه های آتش زا، باروت و توپ و نارنجک ها، موشک ها، فتیله ها، اژدرها، و دگرگونی آرایش های نظامی و جنگی (۲) از کوشش های مسلمانان در صنایع نظامی است.

۱- تاریخ مهندسی در ایران، مهدی فرشاد، انتشارات دانشگاه پهلوی، ۲۵۳۶، چ ۱، صص ۳۶۶ - ۳۷۲؛ صص ۳۸۹ - ۴۰۰.

۲- صنایع مسلمین، صص ۱۲۳ - ۱۵۷.

۴_ کشتی سازی و کشتی رانی

۴_ کشتی سازی و کشتی رانی (۱)

مقدسی (در قرن چهارم ه. ق) نام چندین نوع کشتی را فهرست کرده است که انواع بیشتری از آن ها در قرن های بعدی تکمیل شد و به بهره برداری رسید. در شرق جهان اسلام، تخته ها را با طناب به یکدیگر می بستند، ولی در بخش مدیترانه ای، از میخ های آهنی برای این کار بهره می بردند. البته در هر دو حالت، الوارها را با زفت یا قیر، درزگیری می کردند. وجه شاخص کشتی های مسلمانان، بادبان مثلثی بود که به الواری سنگین بسته می شد و با زاویه ای از دکل آویزان می گردید. مسلمانان در شهرهای گوناگون، کارخانه های کشتی سازی برپا کرده بودند که بدین قرار است: ابله، بصره، سیراف، سوهار، جزیره روضه، عکا، طائر، اسکندریه (مياط) فسطاط، طرابلس، تونس، سویله، بلنسیه، پالمو و مهدیه.

مسلمانان در کشتی رانی بازرگانی، بسیار کوشا بودند و در ساخت وسایل دریانوردی و کشتی رانی به پیشرفت های چشم گیری رسیدند. آنان می توانستند به هند، سریلانکا، مالایا، فیلیپین، اندونزی و چین و دیگر مناطق دورافتاده سفر کنند. اوج دست آوردهای دریانوردی مسلمانان در نوشته های ابن ماجیر (نیمه ی دوم قرن نهم) متبلور است. مسلمانان افزون بر کشتی های بازرگانی، به ساخت ناوگان های جنگی نیز دست زدند که با همین ناوگان ها توانستند بسیاری از شهرهای مهم مانند: سیسیل و سواحل ایتالیا و جنوب فرانسه را بگشایند.

۱- سرگذشت کشتی رانی ایرانیان، پروفیسور هادی حسن، برگردان: امید اقتداری، مشهد، شرکت به نشر انتشارات آستان قدس رضوی چ ۱، ۱۳۷۱، دریانوردی ایرانیان، اسماعیل رائین، تاریخ چاپ نامعلوم.

۵_ صنایع شیمیایی**۵_ صنایع شیمیایی**

تکاپوی مسلمانان در زمینه ی صنایع شیمیایی، صفحه ی درخشان دیگری از تمدن آنان را به نمایش می گذارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم: نوآوری در روش تقطیر به دست آوردن الکل، عطرها، گلاب و روغن های خوش بو، پالایش نفت، تولید روغن و چربی های صنعتی، اسیدهایی مانند: اسیدنیتریک، تیزاب سلطانی، اسید سولفوریک، آلی، و بازهایی هم چون: شوره ی اشنان، قلیا، سود سوزآور، آهک، صابون ابلور، ساخت کوره ها و ابزارهای لازم، شکل دهی، پخت و لعاب دهی سفالینه ها، بلورتراشی و میناکاری. (۱)

۶_ منسوجات، کاغذ و چرم**۶_ منسوجات، کاغذ و چرم**

مصر از روزگار باستان به دلیل پارچه ی کتان و بزرگ معروف بود، ولی در دوره ی اسلامی، تولید آن به ایران و کشورهای دیگر گسترش یافت. هرچند پنبه را در مصر و هند می شناختند، ولی پس از ظهور اسلام، اهمیت بیشتری یافت. مسلمانان، صنعت منسوجات پنبه ای و ابریشمی را به همه ی کشورهای اسلامی بردند و به اروپاییان شناساندند. بدین ترتیب پارچه های ساخت سرزمین های اسلامی به غرب راه یافت که حتی امروزه نیز در برخی کلیساها، پوشش های ابریشمی به چشم می خورد که جمله ی مقدس لاله الاالله بر آن نقش بسته است. مسلمانان در تکمیل و گسترش دستگاه های بافندگی و ریسندگی نیز بسیار کوشیدند و پارچه های آنان در داد و ستد از ارزش بالایی برخوردار بود. ابن مبرد ۱۰۰ صنف را در درون این صنعت برشمرده است.

گفتنی است صنعت کاغذ مسلمانان از سمرقند آغاز گشت. مسلمانان در پایان قرن دوم، کارخانه های کاغذسازی را در بغداد بنا نهادند و تا قرن چهارم، آسیاب های شناور کاغذ بر روی دجله ساخته شد. برخی نوآوری های مسلمانان در این صنعت بدین قرار است: ساخت قالب ساخته شده از نی، به کارگیری کتان و پنبه و کهنه های کتان در کاغذسازی، تخمیر کهنه ها، آهارزنی کاغذ، بهره گیری چکش سنگین ضربه ای برای کوبیدن کهنه ها، به کارگیری چرخاب برای به حرکت درآوردن چکش سنگین ضربه ای در آسیاب های کاغذ و ساختن کاغذ به رنگ های گوناگون.

صنعت چرم نیز یکی از صادرات مهم کشورهای اسلامی را تشکیل می داد، به گونه ای که در قرن هفتم، مالیاتی که بر دباغ خانه های حلب وضع شده بود، از مجموع مالیات های دیگر صنایع فراتر می رفت. افزون بر آن صحافی، پیشه ای مورد تکریم بود که گاهی فضلا، آن را بر عهده می گرفتند. گفته اند تذهیب جلد از ایران برخاسته و از راه ونیز به انگلستان رسیده است. این فن بعدها در انواع مصنوعات چرمی به کار رفت. (۱)

۷_ کشاورزی و صنایع غذایی

۷_ کشاورزی و صنایع غذایی

با ورود اسلام به سرزمین های جدید و آشنایی مسلمانان با محصولات مانند: برنج، ذرت خوشه ای، گندم، نیشکر، پنبه، هندوانه، بادنجان، اسفناج و... انقلاب کشاورزی رخ داد. با آمدن فصل کشت تابستانی و آشنایی با چرخه ی محصول، استفاده ی افزون تری از زمین به عمل آمد. در شیوه های معمول

کشاورزی رومی و بیزانسی، زمین تنها هر دو سال یک بار محصول می داد، ولی با انقلاب مسلمانان در کشاورزی و بهره گیری از چرخه ی محصول، در هر دوره ی ۲۴ ماهه، امکان برداشت محصول برای چهاربار یا بیشتر فراهم گشت. هم چنین فنون کاوش منابع نهفته و شیوه های زیرزمینی برای گردآوری و انتقال قنات ها کشف شد. زمین های بایر یا کم حاصل به گونه ای فراگیر زیرکشت رفت و در ساخت ابزار کشاورزی، پیشرفت های مهمی به دست آمد. کتاب های مهمی نیز مانند: الفلاحه النبطیه از ابن وحشیه در کشاورزی نگاشته شد. مسلمانان در صنعت آرد و نان _ نان گندم و برنج _ گام های بزرگی برداشتند و صنعت شکر را که پس از ورود به ایران با آن آشنا شده بودند، در همه جا گسترش دادند. هم چنین در به دست آوردن روغن های گیاهی خوراکی و دگرگون ساختن شیوه های روغن کشی و تولید فرآورده غذایی، بسیار کوشیدند. گفتنی است در صنعت گوشت، انواع گوشت های پخته و کنسرو شده، نقانق (سوسیس) و شرائب (گوشت بریده شده) در دسترس مصرف کننده بود. آنان در صنعت خشکبار، کنسروسازی، ترشی سازی، تولید انواع نوشیدنی ها و به کارگیری روش های کنترل کیفیت غذا نیز به نوآفرینی هایی دست یازیدند.

۸ _ معدن و فلزکاری

۸ _ معدن و فلزکاری

سرزمین های اسلامی از نظر وجود سنگ ها و مواد کانی بسیار غنی بودند. معادن طلا در غرب عربستان، مصر، آفریقا و سرزمین های شرقی یافت می شد. نخستین منطقه ی مهم استخراج معدن طلا در وادی العلقی در کشور بوجه _ میان اتیوپی و نوبیه _ قرار داشت. معادن نقره به ویژه در کوه های هندوکش،

ایران، آسیای مرکزی، شهرهای پنج هیرو جاربایه و اسپانیا، سرب در اسپانیا، سیسیل، مغرب، ایران، مصر و آسیای صغیر، مس در اسپانیا، ایران و قبرس و قلع در مالزی یافت می شد. آهن، فولاد، جیوه، نمک، زاج یمن، پنبه ی نسوز، سنگ های قیمتی مانند الماس، عقیق در بیشتر سرزمین های مسلمانان استخراج می گشت.

مسلمانان در تکنولوژی استخراج معدن از دو روش زیرزمینی و باز بهره می بردند. آنان در طراحی و ساخت ابزار استخراج معدن، تهویه ی معدن، زه کشی معدن، تزئین سنگ های معدنی، استخراج مروارید و منابع زیرآبی و لایروبی دریا، فلزکاری ترکیبات بدون آهن مانند: طلا، نقره، سرب، قلع، روی، آنتیمون و آرسنیک، مس و آلیاژهای آن، مفرغ و برنج نوآوری های بسیاری انجام دادند. هم چنین در صنعت آهن و فولاد، چدن را کشف کردند و در به کارگیری مواد آهنی و فولادی در ساخت شمشیر و وسایل نظامی دیگر مانند تفنگ و ظروف مخصوص ذوب فلز، پیشرفت چشم گیری داشتند.

۹_ مهندسان و صنعت گران

۹_ مهندسان و صنعت گران

مسلمانان بیش و پیش از یونانیان، رومیان و نیز ایشان، فن آوری را به عنوان شاخه ی جدایی ناپذیر علم می شناختند. نگاهی به مفتاح العلوم خوارزمی، رسائل اخوان الصفا و الفهرست ابن ندیم، این موضوع را به خوبی آشکار می سازد. مهندسان و معماران در جامعه ی اسلامی از جایگاه اجتماعی ممتازی برخوردار بودند و معمولاً عنوان مهندس را به نام فردی که دست اندرکار این پیشه بود، می افزودند. در مآخذ عربی مانند الفهرست و دیگر کتاب های تراجم و زندگی نامه، به نام هایی از این دست بر می خوریم. البته بسیاری از علمای

مسلمان که در علوم و فنون عقلی و نقلی دیگر مهارت داشتند، در این فن نیز ممتاز بودند که به کندی رازی، برادران بنی موسی، ابن هیشم، بیرونی و جزری می توان اشاره کرد. شاخه های مهندسی عبارت بود از: علم بنا، تکنولوژی نور (اپتیک) مراکز ثقل، مسیاحی، رودها و آب راه ها، پل سازی، اکتشاف آب های زیرزمینی، قرقره ها، ماشین های نظامی، دریانوردی مساحت ها، اوزان و مقیاس، ماشین های مبتکرانه و نجاری. (۱)

نام برخی از این نجاران و کنده کاران بدین قرار است: حسین بن حاجی تهنجانی، علی نجار تبریزی، محمد بن علی نجار رازی، استاد حسین، حسین بن استاد احمد نجار، استاد محمدخان گیلانی، عبدالفتاح لاهیجی، استاد ملا آقا جان، استاد مظفر، استاد محمود، استاد الله قلی نجار، استاد حسین نجار باشی، استاد عبدالله درویش مرتضی و استاد عبدالغنی. (۲)

همان گونه که می بینیم ایرانیان و شیعیان در علوم نقلی و صنعت و فن آوری اسلامی، نقشی محوری و برجسته دارند.

۱- صنایع مسلمین، ص ۳۶۱.

۲- برای اطلاع از نام و آثار استاد کاران، معماران، بنایان، نجاران، کاشی کاران و... ر.ک: معماری دوره ی اسلامی، محمدیوسف کیانی، صص ۴۳۲ _ ۴۷۰.

بخش پنجم: آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

اشاره

بخش پنجم: آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

زیر فصل ها

آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

اشاره

آسیب شناسی فرهنگی تمدن مسلمانان

بی شک، تمدن مسلمانان در طول قرن های متمادی به چنان رشد و بالندگی دست یافته است که امروزه چشم هر روشن اندیش با انصافی را خیره می سازد. با این حال، این تمدن سترگ با آسیب ها و آفت های بسیاری روبه رو بوده است که همین مسأله، اندیشمندان و صاحب نظران را به کاوش در عوامل پیدایش این انحطاط و عقب گرد واداشته است. برای نمونه، گوستاو لوبون هنگام برشمردن عوامل انحطاط تمدن مسلمانان به ناهم آهنگی به سازوکارهای اسلامی با شرایط زمانه و وجود اختلاف های قومی و آمیختگی های خونی اشاره کرده است. البته به این سخن، اشکال بسیار وارد است؛ زیرا چنان که پیش تر گفتیم اسلام، پاسخ گوی نیازهای زمانه بوده است و اگر چنین اشکالی نیز وجود داشته باشد، به عملکرد مسلمانان بر می گردد نه ساختار اسلام. در این بخش به آسیب های فراروی این تمدن می پردازیم:

۱ _ یورش بیگانگان (مغولان و تیموریان)

۱ _ یورش بیگانگان (مغولان و تیموریان)

«مطالعه ی تطبیقی تمدن های شناخته شده نشان می دهد که اضمحلال اجتماعی، فاجعه ای است که کلید رمز آن را باید در نهاد جنگ جست و جو کرد تا جایی که امکان تجزیه و تحلیل ماهیت انهدام تمدن ها و موجبات آن فراهم است، به طور یقینی می دانیم که انهدام تمدن ها ناشی از جنگ است، ولی هم چون دیگر آفات زمانه، جنگ نیز نابکارانه خود را پذیرفتنی می نمایاند و

حلقوم شیفتگان خود را چنان می‌گیرد که دیگر راه‌گریزی باقی نمی‌ماند»^(۱) در روند اضمحلال و انحطاط تمدن مسلمانان نیز، عامل جنگ و یورش‌های بیگانگان، عامل مهمی به‌شمار می‌رود. یورش مغولان، نخستین و سهمگین‌ترین تهاجم شکننده‌ی بیگانگان بود که توان تمدن مسلمانان را فرسود. یورش خونین چنگیز برای تمدن و فرهنگ ایران و مسلمانان، پی‌آمدهای شومی داشت. آبادی‌ها، دیرها و شهرها، ویران و کتاب‌خانه‌ها و آثار معماری و هنری، نابود گردید و دانشمندان، رزم‌آوران، کشاورزان و مردم بی‌شماری، کشته شدند. پیشه‌وران، صنعت‌گران و کارگران ماهر را به مغولستان بردند و کتاب‌خانه‌ها، آثار هنری، انبارهای غله و گنجینه‌های دیگر به تاراج رفت.

ضربه‌ی شمشیر خون چکان مغول و تهاجم وحشت‌انگیز آنان، فرهنگ و سرمایه‌ی معنوی مسلمانان را بر باد داد و دل‌بستگی به آبادی جهان، دانش‌ورزی و هنردوستی و کار و کوشش، کاهش یافت. این‌اثر می‌نویسد:

مصیبتی بزرگ است که گشت روزگار هنوز مثل آن نیاورده و آتش آن دامن‌خلایق عموماً و مسلمانان را خصوصاً گرفته است.^(۲)

پس از مغول، علم و ادب در ایران پژمرد و به انحطاط گردید. اگرچه تلاش‌های بسیاری جهت باروری هرچه بیشتر اندیشه‌ی اسلامی روی داد، اما

۱- جنگ و تمدن، آرنولد توین‌بی، برگردان: خسرو رضایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۱۶.

۲- هجوم اردوی مغول به ایران، عبدالعلی دستغیب، تهران، انتشارات علم، چ ۱، ۱۳۶۷، ص ۱۳.

دیگر تمدن اسلامی نتوانست عظمت گذشته را دریابد. صاحب نظران، در علل هجوم مغولان، دیدگاه های مختلفی ابراز داشته اند. قدرت یافتن ترکان قباچاقی و ترکان خاتون، پراکندگی رأی سران لشکر خوارزمشاه، خیانت برخی صاحب منصبان، وجود اختلاف با خلیفه ی عباسی و عدم قاطعیت سلطان محمد خوارزمشاه، از جمله این عوامل دانسته شده است. برخی نیز با دفاع از خوارزمشاه، دسیسه چینی های الناصر لدین الله ؛ خلیفه ی عباسی و تحریکات او برای حمله ی مغول به ایران و نقش منفی صوفیان را در ایجاد زمینه ی خمودی و بی عملی، برجسته پنداشته اند.^(۱)

گفتنی است پس از مغول، بیگانگان چندین بار به سرزمین های اسلامی یورش آوردند که مهم ترین آن ها لشکرکشی تیمور بود. در لشکرکشی تیمور، بار دیگر جلوه های فرهنگ و تمدن مسلمانان آماج هجوم وحشیانه قرار گرفت.

۲- کج روی های فکری و اخلاقی

۲- کج روی های فکری و اخلاقی

بزرگ ترین عامل پس ماندگی مسلمانان را باید انحراف آنان از اصول و آموزه های اساسی اسلام دانست. نسخ شدن روح اصیل باورهای اسلامی درک نادرست از مقتضیات روز و نیازهای زمانه، مقابله گری با دستگاه فکری اجتهاد، نوآوری و اندیشه ورزی، گسترش روحیه ی گوشه نشینی و تصوف منفی، دگرگونه جلوه دادن دیدگاه های پیشرفته ی اسلامی برای توجیه اعمال و افکار غیراسلامی و چیرگی گرایش های سطحی نگر و ظاهرپرستانه از عوامل پس

۱- ر.ک: هجوم اردوی مغول به ایران، عبدالعلی دستغیب، تهران، انتشارات علم، چ ۱، ۱۳۶۷، صص ۱۷ _ ۲۸.

ماندگی مسلمانان به شمار می رود. همین موارد، اندیشمندانی هم چون: سیدجمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، سید قطب، شهید مطهری و امام خمینی رحمه الله را به رویارویی با آن ها واداشته است. باید گفت مسلمانان با انحراف از برخی اصول اسلامی مانند: قضا و قدر، اعتقاد به معاد، زهد، تقیه، شفاعت و انتظار، از گردونه ی پیشرفت عقب ماندند.

مسأله ی قضا و قدر و اعتقاد به سرنوشت از عوامل اصلی پیشرفت اسلام بود، ولی رفته رفته به دلیل ناآگاهی و غرض ورزی ها، چنان از روح جبری گری آکنده شد که آن را به سکون کشانید. باورداشتن معاد نیز یکی از ریشه دارترین مسایل اعتقادی اسلام است که در تحرّک آفرینی، زندگی سازی و برپا داشتن شور و اشتیاق در روح مسلمانان نقش اساسی داشت. سوگ مندانه این باور نیز با وجود آیات بی شمار قرآنی درباره ی پرداختن به مسایل دنیوی و آبادانی زمین، مفهوم تخییری و معنایی خمود کننده به خود گرفت. هم چنین زهد که می توانست پایه ی تمدن مسلمانان را مستحکم تر سازد، با نگرش های افراطی و صوفی گرایانه، مفهوم پویایی ستیز و رخوت آور یافت. تلاش های این جهانی ناپسند شمرده شد و درستی و خیر تنها به عبادت های شخصی محدود گشت.

در حالی که زهد نه آن است که انسان، چیزی را در ملک خویش نداشته باشد، بلکه حقیقت زهد این است که انسان، اسیر چیزی نباشد و به ملکیت آن درنیاید. (۱)

۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۲۹۴، مفهوم حدیثی از امام صادق.

آری، زهد بریدن از فعالیت های این جهانی نیست، بلکه به قناعت، ایثار، هم دردی با آدمیان و مبارزه با تجمل گرایی، اسراف و تبذیر است.

درباره ی تقیه نیز چنین شرایطی حاکم شد. تقیه که حربه ای بود برای رهاندن مکتب و عقیده از خطر نابودی، در شرایط حساس و بحرانی دست مایه ای برای سازش کاری های سیاسی، فرار از بار مسؤولیت و دم بر نیاوردن در برابر جنایت و ستم تبدیل گردید که در واقع، تقیه تاکتیکی مشخص و دوره ای است، به استراتژی همیشگی بدل شد.

می دانیم شفاعت و انتظار، پدید آورنده ی روح امید در آدمی و شتاب دهنده ی حرکت اجتماعی بشر است. با این حال، پس از انحراف مسلمانان از اصول اساسی اسلام، شفاعت و انتظار نیز به فرهنگ ایستایی و تسلیم تغییر چهره داد. در این دوران، عوام در گرداب جهل و خرافه و تعصب های بی منطق و زیاده خواهی های بی انجام فرو رفته بودند. هم چنین خواص یا خود بدان دامن می زدند یا زبان فرو بسته بودند. گروه اندکی نیز که زبان به اعتراض و آگاهی مردم می گشودند، با خشم عوام و خواص بهره مند از جهالت عوام روبه رو می گشتند.

افزون بر انحراف فکری، ورود تدریجی به منجلاب فساد اخلاقی و یا پرداختن افراطی به مسایل جنسی و جسمی، عیاشی های بی سابقه، شراب خواری ها و استعمال و گسترش باده نوشی و لهو و لعب در دستگاه خلفا و حکومت گران مسلمان و راه یافتن این فرهنگ به جمع مردم به انحطاط اخلاقی مسلمانان انجامید.

۳_ اختلاف های قومی، مذهبی و سیاسی

۳_ اختلاف های قومی، مذهبی و سیاسی

هرچند قرن چهارم و پنجم ه. ق، عصر طلایی اندیشه و دوران بلوغ فرهنگ و تمدن مسلمانان به شمار می رود، ولی باید اعتراف کرد که در همین دوران رشته ی وحدت سیاسی امپراتوری اسلامی از هم گسیخت و شکوه و ابهتی که حکومت های نخستین خلفای بغداد داشتند، از بین رفت.

آیینی که قصد داشت برای جهان پر آشوب، صلح و آرامش و انسانیت و برادری جهانی به ارمغان آورد، خود، پس از مدتی به تیغ تعصب های برآشفته از شهوت قدرت طلبی، صدپاره شد. «در مسیحیت، شرارت هایی که از وجود آن ها ابراز تأسف می کنیم، ناشی از ناقص بودن نظام و عدم سازگاری آن با نیازهای بشری بود، ولی در اسلام، شرارت هایی که ناچار به شرح آن خواهیم بود، از طمع دنیاخواهی و غرایز شورش طلبی افراد و طبقات ناشکیب بر قانون و نظم اخلاقی ناشی می گردید».^(۱)

فرقه گرایی و اختلاف های اعتقادی، سیمای واقعی اسلام را زیر هاله ای از پندارهای نادرست، پنهان نگاه داشت و نیروی رهایی بخش مسلمانان را که باید در راه نجات انسانیت از دست صاحبان زر و زور و تزویر به کار می رفت، به هدر داد. برآمدن فرقه هایی مانند: شیعه و سنی، معتزله و اشاعره، مرجعه و شعوبیه، قدریه و مفوضه، اخباری و اصولی و خوارج که خود به گروه ها و شاخه های دیگری تقسیم شدند، نخستین بلای خانمان برانداز بود که دامان

۱- تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، امیرعلی، برگردان: ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مشهد، مؤسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۷.

مسلمانان را گرفت. در این گیر و دار، حکومت گران نیز بر اساس مصلحت خویش به پشتیبانی از این گروه یا آن گروه بر می خواستند و با حربه ی «مذهب علیه مذهب» به تحکیم پایه های زورمندی خود می پرداختند.

برای نمونه در زمان مأمون، معتزله از پشتیبانی حکومت برخوردار گشتند و دیگر گروه های مذهبی به خشم حکومت دچار شدند. گفتنی است در زمان متوکل، ورق برگشت و معتزله مغضوب دستگاه گردیدند. افزون بر آن، پس از پیروزی ایوبیان بر فاطمیان در مصر، بساط معتزله برای همیشه برچیده شد و مذهب اشعری جای گزین آن گردید. سوگ مندانه، وضع به گونه ای شد که مسلمانان، سلطه ی دشمن بیگانه را می پذیرفتند ولی هم زیستی با یکدیگر را بر نمی تابیدند. جنگ و جدال مذهبی در بغداد، ری، نیشابور، اصفهان و... هر روز قربانیان بی شماری می گرفت و آن چه در این میان لگدکوب می گشت، فرهنگ و تمدن اسلامی بود. قرامطه در دو هجوم خود به مکه بیش از ۲۳ هزار نفر را کشتند. یکی از فرمانروایان خراسان نیز بیش از ۱۰۰ هزار نفر از باطنیه را قتل عام کرد و از سرهای آنان مناره ها ساخت که بر بالای آن ها اذان می گفتند. هم چنین در فتنه ی صاحب الزنج، بیش از ۵۰۰ هزار بی گناه به تیغ تعصب از بین رفتند. در جنگ میان سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی، ۴۰ هزار نفر شیعه کشته شدند و از سرهای آنان مناره ساخته شد. در زمان معاصر نیز شاهد فرقه سازی های خطرناکی هم چون وهابیت، باییت و بهائیت بوده ایم.

افزون بر جنگ های مذهبی که به ستیزه های وحشتناک و خون بار انجامیده است، باید به جدال ها و ستیزهای سیاسی و نظامی حکومت گران گوناگون اشاره کرد. این جنگ ها و گریزهای خونین که بیشتر به دلیل قدرت طلبی ها و

پدید آمدن بحران مشروعیت رخ می داد، جهان یکپارچه ی اسلام و سرزمین های مسلمان نشین را به بخش های پراکنده و پاره پاره بدل ساخت. واپسین مورد آن، امپراتوری عثمانی بود که با وضعیتی اسف بار به سرزمین هایی تکه تکه شده تبدیل شد و استعمار سیاسی و فرهنگی توانست به راحتی در آن ها رخنه کند.

۴_ رهبران ناآگاه، خودکامه و فاسد

۴_ رهبران ناآگاه، خودکامه و فاسد

دیگر عامل عقب ماندگی مسلمانان، حکمرانی رهبران نالایق و زمام داران خودکامه بر سرزمین های اسلامی بوده است. با همه ی تفاوت هایی که حکومت گران گوناگون با یکدیگر داشتند، آنان در خوی سلطه گری و خودکامگی مشترک بودند. معاویه، امپراتوری اموی را بنیان نهاد و بی توجهی به احکام الهی را رواج داد. یزید بن معاویه، ولید بن یزید بن عبدالملک و یزید بن عبدالملک، سه تن از فاسدترین و پست ترین خلفای اموی بودند که در نابودی بنیان های جامعه ی اسلامی، نقش ویران گری داشتند. پس از امویان نیز حکومت خودکامه تر عباسیان به خلافت رسید. جرجی زیدان می نویسد:

دولت عباسی که دوره ی جوانی و نیرومندی خود را پیموده بود، رو به پیری و سقوط می رفت. خلفای عیاش چنان به عیش و نوش پرداختند و از مملکت غافل ماندند که بدون اجازه ی ترکان نمی توانستند حکومت کنند و آنان هم جز پول چیز دیگری نمی شناختند. دین و وطن و مذهب و ملت همه چیز پول شد و ترکان همه کاره گشتند و زورگویی و بیدادگری اساس کارها گشت. (۱)

۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، صص ۳۶۳ _ ۳۶۴.

همین وضعیت در میان زمام داران اموی اسپانیا نیز وجود داشت. اندلس که به صورت مظهر تمدن اسلامی در اروپا درآمده بود، کم کم با رهبری های نادرست آنان و عوامل دیگری هم چون: گسترش اختلاف های داخلی با خیانت های پی در پی صاحبان منصب و نفوذ کارگزاران مسیحی، اشاعه ی می خواری و شهوت رانی در میان جوانان، نفوذ گسترده ی مسیحیان و یهودیان در عرصه های فرهنگی و اداری و چند دستگی اقوام عرب، بربر و صقالبه از هم گسیخت. این وضعیت اسف انگیز با آمدن چنگیز و مغولان و پس از آن، تیمور لنگک، فزونی گرفت و حتی پس از مرگ تیمور فرو نشست. دولت عثمانی و صفوی نیز به همان راهی رفتند که دیگران رفته بودند. ویل دورانت درباره ی زمام داران عثمانی و بی کفایتی آنان چنین می نویسد:

حکمرانان عثمانی اگرچه بیش از هر سلسله ی مسیحی بر سر کار ماندند، ولی به تدریج فاسد می شدند؛ زیرا اوقات خود را در حرمسرا می گذراندند و زمام امور را به دست وزیران زودگذری رها می کردند که مقام ناپایدارشان، آنان را بدین فکر می انداخت که برای دوره ی برکناری خویش، ثروتی بیاندوزند.^(۱)

چنین وضعیتی در دوره های صفویه، قاجاریه و پهلوی به خوبی دیده می شود.

۵_ فعالیت های تخریبی اقلیت های مذهبی

۵_ فعالیت های تخریبی اقلیت های مذهبی

در کنار عواملی که برشمرده شد، باید از فعالیت اقلیت های مذهبی در قالب چهره های مسلمان یا فعالیت های تبشیری نام برد که در تخریب چهره ی اسلام

۱- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۳۷۲.

می کوشیدند. کعب الاحبار، وهب بن منبه، اسباط، جریح، زکریا، ابوهریره روسی که به ظاهر اسلام آورده بودند، با وارد کردن اسرائیلیات و اباطیل در دین و جعل روایات بی شمار، نقش پیاده نظام دشمنان اسلام را ایفا می کردند. افزون بر آن، مسیحیان با فعالیت های تبشیری و گسترش ابتدال، پایه های اعتقادی مسلمانان را سست می کردند و با در دست گرفتن مناصب مهم اداری، سیاسی و اجتماعی، زمینه را برای نفوذ استعمار سیاسی و فرهنگی به کشورهای اسلامی فراهم می آوردند.

استعمارگران برای درهم شکستن هرگونه مقاومت داخلی، با بهره گیری از وجود برخی خاورشناسان، نویسندگان، آموزگاران مدارس، پزشکان، پرستاران، گویندگان، زمام داران و رسانه های همگانی، به قداست زدایی از دین و شبهه افکنی در مبانی اسلام پرداختند. آنان برای تحکیم پایه های سلطه ی خویش در جامعه های اسلامی به اقدام های زبردست زدند: برهم زدن وحدت عقیدتی و سیاسی فرقه سازی ها، تحریک احساسات نژادی و ملی، گسترش فساد و بی بند و باری، گسستن پیوند مردم با گذشته ی خویش، تخریب چهره های اصیل و روشن اندیش اسلامی، گسترش اندیشه ی جدایی سیاست از دیانت، بهره گیری از روابط اقتصادی برای ضربه پذیر کردن مسلمانان، تلاش برای حذف قوانین اسلامی و جایگزین ساختن برنامه های غربی.

در این زمینه باید به پیوند استعمار با صهیونیست و کلیسا، توجه کرد که نفوذ و تلاش های پی گیر صهیونیست ها برای به شکست کشاندن فرهنگ و تمدن مسلمانان دهه های اخیر بیش از پیش گسترش یافته است.

۶_ خودباختگی در برابر غرب

۶_ خودباختگی در برابر غرب

خودباختگی در برابر تمدن غربی، مسلمانان را به رکود و سکون و پیروی کورکورانه از فرهنگ و تمدن غرب واداشته است. با گسترش خودباختگی کشورهای اسلامی، جهشی شتابان به سوی غرب گرایی و پیروی از مظاهر غیربنیادی تمدن غرب پدید آمد، در واقع ره آورد نامیمون مسلمانان از این ورطه، از دست دادن هویت خویشتن بود. بنابراین، اگر بخواهیم با این عامل انحطاط، به درستی مبارزه کنیم، می بایست به ارزیابی درست و همه جانبه ی تمدن غرب پردازیم و با الهام گرفتن از تمدن سترگ اسلامی و گذشته ی پرافتخار خویش، به بازسازی و بازشناسی هویتی و تمدنی خود دست زنیم.

بخش ششم: تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

اشاره

بخش ششم: تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

زیر فصل ها

تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

اشاره

تمدن مسلمانان، تمدن غرب و جهان معاصر

زیر فصل ها

۱_ نقش تمدن مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب

۲_ اسلام، ایران و تمدن معاصر

۱_ نقش تمدن مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب

اشاره

۱_ نقش تمدن مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب (۱)

بی شک رنسانس (نوزایی) که احیاگر فرهنگ و تمدن یونان و زنگ بیدار باش اروپا برای شکل بخشیدن به تمدن غرب بود، مرهون آثار علمی و فرهنگی جهان اسلام است. نقش علوم اسلامی و دانشمندان مسلمان در بیداری جامعه ی غربی به گونه ای انکارناپذیر است که حتی غربیان نیز به دیده ی پذیرش بدان می نگرند. هر چند برخی ذهن گرایان غربی بر اساس اغراض سیاسی، فرهنگ اروپای مرکزی را زاده ی بی واسطه ی یونان قدیم می دانند، ولی واقعیت آن است که تمدن از جهان اسلام به اروپا راه یافت. نویسندگانی فرهنگ اسلام در اروپا با اشاره به نقش مسلمانان در دگرگونی تمدن غرب و بیان و نقد دیدگاهی که مسلمانان را تنها حامل تمدن یونانی می انگارد، چنین می نویسند:

شکوفایی تمدن اسلامی در برابر تمدن یونان بود و همین مسلمانانند که خیلی مستقیم تر و چند بعدی تر از یونان، جهان غرب را تحت تأثیر قرار دادند. آن چه تاریخ نویسان اروپایی در مورد نقش ۸۰۰ ساله ی تمدن اسلامی بیان می کنند، این است که می گویند مسلمانان سبب رساندن گنجینه ی تمدن یونان به اروپا

۱- فرهنگ اسلام در اروپا، ج ۱ و ۲، زیگرید هونکه، برگردان: مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، چ ۱؛ نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ذکر الله محمدی، تهران، دانشگاه بین المللی امام خمینیه، ۱۳۷۳، چ ۱؛ اسلام در غرب، نورالدین آل علی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، چ ۱؛ تأثیر اسلام در اروپا، مونتگمری وات، برگردان: یعقوب آژند، ۱۳۶۱، تهران، انتشارات مولی، چ ۱.

بودند. این تنها چیز مثبتی است که اروپایی ها درباره ی مسلمانان اظهار کرده اند. در حالی که با این بیان، نقش مسلمانان را در حد یک نامه رسان تاریخ، تخفیف می دهند به گونه ای که گویا اینان تمدن یونان قدیم را از لای درب به داخل اروپای غربی، فرو کرده و رفته اند.^(۱)

در زمانه ای که اروپا در بربریت و نیمه وحشی گری می زیست (به جز قسطنطنیه و بخش هایی از ایتالیا)، تمدن مسلمانان مراحل اوج خود را می گذراند. برای نمونه «ماریا؛ راهبه ی قرطبه در نامه ی خود به اسقف طلیطله از رنج و محنت و تقوای خود گزارش می دهد و با افتخار می نویسد: تا سن ۶۰ سالگی جز انگشتانم که مکرر به آب مقدس رسیده، بدنم با آب آشنایی نداشته و شست و شو نشده است. در همین زمان، تنها در شهر قرطبه ۹۰۰ حمام عمومی که بیشتر آن ها با سنگ و مرمر ساخته شده بود، وجود داشت. روزگاری که اروپا هنوز با برنج، خرما، انار و پرتقال، آشنایی نداشت و پنبه و ابریشم را نمی شناخت، حکام مسلمان اندلس، انواع میوه ها را از مشرق زمین به اندلس آوردند و سیستم کشاورزی را متحول ساختند. تنها در شهر قرطبه و اطراف آن ۲۶۰ کارخانه و کارگاه ریسندگی و بافندگی وجود داشت».^(۲)

جنگ های صلیبی و دو حوزه ی بزرگ اندلس و سیسیل در انتقال تمدن مسلمانان به اروپا نقش مهمی داشته اند. اندلس و سیسیل به عنوان پل های

۱- فرهنگ اسلام در اروپا، ج ۲، ص ۳۶.

۲- اسلام در غرب، ص ۴.

ارتباطی شرق و غرب با گردآوری و پرورش فرهنگ و علوم مسلمانان، آن را به اروپا رساندند. بدین ترتیب اسلام در دو مرحله ی زیر به اروپا رسید:

۱ _ با ترجمه ی کتاب های عربی و پژوهش های دانشمندان مسلمان اندلس.

۲ _ با برخوردهای اروپاییان با ملت های عرب و مسلمان به ویژه در روزگار جنگ های صلیبی.

باید گفت دامنه ی اثر گذاری های مسلمانان بر تمدن غرب چندان گسترده است که در این فصل تنها می توانیم اشاره هایی گذرا بدان داشته باشیم.

الف _ جنگ های صلیبی

الف _ جنگ های صلیبی

هر چند در پایان جنگ های صلیبی، مشرق زمین از نظر سیاسی و نظامی پیروز شد، ولی در حقیقت، این مسیحیان بودند که با برگرفتن اندوخته های علمی و فلسفی از منابع کهن شرق، زمینه ی پیدایش رنسانس را فراهم کردند. جنگ های صلیبی، نگرش کلی اروپاییان را نسبت به جهان دگرگون ساخت.

از نظر مذهبی، پندارهای مسیحیان نسبت به مسلمانان شکسته شد و باور مردم به کلیسا و روحانیت مسیحی سست گشت. در جنبه ی سیاسی، نظام فئودالی و ملوک الطوائفی در فرانسه و ایتالیا بر چیده شد و زمینه برای استیلای پادشاهان قدرت مند و دولت مرکزی فراهم گردید. هم چنین از نظر اجتماعی، مردم اروپا با وضع زندگی مسلمانان مشرق زمین آشنا شدند و با برگرفتن آداب و رسوم زندگی آنان، وضعیت اجتماعی خود را دگرگون ساختند. دگرگونی های یاد شده را در وسایل خانه و آراستن آن، تجملات

زندگی، پوشاک مردان و زنان، و غذاهای آنان می توان دید. (۱)

در عرصه ی نظامی نیز اروپاییان با استحکامات جنگی انتظام ارتش، روش قلعه سازی و ساخت قطب نما و باروت آشنا شدند. (۲) افزون بر آن در زمینه ی اقتصادی، اروپا از رهگذر تجارت با شرق، به پیشرفت اقتصادی دست یافت؛ شهرها و راه ها ساخته شد و روش بانک داری سرزمین های اسلامی به اروپا آمد. در قلمرو دانش نیز اروپاییان با دست آوردهای علمی، فنی، پزشکی، فلسفی، جغرافیایی مسلمانان آشنا شدند و بیمارستان هایی به سبک بیمارستان های مسلمانان بنا نهادند.

اینک به نقش دو حوزه ی فرهنگی اندلس و سیسیل در انتقال فرهنگ و تمدن مسلمانان به اروپا می پردازیم:

ب _ اندلس

ب _ اندلس

در طول ۸ قرن اندلس یکی از مراکز مهم انتقال تمدن مسلمانان به اروپا و هم چنین پل ارتباطی شرق و غرب در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بود. در واقع، مسلمانان تمدن و فرهنگی در این سرزمین پایه گذاری کردند که آینه ی تمام نمای فرهنگ و تمدن خراسان، ری، بغداد، دمشق، قاهره و قیروان بود. در قرون وسطی و روزگاری که اروپا در نادانی و پس ماندگی

۱- تاریخ هنر اسلامی، کریستین پرایس، برگردان؛ مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، چ ۲، ص ۱۵۳؛ تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، البر مال و ایزاک ژورک، برگردان: عبدالحسین هژیر، تهران، چاپخانه ی مجلس، ۱۳۱۱، ص ۳۹۵.

۲- تاریخ عرب، فیلیپ حتی، برگردان: محمد سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار، ص ۱۹۴.

مدنی می زیست، اندلس پیشرفته ترین و آبادترین سرزمین غرب بود و پایتخت آن، قرطبه، عروس شهرهای اروپا به شمار می رفت. مسلمانان اندلس در عرصه ی کشاورزی، ساختار فئودالی را از میان برداشتند و شیوه ی زمین داری شرق را گسترش دادند. آنان با بکار بستن روش های جدید آبیاری و سدسازی و آوردن بسیاری از گیاهانی که اروپاییان نمی شناختند (۱) غربیان را با فرهنگ نوین کشاورزی آشنا ساختند.

مسلمانان در صنعت پارچه بافی و نساجی تا آن جا پیش رفتند که فیلیپ حتی، آنان را پرچم داران صنعت پارچه و حریر در دوران قرون وسطی به شمار می آورد. (۲) شهر المریه و قرطبه از مراکز نساجی اندلس به شمار می آمد و پارچه های آن شهرت جهانی داشت. طرح ها و خطوط عربی از همین کارگاه ها به پارچه های اروپایی راه یافت. آنان هم چنین در شیشه گری، سفالگری، کاشی کاری، دباغی، چرم سازی و صنعت کاغذ، پیشرفت های چشم گیری داشتند و در صنایع و معدن و بازرگانی، عرصه های جدیدی را پیمودند.

مسلمانان در علوم و فنون نظری و طبیعی جنبش بزرگ فکری و فلسفی را آغاز کردند که تا قرن ها غرب از پی آمدهای آن بهره می برد. از سر آمدان فلسفه و عرفان اندلس باید به ابن مسره، ابن باجه و ابن طفیل اشاره کرد و در ستاره شناسی و فلک از ابوالقاسم مجریطی، ابوالحکم کرمانی، امیه بن ابی

۱- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲- تاریخ عرب، فیلیپ حتی، برگردان: محمد سعیدی، تهران، کتابفروشی زوّار، ص ۱۲۹.

صلت، ابواسحاق ابراهیم بن یحیی زرقالی و نورالدین تبروجی نام برد. هم چنین در گیاه شناسی، داروسازی و علوم پزشکی، دانشمندانی هم چون: ابن سبعین، ابوجعفر غافقی، ابن العوان، ابن بیطار، ابوالقاسم زهراوی، ابن زهر، عبدالله بن مظفر باهلی و علی بن عباس نام آور بودند.^(۱) عباس بن فرناس نخستین کسی است که شیشه های کریستال را ساخت. نقش دارالترجمه طلیطله را نیز نباید از یاد برد. گفتنی است پس از آن که الفونس ششم؛ پادشاه مسیحی کاستیل، اندلس را به چنگ آورد، به دلیل علاقه مندی به فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی، نه تنها با مسلمانان مغلوب، بدرفتاری نکرد، بلکه با میدان دادن به فرهنگ و تمدن مسلمانان، به برگردان کردن کتاب های دانشمندان مسلمان، همت گماشت. در قرن دوازدهم میلادی، ریموند؛ اسقف اعظم طلیطله، دارالترجمه ای را در آن شهر برای برگردان کردن کتاب های اسلامی بنا نهاد.^(۲) از این تاریخ به بعد، طلیطله در بیش از یک قرن در شمار یکی از مراکز اصلی انتقال تمدن مسلمانان به اروپا بود. قسطنطین آفریقایی، جرارد کرمونی و فرج بن سلیم کلیمی، سه تن از بزرگ ترین مترجمان علوم اسلام به زبان لاتینی هستند. پیتر ونرابل، اتوت کلونی و روبرت کلین نیز از دیگر مترجمان زبردست طلیطله به شمار می آیند. در این عرصه، باید از الفونس دهم مشهور به الفونس حکیم، یوحنا اشیلی، ابراهیم بن عزرا و موسی بن میمون نیز یاد

۱- ر.ک: اسلام در غرب، صص ۳۲۱ _ ۳۴۷ با تلخیص و تصرف.

۲- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ص ۱۳۰.

کرد.

ج _ صقلیه (سیسیل)**ج _ صقلیه (سیسیل)**

سیسیل، مجموعه جزایری است که در جنوب ایتالیا و در دریای مدیترانه قرار دارد و تا قرن ها، مسلمانان بر آن حکم می راندند. از سال ۳۱ تا ۲۹۰ ه. ق مسلمانان هر از چند گاهی به سیسیل هجوم می بردند. پس از به دست آوردن غنیمت باز می گشتند و کمتر به اقامت در آن می پرداختند. با این حال، از سال ۲۹۰ تا ۴۸۳ ه. ق به طور متمرکز بر آن جا حاکم شدند و حکومت مرکزی تشکیل دادند. هنگامی نورمان ها بر سیسیل دست یافتند و حکومت پادشاهی خود را در آن جا تشکیل دادند، جامعه ی سیسیلیان به طور طبیعی، جامعه ای با فرهنگ اسلامی و عرب زبان بود. هر چند سقوط سیسیل به دست نورمان ها، به حضور سیاسی مسلمانان در آن جا پایان داد، ولی از نظر علمی و فرهنگی، به گسترش نفوذ تمدن اسلامی در سیسیل و سپس ایتالیا انجامید.

مسلمانان هنگام استیلا بر سیسیل و پس از آن، برای گسترش دامنه ی اقتصاد، کشاورزی، صنعت و معدن و بازرگانی آن جا، نوآوری های بسیاری انجام دادند و به آموزش جامعه ی بومی سیسیل پرداختند. نورمان ها پس از سقوط دولت کلییان و تصرف سیسیل وارث تمدنی بزرگ و سرزمینی آباد بودند که در طول قرن های دراز و با تلاش پی گیر مسلمانان پی ریزی شده بود. از این رو، تمدن عالی آنان را سرمشق خود قرار دادند و مسلمانان را در ادامه ی این راه باز گذاشتند.

راجر اول، سخت شیفته ی فرهنگ اسلامی بود. به همین دلیل، نظام اداری مسلمانان را حفظ کرد و فیلسوفان، پزشکان و ستاره شناسان مشرق زمین را به

دربار خود فراخواند. راجر دوم نیز سیاست پدر را پی گرفت. او بیشتر اوقات، خود را به ظاهر مسلمانان می آراست و لباس مسلمانان را بر تن می کرد. افزون بر آن وی لقب اسلامی «المعتر بالله» را برای خود برگزید و در سکه ها و کتیبه های خویش، نقش کرد. (۱) راجر دوم از تلاش کشیشان کاتولیک برای مسیحی کردن سربازان مسلمان خود پیش گیری می کرد. (۲) پس از او کیوم اول و دوم به حکومت رسیدند که بر همین روش بودند. بزرگ ترین پادشاه مقتدر نورمانی فردریک دوم بود که جنگ ششم صلیبی در زمان وی رخ داد. او در برابر فشارهای روحانیان مسیحی برای تحمیل مسیحیت بر مسلمانان، مقاومت می کرد، به گونه ای که پاپ گریگوریوس نهم، فتوای تکفیرش را صادر کرد. (۳) فردریک دوم در کار برگردان کردن کتاب های علمی عربی و فارسی بسیار می کوشید و مسایل و مشکلات فلسفی خود را برای پاسخ گفتن دانشمندان مسلمان به بغداد و شام، قاهره و اندلس می فرستاد. (۴) پژوهش های صورت گرفته و کتاب های ترجمه شده در روزگار فردریک دوم، زیر بنای نهضت رنسانس در ایتالیا به شمار می رود.

-
- ۱- تاریخ سیسیل در دوره ی اسلامی، عزیز احمد، برگردان: نقی لطفی و محمد جعفریاحقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۳.
 - ۲- تاریخ سیسیل در دوره ی اسلامی، عزیز احمد، برگردان: نقی لطفی و محمد جعفریاحقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۹.
 - ۳- تاریخ تمدن، ج ۴، بخش دوم، ص ۹۶۱.
 - ۴- اسلام در غرب، ص ۳۵۴.

پژوهش گران، مهم ترین کار فردریک را بنا نهادن دانشگاه ناپل می دانند. این دانشگاه با هدف نشر فلسفه و علوم اسلامی در میان مردم اروپا پایه گذاری شد. گفتنی است نهضت ترجمه ی سیسیل در همین دوران، اوج گرفت که از مترجمان مشهور این دوره باید به تئودور مترجم کتاب سراسرار، مایکل اسکات مترجم کتاب هایی هم چون: الحیران، الحروف، سماع طبیعی، النفس و برخی تفاسیر ابن رشد بر ارسطو و یعقوب آناتولی مترجم آثار ابن رشد و آثار عربی بطليموس اشاره کرد.

د_ رابطه ی فرهنگی مسلمانان با اروپا

د_ رابطه ی فرهنگی مسلمانان با اروپا

اما در این فصل، به روابط علمی و فرهنگی و تأثیر گذاری تمدن مسلمانان بر اروپا در سطح کلی خواهیم پرداخت:

آلفرد کیوم در کتاب میراث اسلام با مقایسه ی دروس مسلمانان در قرن دهم و یازدهم با دروس مسیحیان در قرن یازدهم و دوازدهم، چنین نتیجه می گیرد که مسیحیان از نظر متنی و سازمانی، همان دروس مسلمانان را می خوانده اند.^(۱) برخی بر این باورند که همه ی اصول و قوانین به کار رفته در دانشگاه های اروپا بر گرفته از دانشگاه های اسلامی است.^(۲) اثر گذاری دانشگاه های اسلامی بر دانشگاه های اروپا در چند زمینه قابل بررسی است:

۱_ هم گرایی در هدف و برنامه ی تدریس: این دانشگاه ها به نظامیه های بغداد بسیار شباهت داشت.

۱- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، صص ۲۱۵ _ ۲۱۶.

۲- دانش مسلمین، ص ۳۵۴؛ فرهنگ اسلام در اروپا، ص ج ۲، ص ۲۹۷.

۲- در هم آهنگی ساختار برنامه های درسی.

۳- یکپارچگی کتاب های درسی: آنان بیشتر از ترجمه ی کتاب های مسلمانان بهره می بردند و بنا بر نقل گوستاولوبون، اروپائیان تا قرن پانزدهم گفته ای را که از عرب بر گرفته نبود، مستند نمی شمردند. (۱)

۴- بر گرفتن آداب و رسوم دانشگاهی از دانشگاه های شرقی.

۵- پیروی در سبک معماری و ساختمان سازی از دانشگاه های اندلس و الازهر.

۶- پیروی از دانشگاه الازهر در دسته بندی دانشجویان به دسته های گوناگون ملیتی.

در زمینه ی علوم انسانی نیز اثرگذاری اندیشمندان مسلمان بر اندیشوران مسیحی اروپا انکارناپذیر است. اثرپذیری افرادی هم چون: آلبرت کبیر، توماس آکونیاس، راجر بیکن از ابن سینا، ابن رشد، فارابی، ابن میمون و ابن جردل به حقیقتی تاریخی تبدیل شده است. هانری کربن براین باور است که در قرون وسطی، مکتبی به نام مکتب ابن سینا گری پدید آمده بود که آتین ژیلون نیز وجود چنین مکتبی را تأیید می کند. (۲) هم چنین در عرفان اثر گذاری ابن عربی و غزالی را بر عارفان اروپایی مانند: آلیگیری، ریمونرلول، پاسکال و دکارت نباید از یاد برد.

۱- تمدن اسلام و عرب، ص ۷۳۵.

۲- سه حکیم مسلمان، سید حسین نصر، برگردان: احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۰، چ ۱، ص ۵۷.

گفتنی است گسترش ادبیات مسلمانان به اروپا از راه تبادل فرهنگی با اسپانیا و سیسیل و نیز جنگ های صلیبی صورت گرفت که پی آمدهای آن در شکل ادبیات منظوم، داستان نویسی و شعر شاعران تروبادور(۱) و کمدی الهی دانته نمود یافته است. در ساحت اخلاق نیز رفتارهای اخلاقی حکمرانان مسلمان مانند صلاح الدین ایوبی و رفتار مسلمانان با زنان شان در دگرگونی رفتار مسیحیان با یکدیگر و زنان شان مشهود است. باید دانست آشنایی اروپاییان با علوم ریاضی، ستاره شناسی، ره آورد نهضت ترجمه ی اسپانیا است و ترجمه ی آثار خوارزمی، بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، عمر خیام و بطروجی، در پیشرفت ریاضیات و ستاره شناسی در اروپا نقش بزرگی داشته است. هم چنین مسلمانان در ساخت رصدخانه به نوآوری هایی دست زدند و اروپاییان را با برخی فنون جدید آشنا ساختند.

در زمینه ی پزشکی نیز باید گفت اندیشه و آثار پزشکان مسلمان از راه اسپانیا و ایتالیا وارد اروپا شد. در ایتالیا باید از نقش مدرسه ی سالرتو و پزشک معروف آن قسطنطین آفریقایی در گسترش پزشکی یاد کرد که هونکه زیگرید می گوید مسلمانان، آن را بنا نهاده اند.(۲) کتاب های قانون ابن سینا و حاوی رازی تا ۶ قرن بعد، زیر بنای پزشکی اروپا به شمار می رفت و اروپاییان بسیاری واژه ها و

۱- ر.ک: جان های آشنا، جلال ستاری، تهران، توس، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۷۳.

۲- فرهنگ اسلام در اروپا، ج ۲، صص ۱۵۴ _ ۱۵۵.

اصطلاحات پزشکی را از کتاب های مسلمانان بر گرفته اند. (۱) اروپاییان در چشم پزشکی و بیمارستان سازی نیز از مسلمانان، الگوبرداری کرده اند.

در شیمی، کیمیاگری ره آورد فرهنگ عربی برای غربیان بود. (۲) اگر آزمایشگاه های مجهز هزار سال پیش مسلمانان و یافته های مهم آنان نبود، هیچ گاه لاوازیه نمی توانست گامی به جلو بردارد. (۳) هم چنین در فیزیک، تأثیر ابن هیثم بر فیزیک دانان غرب مانند: راجر بیکن مشهود است. گفتنی است جرارد کرمنایی و ریسنر کتاب المناظر ابن هیثم را به زبان لاتین برگردانده اند. (۴)

باید دانست که غرب در عرصه ی تکنولوژی نیز چیزی برای عرضه به مشرق زمین نداشت و در واقع، جریان انتقال تکنولوژی از مشرق به غرب برقرار بود. این انتقال تکنولوژی را در واژگان گوناگونی که به فرهنگ های لغت زبان اروپایی راه یافته است، می توان دید. (۵) اثرگذاری تمدن مسلمانان بر تمدن غرب از دیدگاه اندیشمندان غربی و شکوفایی و گسترش تمدن مسلمانان آن سان شگفت انگیز است که گروهی از آگاهان و اندیشوران غربی

۱- واژه هایی چون: جلاب عربی و گلاب فارسی _ رب، صداع سردرد و الکحل یا الكل.

۲- تاریخ علم کمبریج، کالین ا. رنان، برگردان: حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۱۲.

۴- زندگی و تمدن در قرون وسطی، صدرالدین میرانی، تهران انتشارات اقبال، ۱۳۴۷، چ ۱، ص ۳۶۵.

۵- ایران، اسلام، تجدد، مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷، چ ۱، مقاله ی «انتقال تکنولوژی در جهان اسلام به غرب»، صص ۱۸۶ _ ۱۸۷؛ اسلام در غرب، صص ۳۵۲ _ ۳۶۲.

کوشیده اند با دوری از غرض ورزی، راستی ها را آشکار سازند و به اندازه ی شناخت خویش، واقعیت های تاریخی را درباره ی اثرگذاری تمدن مسلمانان بر تمدن غربی بیان کنند. اینک برخی از این نظرها را می آوریم.

ولتر با اشاره به برتری دین اسلام بر مسیحیت و معقول و جدی بودن آن می نویسد:

در دوران توحش و نادانی پدید آمده پس از سقوط امپراطوری روم، مسیحیان همه چیز مانند: هیأت، شیمی، طب، ریاضیات و... را از مسلمانان آموختند. غریبان از همان قرون نخستین هجری ناگزیر شدند برای یاد گرفتن علوم متداوله ی آن روزگار به سوی مسلمانان روی آورند. (۱)

جرج سارتن نویسنده ی تاریخ علم با انفجاری خواندن پیدایش و رشد اسلام چنین می نگارد:

در مورد رشد انفجاری اسلام چیزی گویاتر از تثبیت این تاریخ جدید آن هم تنها ۱۷ سال پس از وقوع آن نیست. ۵ یا ۱۰ قرن طول کشید تا تاریخ میلادی تثبیت شود. از میانه ی سده ی هشتم تا سده ی دوازدهم میلادی، فرهنگ لاتینی تقریباً به طور مطلق، پس از فرهنگ اسلامی قرار گرفت. رکود فکری که در نیمه ی دوم سده ی هفتم و نیمه ی اول سده ی هشتم میلادی، دست کم در اروپا و خاور نزدیک، محسوس بود، عصر تجدید فعالیتی را به دنبال داشت که تا حدودی کاملاً مدیون مسلمانان است. (۲)

حَنَّا الْفَاخُورِي مِي كُوِيْد:

دانشمندان غرب، دانش را از اسلاف خود فرا گرفتند که شاگردان مسلمانان

۱- دانش مسلمین، ص ۱۰۵.

۲- دانش مسلمین، ص ۱۱۰.

بودند، ولی شاگردان را بلند نام ساختند و استادان را از یاد بردند. با آن که ملل دیگر به دانشمندان خود افتخار می کنند و باید افتخار کنند، هرگز در سرتاسر تاریخ طولانی خود، کسانی نبوده اند که به ستایش و نشر آثار و شناساندن افتخارات، از اینان سزاوارتر باشند. (۱)

هم چنین هرمان راندال می نویسد:

مسلمانان در قرن دهم میلادی، تمدنی در اسپانیا پدید آوردند که در آن تمدن، علوم از صورت عقاید مبهم در آمده و با صنایع و فنون زندگی علمی، هم آهنگی یافته بود. روی هم رفته مسلمانان در قرون وسطی، نماینده ی همان اندیشه ی علمی و زندگی صنعتی بودند که ما امروزه به مردم آلمان نسبت می دهیم. آن چه ما دوست داریم روحیه ی فرانسیس بیکن بنامیم، اروپاییان از مسلمانان به ارث برده اند که عبارت است از: گسترش دادن مرزهای قلمرو بشر در طبیعت. (۲)

ژوزف مک کاپ نیز چنین می نگارد:

حقیقت این است که در قرن هجدهم، ۸۵٪ اهالی اروپا بی سواد بودند، حال آن که هفت قرن پیش از آن، بیشتر اهالی اندلس، خواندن و نوشتن را به خوبی می دانستند. (۳)

ماکس میرهوف در این باره می گوید:

دانش اسلامی مانند ماه تابان، تاریک ترین شب های اروپای قرون وسطی را منور ساخت. چون علوم جدید ظاهر شد ماه بی رنگ شد، ولی همان ماه بود

۱- دانش مسلمین، ص ۱۲۰.

۲- دانش مسلمین، ص ۱۲۳.

۳- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۱۶.

که ما را در شب های تاریک هدایت کرد. (۱)

افزون بر آن پروفیسور گیپ می نویسد:

هنگامی که به گذشته نظر افکنیم، می بینیم علوم و ادبیات شرق به منزله ی خمیر مایه ای برای تمدن غرب بوده است، به گونه ای که نفوذ روحیات و افکار شرق، روح تاریک مردم قرون گذشته ی غرب را روشن ساخته و آنان را به جهان گسترده تری هدایت کرده است. (۲)

۲_ اسلام، ایران و تمدن معاصر

اشاره

۲_ اسلام، ایران و تمدن معاصر

در این بخش به اثرگذاری جنبش های اجتماعی و سیاسی و نقش ایرانیان در تکوین تمدن معاصر مسلمانان می پردازیم. (۳)

باید دانست رویارویی مظاهر

۱- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، به نقل از میراث اسلام، ص ۱۳۴.

۲- دانش مسلمین، ص ۳۱۹، به نقل از میراث اسلام، ص ۸۱.

۳- نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا؛ ره یافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، عبدالوهاب فراتی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۸، چ ۱؛ نقد و بررسی جنبش های اسلامی معاصر، نوگرایی دینی، حسن یوسفی اشکوری، تهران نشر قصیده، ۱۳۷۸، چ ۲؛ اندیشه ی اصلاحی در نهضت های اسلامی، محمد جواد صاحبی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷، چ ۱؛ تاریخ نهضت های دینی سیاسی معاصر، علی اصغر حلبی، تهران، ۱۳۷۱، چ ۱؛ اندیشه ی سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، برگردان: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲، چ ۳؛ اسلام در قرن بیستم، عباس محمود عتاد و حمید رضا آذیر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، چ ۱؛ نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران، عبدالهادی حائری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، چ ۱؛ گرایش های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴، چ ۱؛ جنبش های اسلامی در جهان عرب، هرابرد کمجیان، برگردان: حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲، چ ۲.

اقتصادی و نظامی تمدن جدید غرب با جامعه های مسلمان، واقعیت پس ماندگی، سستی و انحطاط این جامعه ها را نمایاند و با سلطه یافتن مستقیم و یا غیر مستقیم دولت های غربی بر کشورهای مسلمان، روحیه ی ذلت پذیری، پریشانی، فساد، فقر و درماندگی بر مردمان این سرزمین ها حاکم گردید.

جامعه های مسلمان به زودی با دو رویه ی ملموس تمدن بورژوازی غرب آشنا شدند؛ دانش و کارشناسی و رویه ی استعماری آن. وجدان های بیدار و حساس دیدن خمودگی، واپس گرایی و انحطاط مسلمانان و مقایسه ی آن با دوران شکوه و سربلندی پیشین تمدن اسلامی، بسیاری از روشنفکران و اندیشمندان مسلمان را به تکاپو و اندیشه وامی داشت. باری، آنان می دیدند که زمانی نه چندان دور مسلمانان بر جهان متمدن سیادت داشتند و تمدن آنان، پیشرو تمدن های جهانی بود ولی اکنون در قرن نوزدهم میلادی، به ده ها کشور و دولت، تجزیه شده و ناتوان گشته اند.

در برابر این وضعیت دردناک و آسیب های روزافزون آن که هویت دینی و ملی مسلمانان را تهدید می کرد، واکنش هایی صورت گرفت که با وجود رویه های متفاوت، همگی در رویکرد مبارزه جویانه و رهایی بخشی از زیر بار فرهنگ و تمدن غرب اشتراک نظر داشتند. گروهی، راه گریز را پیشنهاد دادند. برخی، جدایی دین از عرصه ی سیاست و اجتماع و پیروی کامل از الگوی تمدن غرب را تنها راه چاره دانستند. در رهیافت این تجددگرایان، نقد، اصلاح و احیای فرهنگ دینی جایی نداشت. سومین رویکرد به آن دسته از روشن فکران تعلق داشت که در اساس دین اسلام، ضعف و فتوری نمی دیدند و تنها

به فراموشی سپردن آموزه های اصیل اسلامی و استبداد داخلی و استعمار خارجی را در آن دخیل می دانستند. اینان که در نهضت احیاگری و اصلاح طلبی دینی جای می گیرند، شرط لازم برای پیروزی مسلمانان در پیکار با انحطاط تمدنی و دشمنان خارجی را در خودآگاهی دینی (شناخت دین اسلام)، خودآگاهی انسانی (و شناخت کرامت انسانی)، خودآگاهی تاریخی و فرهنگی (و شناخت تمدن دیرینه ی خودی) تربیت اخلاقی و معنوی و سلوک دینی، شناخت جهان معاصر و تمدن جدید غرب، یگانگی مسلمانان و جهان اسلام و پرهیز از فرقه گرایی می دانستند. گفتنی است در میان گروه سوم، ۲ رهیافت وجود دارد.

۱ _ رویکرد اول به آشتی دین و عقل یا دین و دانش می اندیشد و با رد خرافه ها، بر ضرورت احیای سنت اجتهاد پافشاری می کند. این نظریه به دگرگونی مبانی و مبادی دین نمی پردازد.

۲ _ رهیافت دوم به ضرورت نوسازی اندیشه ی دینی با بازسازی مبانی و مبادی دینی باور دارد.

اینک به بررسی شخصیتی بزرگان و پیش گامان نهضت احیا و اصلاح دینی می پردازیم که با وجود دیدگاه های گوناگون، در بازیابی هویت مشترک مسلمانان و باز تولید اندیشه ی اسلامی برای بازگشت به دوران شکوه مندی تمدن مسلمانان پافشاری دارند.

الف: اصلاح گران جهان اسلام

اشاره

الف: اصلاح گران جهان اسلام

زیر فصل ها

سید جمال الدین اسدآبادی

شیخ محمد عبده

حسن البنا

عبدالرحمان کواکبی

اقبال لاهوری

سید جمال الدین اسدآبادی

سید جمال الدین اسدآبادی

بی تردید، سید جمال الدین اسدآبادی، سلسله جنبان و آغازگر نهضت های اصلاحی صد ساله ی اخیر است. نهضت او فکری و اجتماعی بود و با هر دو جامعه ی شیعه و سنی، پیوند نزدیک داشت. سید تنها راه چاره ی بحران های جهان اسلام را احیای اندیشه یا معرفت دینی و فراتر از آن، بازسازی اندیشه ی دینی می دانست. از دید او دور شدن از اسلام اصیل و نفوذ خرافه در باور مسلمانان کنار گذاشتن فضایل اخلاقی، نادیده انگاشتن دین، از خود بیگانگی و خودباختگی در برابر غرب، فرقه گرایی استبداد داخلی و استعمار خارجی، از عوامل انحطاط تمدن مسلمانان و از دست رفتن هویت آن به شمار می روند.

شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده

پس از سید جمال، شیخ محمد عبده دومین شخصیتی است که از او به عنوان مصلح در جهان تسنن یاد می شود. روش عبده با

سید جمال در دو زمینه تفاوت داشت نخست این که وی هوادار اصلاح تدریجی بود و دیگر این که، آموزش و پرورش دینی را بر آموزش و پرورش سیاسی و حرکت های سیاسی مقدم می دانست.^(۱) با این حال، کار سید و عبده، مکمل یکدیگر بود؛ زیرا هر دو بر ضرورت بازگشت مستقیم به منابع اصلی اندیشه ی دینی، توجیه عقلی

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، ص ۳۹.

احکام شریعت و احیای اجتهاد پافشاری می کردند. (۱)

حسن البنا

حسن البنا

حسن البنا در سال ۱۳۴۷ ه. ق جنبش اسلامی و سیاسی اخوان المسلمین را در مصر پایه گذاری کرد که بعدها به دیگر کشورهای اسلامی گسترش یافت. مهم ترین اهداف اخوان المسلمین، برپایی حکومت اسلامی و اصلاحات اجتماعی است و در جنبش های اجتماعی اسلامی پس از خود، نقش برجسته ای داشته است. سطحی نگری، تعصب شدید دینی، بی توجهی به اجتهاد، آشفتگی در پاسخ گویی به مسایل عصر جدید، از نقطه ضعف های جنبش اخوان المسلمین شمرده شده است.

عبدالرحمان کواکبی

عبدالرحمان کواکبی

وی اندیشمندی استبداد ستیز بود که دلیل پس ماندگی مسلمانان را آشفتگی وضع اقتصادی آنان می دانست. وی در این راه با کارشکنی کارگزاران استبداد عثمانی رو به رو گردید و به مبارزه ی قلمی و فکری با آنان روی آورد. کواکبی، دردهای جامعه ی اسلامی و رمز پس ماندگی مسلمانان را این موارد می دانست: کج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، استبداد رأی، نبودن آزادی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، سهل انگاری در دین، نفوذ روحانی نمایان، گسترش روح ناامیدی در میان مسلمانان، فقر و تنگدستی زمام داران مستبد و ناآگاهی ملت ها.

اقبال لاهوری

اقبال لاهوری

اقبال لاهوری را باید یکی از قهرمانان اصلاح طلبی در جهان اسلام به شمار

آورد که اندیشه های اصلاحی اش در اندک زمانی در همه ی جهان اسلام گسترش یافت. نواندیشی های وی در عرصه ی اندیشه ی دینی بر اندیشوران پس از او، تأثیر فراوانی برجا گذاشته است. اقبال به بازنگری در ساختار مسلمانی، باور داشت و ویژگی های زیر را در وی می توان یافت: آشنایی ژرف با اندیشه های اجتماعی و فلسفی غرب، معنویت گرایی و درون گرایی، عمل گرایی و مبارزه جویی. البته آشنایی ناکافی با فرهنگ و فلسفه ی اسلامی و ارزیابی نادرست درباره ی شخصیت های جهان اسلام و حرکت های اسلامی را باید ضعف اصلی اقبال شمرد. برای نمونه، فلسفه ی ختم نبوت او به ختم دیانت می انجامد و در نگاه وی، وهابی گری و قیام آتاتورک، نهضت های اصلاحی پنداشته می شود، با این حال اقبال فلسفه ای دارد که آن را فلسفه ی خودی می نامد. او معتقد است که امت اسلامی، هویت واقعی خود را از دست داده است. از این رو می کوشد شایستگی های این امت را به یاد او آورد و بار دیگر او را به خودش مؤمن سازد. (۱)

ب _ جنبش های اصلاحی و سیاسی شیعی

اشاره

ب _ جنبش های اصلاحی و سیاسی شیعی

زیر فصل ها

جنبش تنباکو

جنبش استقلال طلبانه ی میرزا محمدتقی شیرازی

جنبش مشروطیت

نهضت ملی شدن صنعت نفت

انقلاب اسلامی ایران

جنبش تنباکو

جنبش تنباکو

جنبش تنباکو را روحانیان ایران آغاز کردند که با دخالت حاج میرزا حسن شیرازی؛ زعیم بزرگ حوزه ی علمیه ی نجف اشرف، به پیروزی نهایی رسید. نهضت تنباکو که آغازگر حرکت منسجم و توفنده ی روحانیت شیعه بود،

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، صص ۵۰ _ ۵۶.

قدرت استبداد داخلی و حضور استعمار خارجی را به چالش کشاند. البته برخی چون مهندس مهدی بازرگان به اشتباه بر این باورند که «حرکت میرزای شیرازی نه ضد استعمار بوده است و نه ضد استبداد».^(۱)

جنبش استقلال طلبانه ی میرزا محمدتقی شیرازی

جنبش استقلال طلبانه ی میرزا محمدتقی شیرازی

وی رهبر انقلاب عراق بر ضد استعمار بریتانیا بود. آن هنگام که بریتانیا خواست نماینده ی خود، پیترو پرسی کاکس را در مقام رئیس حکومت عراق به مردم تحمیل کند، میرزای شیرازی، فتوای جهاد صادر کرد و با سازمان دهی روحانیان مبارز و برانگیختن احساسات مردمی به مطالبه ی حقوق مشروع ملت، استقلال کشور و تشکیل حکومت اسلامی پرداخت. او در این راه از همکاری بزرگانی هم چون: شیخ مهدی خالصی، سید محمد نقی شیرازی، شریعت اصفهانی و سید ابوالقاسم کاشانی بهره مند بود.

جنبش مشروطیت

جنبش مشروطیت

نقش بزرگان حوزه ی نجف و روحانیان مقیم تهران در جنبش مشروطیت بسیار چشم گیر است. این بزرگان عبارت بودند از: آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، میرزا خلیل تهرانی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی و شیخ فضل الله نوری. اگر فداکاری و اندیشه های اصلاحی اینان نبود، نهضت مشروطیت هیچ گاه پیروز نمی شد، چنان چه بعدها نیز با کنار رفتن روحانیت و چیرگی اندیشه های غرب زدگانی هم چون: آخوند زاده، میرزا ملکم، طالبوف و تقی زاده، نهضت مشروطه در رسیدن به اهداف خود ناکام ماند و به دیکتاتوری رضا خان انجامید. خیزش های مردمی در اصفهان،

۱- نوگرایی دینی، گفت گو با مهندس مهدی بازرگان، ص ۳۴.

تبریز و مشهد، جنبش مردم اصفهان به رهبری حاج آقا نورالله اصفهانی، نهضت تبریز به رهبری میرزا صادق تبریزی و نهضت خراسان به رهبری مرحوم حاج آقا حسین قمی، در ادامه ی حرکت پیشروانه ی روحانیت شیعی در هواداری از اندیشه ی اسلامی و حقوق مردم رخ داد.

در زمینه ی نهضت اصلاحی فکری باید از میرزای نایینی یاد کرد که کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله را به نگارش درآورده است و از هواداران سرسخت مشروطه بود. پس از او نیز بزرگانی هم چون: سید عبدالحسین شرف الدین، سید محسن امین عاملی، آیت الله العظمی بروجردی، علامه طباطبایی و شهید مطهری، زمینه را برای تداوم حرکت های اصلاح طلبانه فراهم آوردند. البته باید تلاش ها و اندیشه های اصلاحی شخصیت های بزرگی مانند: دکتر علی شریعتی و مهندس مهدی بازرگان را نیز ارج نهاد. هر چند در مسیر فکری آنان، اشتباه هایی دیده می شود، ولی در نهضت بیدارگری مسلمانان، نقش مهمی داشته اند.

نهضت ملی شدن صنعت نفت

نهضت ملی شدن صنعت نفت

این نهضت یکی از بزرگ ترین و شکوه مندترین نهضت های سیاسی، اجتماعی و فکری ایران معاصر است که با گرد هم آمدن روحانیت پیشرو به رهبری آیت الله کاشانی و نیروهای روشن فکر به رهبری دکتر محمد مصدق به بار نشست و البته بعدها با پیدایش اختلاف میان همین دو گروه به شکست گرایید. این نهضت در شکل گیری خط فکری نیروهای اصلاح طلب اسلامی، نقش بنیادینی داشت که پی آمدهای آن را در انقلاب اسلامی به خوبی می توان دید.

انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران

این انقلاب، بزرگ‌ترین حرکت اصلاحی و انقلابی در جنبه‌های فکری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان اسلام به شمار می‌آید و در واقع، آن را باید انقلاب ارزش‌ها نامید. با رهبری بی‌بدیل امام خمینی رحمه الله و گرد آمدن مردم بر محور آموزه‌های حیات بخش اسلام این انقلاب که برآیند همه‌ی اندیشه‌های مثبت اصلاحی پیشین بود، به پیروزی رسید.

باری، جنبش‌های اصلاح‌جو و احیاگر نیروهای روشن بین و نواندیش اسلامی و خیزش‌های اجتماعی و سیاسی نیروهای اصلاح طلب در نهضت بیدارگری مسلمانان در تاریخ معاصر جهان اسلام، نقش بنیادین و اساسی داشته است که اگر با آسیب‌های آن به درستی مبارزه شود، سامان‌دهی تمدن جدید مسلمانان را در پی خواهد داشت.

شماری از آسیب‌هایی که اندیشه‌ورزان اجتماعی و سیاسی برای حرکت‌های اصلاحی برشمرده‌اند، بدین قرار است: نفوذ اندیشه‌های بیگانه، تجددگرایی افراطی، رخنه‌ی فرصت‌طلبان، ابهام و آشفتگی در طرح‌های فراروی، انحراف از ارزش‌ها و اندیشه‌های اصلی، التقاط و پراکندگی فکری، بی‌توجهی به اندیشه‌های پیشین، بی‌توجهی به روش‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی، دوری از نقد تاریخی، تبیین‌نگشتن مبانی تکامل و ساختارهای آن، اثرپذیری شتاب‌زده و احساسی از جریان‌های اجتماعی، دوام نیافتن، پیروی از غرب، درک نادرست، نارسا و متفاوت از آموزه‌های اصیل اسلامی، واکنش تند، منفی و بی‌پشتوانه‌ی جامعه‌های اسلامی در برابر پدیده‌های فرهنگی تمدن

مغرب زمین. (۱)

به جز اندیشه‌ها و جنبش‌های اصلاحی و سیاسی که برشمردیم، اندیشمندان دیگری نیز بوده‌اند که در ذیل همین خیزش‌ها جای می‌گیرند. گفتنی است برخی از آن‌ها اثر مثبت و برخی، اثر منفی داشته‌اند و پاره‌ای، درست‌اندیشیده و دسته‌ای به انحراف گراییده‌اند. از میان این اندیشمندان به: قاسم امین، رشید رضا، مصطفی عبدالرزاق، شاه ولی‌الله، سر احمد خان هندی، سید امیر علی هندی، سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد بن علی سنوسی (در لیبی) عبدالرحمان کواکبی (۲)، عمر مختار و جنبش‌های انطباقی در زمینه‌ی تطبیق اسلام با سوسیالیسم، ناسیونالیسم و دموکراسی در کشورهای عربی و ایران می‌توان اشاره داشت. (۳)

ج _ جایگاه تمدن مسلمانان در جهان معاصر

ج _ جایگاه تمدن مسلمانان در جهان معاصر

کوشش‌های اصلاح طلبانه در جهت بازیابی هویت اسلامی، اسلام را به سنگ محکم مقاومت‌های مردمی در برابر غرب تبدیل کرد؛ برای مردمی که از نظر سیاسی، زیر سلطه بودند. بی تردید، اثبات هویت اسلامی با تقلیدی سطحی از برخی نهادهای اروپایی ناقص خواهد بود. لذا این نهضت نیز با ژرف‌نگری

۱- ر.ک: نوگرایی دینی، حسن یوسفی اشکوری، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، نشر قصیده، ص ۵۶ _ ۳۸۵ با تخلص و تصرّف.

۲- تاریخ نهضت‌های دینی _ سیاسی معاصر، صص ۳۹ _ ۹۷ و ۱۴۴ _ ۱۷۶.

۳- ر.ک: اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر، ص ۲۰ _ ۴۵.

ویژه ای در راه بازگشت به سرچشمه های معنوی و فرهنگی اسلام، گام بر می دارد.

اینک بیش از یک میلیارد مسلمان در ۴۲ کشور جهان زندگی می کنند که نزدیک به ۳۱ آرای مجمع عمومی سازمان ملل متحد را در اختیار دارند. هر چند کشورهای اسلامی در شمار کشورهای در حال توسعه طبقه بندی شده اند ولی در عرصه ی اقتصادی، پیکره ی یکپارچه ای را تشکیل نمی دهند. دولت های اسلامی هنگام ورود به صحنه ی بین المللی، بنا بر ضرورت خود را با نهادهای سیاسی و حقوقی که بر محور دولت _ ملت شکل گرفته است، هم آهنگ ساخته اند. اسلام در ساختار این کشورها، نقش گونه گونی دارد و فقه اسلامی کم و بیش در آن ها جاری است. این گونه گونی قلمرو وسیعی را از ترکیه لایبیک تا عربستان سعودی در بر می گیرد.

گفتنی است، در حال حاضر ۳۱ جمعیت صحرایی آفریقا را مسلمانان تشکیل می دهند. اسلام که در این منطقه نسبتا جدید است، با مایه ی فرهنگی دست نخورده ای سازگار گشته و بی آن که ویژگی مذهبی خود را از دست بدهد، ساختار ویژه ای یافته است. اعتلای اسلام در این منطقه از گسترش ارتباطات، اثرپذیرفته و تقابل آن با مسیحیت باوری استعمارگران، از نظر روانی به گسترش اسلام کمک کرده است.

هم چنین امروزه مسلمانان در آمریکا، نیروی حیاتی و اثرگذاری را تشکیل می دهند. افزون بر آن، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، بزرگ ترین سازمانی است که همکاری دولت های اسلامی را جهت می بخشد و تاکنون در رشد روحیه ی تعاون و برادری جامعه های اسلامی، نقش بسزایی داشته است.

چشم انداز بسیار گسترده و در حال رشد جهان اسلام با همه ی تفاوت های جزئی آن در گوشه و کنار دنیا، از حضور پر رنگ اسلام و تبدیل آن به بیش از ایده آل برای سازمان دهی جامعه های انسانی حکایت می کند.

می توان گفت مسلمانان با اثرپذیری از آرمان های گوناگون، به طور هم زمان به سوی دولت به عنوان فضای اجتماعی – سیاسی امت مؤمنین به عنوان فضای معنوی در حرکت هستند. این نیروهای متمایل به مرکز و گریز از مرکز بیشتر اوقات تأثیر دو سویه بر یکدیگر دارند و به پیدایش گونه ای بی ثباتی سیاسی و گونه گونی ایدئولوژیک و اقتصادی در جهان اسلام می انجامند. با این حال، جهان اسلام و مسلمانان هنوز به طور کامل از انزوای علمی به در نیامده اند و جامعه ی علمی کشورهای مسلمان در پراکندگی فکری به سر می برند. به همین دلیل، فرار مغزها در این جامعه در حال گسترش است و از نظر زیربنای فکری نیز هنوز نتوانسته اند به باز تعریف هویت مشترک خود دست یازند. (۱)

د _ چالش های تمدن مسلمانان در جهان معاصر

۱ _ نگرش های افراطی و تفریطی به فرهنگ خودی و غرب

از پیدایش نگرش های هویت یاب در میان مسلمانان، سال های درازی می گذرد و کوشش های فکری بی شماری در این زمینه صورت گرفته است، ولی هنوز مسلمانان به یکپارچگی و هم آهنگی مناسب و لازم نرسیده اند.

۱- اسلام و جهان امروز، مارسل بوازار، برگردان: مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۱۴۳، با تصرف.

در یک سو، گروهی به غرب ستیزی مطلق روی آورده اند و هیچ گونه تبادل مثبت فرهنگی با غرب را بر نمی تابند. در سوی دیگر نیز، گروهی در تحلیل ها و رهنمودهای خود، فرهنگ خودی را قربانی نظریه ها و پیشنهادهای غربی می کنند. از این رو، نداشتن اندیشه ی اعتدالی برتر و فراگیر که دیگر اندیشه ها را زیر بال و پر خود بگیرد، از مشکلات اصلی تمدن مسلمانان در عصر حاضر به شمار می رود.

۲_ پراکندگی فکری و عملی

مصلحان، روشن نگران و خردورزان مسلمان مدت هاست مسلمانان را به وحدت فرا می خوانند و در این راه، گام های بسیاری در سطح ملت ها و دولت ها برداشته شده است. با این حال، مسلمانان به وحدت دلخواه نرسیده اند و در پراکندگی فکری و عملی به سر می برند.

۳_ ناهم آهنگی نخبگان

اگر نخبگان جامعه های اسلامی با یکدیگر هم آهنگ و یکدل شوند و از نظر علمی و فکری به هم اندیشی برسند، می توانند با دگرگون ساختن، جریان علمی کشورهای مسلمان و جهان، حرکت به سوی بازسازی تمدنی را شتاب بخشند.

۴_ خودکامگی و وابستگی دولت های مسلمان

اعتلای فرهنگی و تمدنی به پیش زمینه هایی هم چون: آزادی اندیشه و نوآفرینی نیاز دارد. نمی توان دستان اندیشه ورزان را بست و از آنان، نوآوری، نواندیشی و گشاینده گی انتظار داشت. از این رو نگرش های تنگ نظرانه و استبدادی و وابستگی دولت های برخی کشورهای مسلمان به قدرت های استکباری، مانع اصلی بر سر قدرت یافتن تمدن مسلمانان به شمار می رود.

۵_ نبود ساختار اندیشه سازی نوین

فرهنگ و تمدنی می تواند نقش پیشتاز و پیشرو داشته باشد که همواره در حال بازپروری و تولید اندیشه باشد آن چه جهان را می سازد، بازآفرینی همیشگی در عرصه ی خرد و اندیشه ی انسانی منتها بر اساس بینش دینی است.

مشکل دیگر در بازسازی تمدن مسلمانان در جهان معاصر، ناتوانی در تولید اندیشه ی ناب و پاسخ گوی اسلامی است. بیشترین اندیشه های امروزی اندیشوران مسلمان، پیروی از نظریه ها و اندیشه های صاحب نظران جهان غرب است، به گونه ای که حتی در نفی غرب نیز این دنباله روی به چشم می خورد. در این زمینه باید دانست خودباوری، بازبینی توانایی ها و نارسایی ها، آشنایی دقیق و انتقادی با فرهنگ غرب، به کارگیری همه ی استعدادها و جسارت در بازگویی اندیشه های جهانی، پیش شرط های اساسی برای طرح اندیشه های نوین و روزآمد به شمار می روند.

۶_ دگرگونی های پر شتاب جهانی

جهان، جهان در حال حرکت است و سکون در آن جایی ندارد، حال مهم نیست که این حرکت را سیر پیش روانه بدانیم یا قهقراپی. امروزه دگرگونی های جهانی، شتابی خیره کننده یافته و انبوه یافته های مادی و معنوی، روح و روان انسان را به تسخیر خود در آورده است. پدیده های جدیدی هم چون انفجار اطلاعات و انفجار جمعیت نیز بر این حرکت پر شتاب افزوده اند. بنابراین فرهنگ ها و تمدن ها باید بکوشند در این فضا، حیات بالنده ی خود را تضمین کنند، زیرا در غیر این صورت، محکوم به فنا خواهند بود. در دنیای موسوم به موج سوم که اطلاعات و ارتباطات بر آن فرمانروایی

می کند، باید بکوشیم قدرت اندیشه، تصمیم گیری و گزینش را از دست ندهیم تا بتوانیم هم پای این دگرگونی های شتابنده گام برداریم.

ه _ نقش انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن مسلمانان

اشاره

ه _ نقش انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن مسلمانان

بی تردید، انقلاب اسلامی ایران، نقش عینی و اجتماعی دین را احیا کرد و به بیداری و حتی تولد روحیه ی اصالت گرایانه در دیگر ادیان جهان انجامید. حقیقت بزرگ دهه های پایانی هزاره ی دوم، توجه دوباره ی انسان به نقش دین در ساختن یک نظام تمدنی و فرهنگی جدید بود که در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران تبلور یافت. انقلاب اسلامی دو پی آمد مهم در برداشت که بدین قرار است:

۱ _ مسلمانان را از کارآمدی و توان مندی دین اسلام در برابر بدیل های آن، آگاه ساخت .

۲ _ جایگاه پدیده ی اساسی دین را در معادله های سیاسی و فرهنگی جهان تثبیت کرد.

انقلاب اسلامی ایران در زمینه های زیر به رشد و بالندگی فرهنگ و تمدن مسلمانان یاری رسانده است:

الف _ انقلاب، کسانی را بر مسند قدرت نشاند که از نظر فرهنگ سیاسی و الگوی رفتاری از همگونی ویژه ای برخوردار بوده و بومی نیز هستند. نخبگان جدید که از قشر اکثریت جامعه هستند، کمتر از فرهنگ جدید جهانی اثر پذیرفته اند. آنان در قالب فرهنگی ویژه ای که ایرانی _ اسلامی تر است، رفتار اجتماعی خود را عرضه می کنند. افزون بر این، به قدرت رسیدن نخبگان جدید،

این باور را به همراه آورد که سیاست، ورزش شاهان یا نتیجه‌ی اراده‌ی خارجیان نیست. (۱)

ب _ انقلاب، قطار دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و تمدن‌سازی ایران را که در ۲۰۰ سال گذشته از ریل بیرون رفته بود به مسیر طبیعی خود بازگرداند.

ج _ شعار اصلی انقلاب (استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی) این گونه معنا شد که همه‌ی قدرت‌های بیگانه باید ایران را ترک کنند.

د _ خودبازیابی ایرانیان و پیرو آن همه‌ی مسلمانان

انقلاب اسلامی ایران با چهار ویژگی آرمان‌گرایی، جهان‌شمولی، مردمی بودن و ایران‌گرایی نشان داد که می‌خواهد تجدید خواهی اصیل را دوباره زنده گرداند. هم‌چنین با هشت سال دفاع دلیرانه از سرزمین خویش، به جهانیان فهماند که در احیای ایران مدرن نه مدرن‌گرا، سنتی نه سنت‌گرا، دموکرات نه دموکرات‌گرا استوار است. یکی از نویسندگان معاصر در تبیین تفاوت‌های سنتی با سنت‌گرا، مدرن با مدرن‌گرا و دموکرات با دموکرات‌گرا چنین می‌نویسد:

مدرن به منزله‌ی تجدید و روزآمدی است و مدرن‌گرایی به معنی نو شدن ظاهری است. سنت، پای‌بندی به اصول و میراث تمدنی و بومی است، در حالی که سنت‌گرایی تقلید ظاهری از سنت است. دموکرات کسی است که حق مردم را باور دارد و برای حقوق اکثریت احترام قایل است و حضور اقلیت

۱- پگاه حوزه، ش ۷، ص ۱۲، گفت و شنود با دکتر فرهنگ رجایی.

را تحمل می کند، در حالی که دموکرات گرا، غوغا سالار و توده باز است. (۱)

بنابراین، هرگاه احساس انقلابی بر انقلابی گری پیشی بگیرد صدای تجدد خواهی، روز آمدی، سنت و مردم سالاری دینی، رساتر می شود. نسل جوان ایرانی مهم ترین و اصلی ترین پشتوانه این صداقت و پس از آنان، همه ی کسانی که دل به این صدا بسته و چشم بدان دوخته اند، باید در این راه گام نهند. انقلاب اسلامی ایران و نسل جوان آن، دوران های حساسی را پشت سر گذارده و حماسه هایی آفریده است که با پشتوانه ی آن ها می تواند در باز تولید تمدن مسلمانان، نقش اساسی ایفا کند. دوران ها و نقطه های عطف زندگی مردم ایران بدین قرار است:

۱ _ انقلابی مردمی که در سال های اخیر همانند آن بروز نکرده است.

۲ _ فروپاشی نظام ۲۵۰۰ ساله ی پادشاهی

۳ _ تجربه ی جنگ هشت ساله و حفظ تمامیت ارضی.

انقلاب اسلامی در مقام سردمداری حرکت اصلاحی و احیاگر نوین اسلامی و پس از آن، همه ی اندیشورزان مسلمان در مقام کارگزاران این جنبش باید برای بازتولید تمدن مسلمانان راهبردی متناسب برگزینند. ویژگی ها و اصولی که راهبرد یاد شده باید بر پایه ی آن استوار گردد، بدین قرار است:

۱_ عدالت

۱- پدیده ی جهانی شدن، فرهنگ رجایی، برگردان: عبدالحسین آزرنگ، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۲۰.

دست یابی به عدالت، اساسی ترین آرمان و نیاز جامعه های انسانی است. اگر تمدنی بتواند عدالت را به بهترین روش در گسترده ترین قلمرو فراهم آورد در روند تمدنی خود بسیار موفق خواهد بود

۲_ کرامت انسانی

حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی جامعه های انسانی در همه ی عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به پیدایش تمدنی سترگ کمک خواهد کرد. اگر کرامت آدمیان و حقوق اساسی آنان رعایت نگردد به پیدایش تمدنی پویا و زنده نمی توان امیدوار بود.^(۱)

۳_ هم اندیشی نخبگان فکری و علمی

هم اندیشی دانشمندان، نخبگان و اندیشمندان مسلمان، برای بنای تمدنی بزرگ و فراگیر کاملاً ضروری است و تا این مهم رخ ندهد، تمدنی پدید نخواهد آمد.

۴_ دست یابی به هویت جمعی مسلمانان

رسیدن به هویت جمعی و پافشاری، روح یگانگی را در میان مسلمانان می آفریند و آنان را نسبت به آینده خوش بین تر می سازد. در این صورت، اعتلای جایگاه تمدنی و دست یابی به اهداف فراروی تمدن اسلامی، امکان پذیر خواهد شد.

۵_ به دست آوردن ابزار مادی تمدن

۱- دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، مقاله ی زمینه ها و راهبردهای شکوفایی تمدن و فرهنگ در جمهوری اسلامی، بهرام اخوان کاظمی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۸، چ ۱، به نقل از علامه ی جعفری، نشریه ی جام، ش ۲۷، ۱۳۷۳.

تمدن بر پایه ی ویژگی مادی و معنوی بنا گردیده است. به همین دلیل، فراهم آوردن ابزار مادی و فن آوری برای تمدن مسلمانان مسأله ای حیاتی به شمار می رود. تمدن مسلمانان در دوره ی اوج فعالیت خود از این ابزار بهره مند بوده است و اینک نیز برای بازسازی ساختارهای تمدنی خویش باید پس از دست یابی به فن آوری های گوناگون، به نوآفرینی در آن ها دست یازد.

۶_ مسؤولیت پذیری نخبگان

موضوع مهم دیگر در تمدن سازی تلاش پی گیر و کوشش خستگی ناپذیر و به دور از نومیدی و رفاه زدگی فرهیختگان و دانایان جامعه است. علم و تمدن با گسترش روحیه ی آسایش طلبی و آسودگی هم خوانی ندارد.

۷_ منطق جمعی

۷_ منطق جمعی (۱)

سرشت جهان امروز با تک روی و کارهای فردگرایانه هم آهنگی ندارد. امروزه همه ی نوآفرینی ها بر اساس کار جمعی و روحیه ی جمع گرایانه انجام می پذیرد. از این رو، یکپارچگی و همکاری دانشمندان مسلمان و نهادهای علمی کشورهای اسلامی با یکدیگر در فرآیند حرکت های علمی و تمدن سازانه، از اهمیتی بسزا برخوردار خواهد بود.

۸_ آفرینندگی فرهنگی

۸_ آفرینندگی فرهنگی (۲)

زایش و پویای فرهنگی و قدرت آفرینش فکری، ویژگی اساسی و شرط لازم برای تمدنی است که داعیه ی جهانی شدن دارد. بدون این ویژگی حیاتی،

۱- نامه ی فرهنگ، سال ۳، ش ۴، ص ۱۶۷، گزارش مقاله ی محمود سریع القلم.

۲- اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ش ۱۰۰ _ ۱۰۲، بهمن و اسفند ۷۴، ص ۲۲، مقاله ی داوود باوند.

جریان تمدنی به ایستایی دچار خواهد شد و شاخصار آن، میوه ای نو بر نخواهد داد.

۹_ ارج گذاری دانش و اندیشمندان

نمی توان داعیه ی تمدن سازی داشت، ولی فضیلت دانش و دانش جویی را پاس نداشت. نمی توان از تمدن سازی سخن به میان آورد، ولی جایگاه فضیلت مداران را به ناداشتگان فضیلت سپرد و بر فرهیختگان و فرزنانگان، ستم روا داشت. بنا بر این توجه معنوی و مادی به درس آموختگان مکتب دانایی و قدرشناسی از آنان، امری بس مهم و کارساز در روند تمدن زایی است.

۱۰_ ترسیم چهره ی رحمانی دین

۱۰_ ترسیم چهره ی رحمانی دین (۱)

دین در عرصه ی تمدن های دیروزی و امروزی نقشی بی بدیل را به خود اختصاص داده است. حتی تمدنی مانند تمدن غرب که دین را به دور دست ها رانده است، امروزه از پی آمدهای چنین جفای خود کرده ای ناخرسند است. برای آن که دین، نقش بنیادین خود را به شایستگی در نهاد تمدن مسلمانان ایفا کند، باید اسلام همان گونه که هست و با همان چهره ی پر رحمت و عطوفت آن نمایانده شود.

۱۱_ معرفت دینی

یکی از برتری های باور دینی بر دیگر عوامل اجتماعی این است که اندیشه ی بشر را از امید به رستگاری سیراب می سازد. از این رو، شناخت درست جنبه های گونه گون اندیشه ی دینی، آگاهی از کارکرد اجتماعی،

۱- دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی، مقاله ی زمینه ها و راهبردهای شکوفایی تمدن در جمهوری اسلامی، صص ۱۲ _ ۳۲، عطاء الله مهاجرانی.

فرهنگی و سیاسی آن و بازبینی عناصری که به بالندگی یا افسردگی آن می انجامند، پیش زمینه ی بازسازی تمدن مسلمانان در جهان معاصر به شمار می روند.

۱۲_ خردورزی اعتدالی

حتمی ترین پایه تمدن، بکارگیری صحیح عقل است. به همین دلیل، باور خرد در ساحت دین _ البته در اندازه های خودش _ باید مسأله ای بدیهی به شمار آید. گفتنی است منظور ما آن عقلانیتی است که حوزه ی سلطه ی خویش را به درستی بشناسد و به عقل بوالفضول تبدیل نگردد.

۱۳_ پیوند عقل و وحی

مهم ترین عامل در بازسازی تمدن مسلمانان، توجه هم زمان به دو مقوله ی عقلانیت و وحیانیت است. البته این بدان معنا نیست که در عقل، وحی و در وحی، عقل راهی ندارد، بلکه منظور آن است که ما حضور عقل را در محدوده ی آن به رسمیت بشناسیم و حضور وحی را در ساحت زندگی بشر برای هدایت او به سوی رستگاری بپذیریم. در هم آهنگ ساختن عقل و وحی باید عناصر اساسی این دو به گونه ای درست، مناسب و متناسب، با یکدیگر پیوند یابند. در واقع بزرگ ترین چالش فراروی تمدن مسلمانان چگونگی پیوند دادن این دو در زمانه ی حاضر و در هزاره ی سوم است که اگر چنین شود، بزرگ ترین هنرمندی نخبگان مسلمان و اندیشمندان اسلامی را رقم خواهد زد.

انقلاب اسلامی و تمدن سازی از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر فرزانه ی انقلاب، حضرت آیه الله خامنه ای (مدظله) خط سیر کلی نظام اسلامی را رسیدن به تمدن اسلامی می داند و بر اندیشه ی تمدن محور در

انقلاب اسلامی پای می فشارد. ایشان تولید فکر و پرورش انسان را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی معرفی می کند و درباره ی زمینه های آسیب پذیری تمدن مسلمانان می فرماید:

یکی از زمینه ها تحجر است. نگاه نو به مسایل نکردن، گذران تاریخ و تحول فکر انسان ها را نادیده گرفتن. در کنار تحجر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی بندوباری چه در فکر یعنی این که انسان هر آن چه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می شود، بدون ارزیابی، بدون نقادی، بدون فهم درست با آن مواجه بشود و چه در عمل؛ یعنی نقطه ی مقابل تقوا. از جمله آفت ها، طعمه جوئی است و از طرف دیگر، دشمن خارجی است... امروزه حقیقت این است که نظام فکری در صحنه ی جهانی با حقد و کینه ی مراکز قدرت جهانی مواجه است.^(۱)

مقام معظم رهبری هنگام بر شمردن رسالت حوزه و دانشگاه در تمدن سازی، حوزویان را به ایجاد صلاحیت های لازم برای مقابله با بحران های فکری، توجه به فلسفه ی اسلامی به عنوان منطق عقلانی، تحلیل درست از مسایل سیاسی و فکری، غیرت مندی دینی، پرهیز از کارهای آشفته و بی رویه ی سیاسی و توجه به همتای علمی خود _ دانشگاه _ سفارش می کند. همین موضوع ها به طور عینی برای دانشگاهیان نیز مطرح خواهد بود. البته درباره ی دانشگاه باید به ویژگی های انحصاری یا همزاد آن توجه شود.

۱- سخنان مقام معظم رهبری در مدرسه ی فیضیه قم، به نقل از پگاه حوزه، ش ۱، صص ۲ و ۳.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، سید کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

* نهج البلاغه، محمد علی انصاری.

* نهج البلاغه، عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۶.

* نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱_ آرنولد، توماس؛ الدعوه الی الاسلام، حسن ابراهیم حسن و دیگران، قاهره، مصر، مکتبه النهضه المصریه، چاپ دوم، ۱۹۷۵.

۲_ آل علی، نورالدین؛ اسلام در غرب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۳_ اسماور، لاری، ریچاردای پورتر و لیزا اسنفانی؛ ارتباط بین فرهنگ ها، غلام رضا کیانی، و سید اکبر میرحسینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۴_ ابراهیمی دینانی، غلام حسین؛ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (جلد سوم)، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵_ ابن خلدون، مقدمه ی ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

۶_ ابن ندیم؛ الفهرست، قاهره، العربی، لنشر و التوزیع، ۱۹۹۱ م.

- ۷_ اتینگهاوزن، ریچارد و آگو گرابر؛ هنر و معماری اسلامی، یعقوب آژند، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۸_ احمد، عزیز؛ تاریخ سیسیل در دوره ی اسلامی، برگردان: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۹_ اسعدی، مرتضی؛ ایران، اسلام، تجدد، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۰_ اسلامی ندوشن، محمد علی؛ فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران، یزدان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۱_ اسنيس، والتر ترنس؛ دین و نگرش نوین، احمدرضا جلیلی، تهران، حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۲_ افروغ، عماد؛ چالش های کنونی ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۳_ اکسفورد، باری؛ نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۴_ العش، یوسف؛ کتاب خانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطا، اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۵_ الفاحوری، حنا و خلیل البحر، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، عبدالمحمد آیتی، تهران، زمان، چاپ اول، ۱۳۵۵.
- ۱۶_ الفونسو نلیتو، گرلو؛ تاریخ نجوم اسلامی، احمد آرام، تهران، چاپ خانه ی بهمن، چاپ اول، ۱۳۴۹.
- ۱۷_ الگود، سیریل؛ تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، باهر

فرمانی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۸_ امیرعلی؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مشهد، موسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۹_ باشا، حسن؛ موسوعه العماره و الآثار و الفنون السلام یه، قاهره، مکتبه دارالعربیه الکتاب، چاپ اول، ۱۴۲۰.

۲۰_ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، (مجموعه ی مقالات)، کتاب و کتاب خانه در تمدن اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۱_ بنیاد دائره المعارف اسلامی، دانش نامه ی جهان اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۲۲_ بوازار، مارسل؛ اسلام و جهان امروز، مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲۳_ پاشایی، ع؛ فرهنگ اندیشه ی نو، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲۴_ پرایس، کرسستین؛ تاریخ هنر اسلامی، مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگ، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۲۵_ پیرو، آسن؛ فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۲۶_ تالبوت رایس، دیوید؛ هنر اسلامی، ماه ملک بهار، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۲۷_ تقی زاده، سیدحسن؛ تاریخ علوم در اسلام، تهران، فردوس، چاپ اول (جدید)، ۱۳۷۹.

- ۲۸_ توین بی آرنولد؛ جنگ و تمدن، خسرو رضایی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۲۹_ حائری، عبدالهادی؛ نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- ۳۰_ حتی، فیلیپ؛ تاریخ عرب، برگردان: محمد سعیدی، تهران، کتابفروشی زوآر.
- ۳۱_ حجازی، فخرالدین؛ نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران، بعثت، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- ۳۲_ حسن، هادی؛ سرگذشت کشتی رانی ایرانیان، امید اقتداری، مشهد، به نشر، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۳۳_ حقیقت، عبدالرفیع؛ تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۳۴_ حکیمی، محمدرضا؛ دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳۵_ حلبی، علی اصغر؛ تاریخ نهضت های دینی و سیاسی معاصر، تهران، بهبهانی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۳۶_ خاتمی، سیدمحمد؛ آیین و اندیشه در دام خودکامگی، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- ۳۷_ خدوری، مجید؛ گرایش های سیاسی در جهان عرب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۳۸_ دستغیب، عبدالعلی؛ هجوم اردوی مغول به ایران، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۳۹_ دورانت، ویل؛ درآمدی بر تاریخ تمدن، برگردان: احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، تهران، انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۴۰_ _____؛ عصر ایمان، جلد دوم، ابوالقاسم پاینده و دیگران، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

۴۱_ دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه ی دهخدا، جلد اول از دوره ی جدید، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۴۲_ دیمانند، م.س؛ الفنون الاسلامیه، احمد محمدعیسی، قاهره، دارالمعارف مصر.

۴۳_ دیمانند، م.س؛ راهنمای صنایع اسلامی، عبدالله فریار، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۳۶.

۴۴_ رایین، اسماعیل؛ دریانوردی ایرانیان، تاریخ چاپ نامعلوم.

۴۵_ رجایی، فرهنگ؛ پدیده ی جهانی شدن، عبدالحسین آذرنگ، تهران، آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴۶_ رشدی الزین، محمد بسام؛ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن العظیم، سوریه، دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۱۶.

۴۷_ رنان، کالین ۱؛ تاریخ علم کمبریج، حسن افشار، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۴۸_ ریلر، جاک؛ الحضاره العربیه، بیروت، عویرات، چاپ اول، ۱۹۹۳.

۴۹_ زرین کوب، عبدالحسین؛ کارنامه ی اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

۵۰_ زکی، محمدحسن؛ تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، محمدعلی خلیلی،

۵۱_ زیدان، جرجی؛ تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.

۵۲_ ستّاری، جلال؛ جان های آشنا، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵۳_ شلّبی، احمد؛ تاریخ آموزش در اسلام، محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۵۴_ سمیعی، غلامرضا؛ اسلام در قرون وسطی، تهران، البرز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۵۵_ شرابو، امبرتوو ارنست گروبه؛ هنر ایلخانی و تیموری، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۵۶_ شریعتی، علی؛ شیعه، مجموعه آثار (۷)، تهران، الهام، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

۵۷_ شهابی، محمود؛ ادوار فقه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۰.

۵۸_ صاحبی، محمد جواد؛ اندیشه ی اصلاحی در نهضت های اسلامی، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۵۹_ صدر، سیدحسین؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامی، تهران، منشورات اعلمی.

۶۰_ صفا، ذبیح الله؛ احوال و آثار ابوریحان بیرونی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، چاپ اول، ۱۳۵۲.

۶۱_ عبدالرحمه مرحبا، محمد؛ الجامع فی تاریخ العلوم عندالعرب، بیروت، پاریس، عیدیات و بحر المتوسط، چاپ دوم، ۱۹۸۸.

۶۲_ عبدالقاهر محمد، ماهر؛ التراث و الحضاره الاسلامیه، بیروت، دارالحفصه العربیه.

۶۳_ عبداللطیف مطّلب، محمد؛ تاریخ علوم الطبیعه، بغداد، دارالحریه اللطباعه،

- ۶۴_ عسگری، سید مرتضی؛ نقش ائمه در احیای دین، تنظیم: محمدعلی جاودان، مجمع علمی اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۶۵_ عقّاد، عباس محمود؛ اسلام در قرن بیستم، حمیدرضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۶۶_ عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ کتاب و کتابخانه زیربنای تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۵۶.
- ۶۷_ _____؛ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
- ۶۸_ _____؛ علم و تمدن در اسلام، احمد آرام، تهران، نشر اندیشه، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- ۶۹_ علیی لک، احمد؛ تاریخ بیمارستان ها در اسلام، نورالله کسایی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۷۰_ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.
- ۷۱_ عنایت، حمید؛ اندیشه ی سیاسی در اسلام معاصر، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۷۲_ غنیمه، عبدالرحیم؛ تاریخ دانشگاه های اسلامی، نورالله کسایی، تهران، یزدان، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- ۷۳_ فراتی، عبدالوهاب، ره یافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۷۴_ فراستخواه، مقصود؛ دین و جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول،

۷۵_ فرشاد، مهدی؛ تاریخ مهندسی در ایران، تهران، دانشگاه پهلوی، چاپ اول، ۲۵۳۶.

۷۶_ فروخ، عمر؛ تاریخ العلوم عند العرب، لبنان، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۹۸۰.

۷۷_ فن گروبنام، گوستاو. ای؛ وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، عباس آریان پور، تبریز، انتشارات معرفت.

۷۸_ قانع غرآبادی، احمدعلی؛ علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۷۹_ قربانی، زین العابدین؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۴.

۸۰_ کرابرد، الگ و.ر. اتینگهاوزن؛ هنر اسلامی و اموی، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸۱_ کمجیان، هرایرد؛ جنبش های اسلامی در جهان عرب، حمید احمدی، تهران، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۸۲_ کونل، ارنست؛ هنر اسلامی، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸۳_ کیانی، محمدیوسف، معماری ایرانی دوره ی اسلامی، تهران، سازمان سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۸۴_ گارده، لوئی؛ اسلام، دین و امت، رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۵۲.

۸۵_ گروه نویسندگان؛ دایره المعارف فارسی، تهران، شرکت سهامی کتاب های

- ۸۶_ گلشنی، مهدی؛ از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۸۷_ گولر، جولیوس و ویلیام ل. گولب؛ فرهنگ علوم اجتماعی، محمدجواد زاهدی، مازندرانی، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۸۸_ لاتوش، سُرُر؛ غربی سازی جهان، امیر رضایی، تهران، قصیده، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۸۹_ لوبون، گوستاو؛ تمدن اسلام و عرب، فخر داعی گیلانی، تهران، علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴.
- ۹۰_ ماله، آبر؛ تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، غلام حسین هژیر، تهران، چاپخانه ی مجلس، چاپ اول، ۱۳۱۱.
- ۹۱_ مجتهدی، کریم؛ مدارس و دانشگاه های اسلامی و عربی در قرون وسطی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۹۲_ محمدی، ذکراالله، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، تهران، دانشگاه بین المللی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۹۳_ مختاری، محمدحسین؛ امامت و رهبری، تهران، انجمن قلم ایران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۹۴_ مشحون، حسن؛ تاریخ موسیقی ایران، تهران، سیمرغ، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۹۵_ مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان، صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۷.
- ۹۶_ مطهری، مرتضی؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۹۷_ _____؛ مجموعه ی آثار (ج ۱۴)، تهران _ قم، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۹۸_ _____؛ نهضت های اسلامی در صد ساله ی اخیر، تهران، صدرا.

۹۹_ معین، محمد؛ فرهنگ معین، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۵.

۱۰۰_ مورانی، حمید، تاریخ العلوم عند العرب، بیروت، دارالمشرق، چاپ اول، ۱۹۸۹.

۱۰۱_ مولانا، حمید؛ گذر از نوگرایی، یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۰۲_ میدلی، آلدو؛ علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۰۳_ میرانی، صدرالدین؛ زندگی و تمدن در قرون وسطی، تهران، اقبال، چاپ اول، ۱۳۴۷.

۱۰۴_ نصر، سیدحسین؛ جوان مسلمان و دنیای متجدد، مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۱۰۵_ _____؛ نوگرایی دینی، تهران، نشرقصیده، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۱۰۶_ نیتربیت؛ جان و پاتریسا آبردین، دنیای ۲۰۰۰، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۰۷_ نیکسون، ریچارد؛ فرصت را دریابیم، حسین رفسی نژاد، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۰۸_ وات، مونتگمری؛ تأثیر اسلام در اروپا، یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ

۱۰۹_ وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، تهران، انتشارات وزارت آموزش عالی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۱۰_ وهیب الجبوری، یحیی؛ الخط و الكتابه فی الحضاره العربیه، بیروت، دارالعرب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۹۹۴.

۱۱۱_ هانتینگتون، ساموئل؛ نظریه ی برخورد تمدن ها، مجتبی امیری، تهران، موسسه ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۱۲_ هرتزوگ، هرمان؛ آشتی تمدن ها، هرمز همایون پور، تهران، فرزانه پور، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۱۳_ هرنکه، زیگرید؛ فرهنگ اسلام در اروپا، مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۱۴_ همایی، جلال الدین؛ تاریخ علوم اسلامی، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۱۱۵_ هیل، درک و اولگ گرابر؛ معماری و تزئینات اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۱۶_ یوسف حسن، احمد و رونالد، هیل؛ صنایع مسلمین، اردشیر اشراقی، تهران، نشر قبله، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۱۷_ یوسفی اشکوری، حسن؛ شریعتی و نقد سنت، تهران، یادآوران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

